

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

تغییرات خاورمیانه

و

پیامدهای آن برای افغانستان

دکتور فضل غنی المجددی

شناسنامه کتاب

عنوان: تغییرات خاورمیانه و پیامدهای آن برای افغانستان

نویسنده: دکتر فضل غنی المجددی

ناشر: مرکز مطالعات استراتژیک و منطقی

تاریخ نشر: بهار 1404 ه.ش

نوبت چاپ: چاپ نخست

تیراژ: یک هزار جلد

موضوع: سیاست و روابط بین الملل

چاپ و صحافی: مطبعه آرین

بهاء: 180 افغانی

قطع: رقعی

واتس اپ ناشر: 0093780618000

E-mail: info@csrsaf.org

www.csrsaf.org

فهرست مطالب

- 7..... سخن مرکز
- 11 مقدمه
- 15..... اهمیت شرق میانه
- 22..... احتمال درگیری بین اسرائیل و ترکیه در سوریه
- 23..... آیا ایالات متحده در مبارزات جدید اشتراک میکند؟
- 26..... ترامپ و شرق میانه
- 27..... حل های پیشنهادی
- 31..... اخراج اجباری « پاکسازی قومی » فلسطین های مقیم نوار غزه
- 34..... موقف اردن، مصر، تنظیم های فلسطینی و کشور های غربی
- 48..... دعوت رئیس ترامپ از معامله قرن تا دعوت برای اخراج
- 48..... معامله قرن (صفقة القرن)
- 56..... توضیحات مسئولین اداره رئیس ترامپ در مورد مهاجرت
- 60..... تأثیر سقوط نظام بشار اسد بالای اسرائیل و شرق میانه
- 75..... آیا اخوان سوریه در آینده سیاسی نقش مهم را خواهد داشت؟
- 77..... مسیر شبه نظامیان فاطمیون

77	تأسیس و تشکیل فرقه فاطمی در سوریه.....
79	سناریو های احتمالی
81	نقش کرد ها در تغییر شرق میانه
82	عراق:
82	ترکیه:
83	ایران :
83	نیروهای دموکراتیک سوریه (قسد)
86	سرنوشت قوای نظامی دموکراتیک «قسد» در سوریه
90	آینده قوات دموکراتیک سوریه « قسد»
95	فرصت ها و چالش های پیش روی افغانستان.....
97	شرق میانه از نظر جغرافیایی، سیاسی،دینی،مذهبی و
118	جنگ جهانی دوم و نتایج آن
120	معاهده سایکس پیکو
124	ظهور امریکا به عنوان ابر قدرت جهانی
130	روسیه و شرق میانه
144	نقش روسیه شرق اسلامی و افریقا

سخن مرکز

مرکز مطالعات استراتژیک و منطوقی همواره با پژوهش‌های علمی، تحلیل‌های واقع‌بینانه، سروی‌های دقیق، کنفرانس‌ها و میزگردهای علمی اکادمیک کوشیده تا تصویری واقعی از وضعیت کشور، منطقه و جهان و راه‌حل‌های مناسب و راهبردی را تقدیم مراجع پالیسی‌ساز و دست‌اندرکاران عرصه‌های مختلف این مرز و بوم نماید.

رویدادهای سیاسی و تغییراتی که همواره در محیط و ما حول رخ می‌دهد، حاصل عوامل و اسباب متعددی می‌باشد؛ آگاهان امور و نخبگان همواره کوشیده‌اند تا زوایای مختلف حوادث و رویدادها را هویدا سازند، اداره‌ی بحران‌های سیاسی و اجتماعی نیاز مبرم به آگاهی از ابعاد مختلف رویدادها دارد. با استفاده از تجارب گذشته، درس‌های تلخ و شیرین تاریخ، شناخت درست مصالح و مفاسد هر مساله و برهه‌ی زمانی و پذیرش اصل اختلاف در همزیستی مسالمت‌آمیز، هر ملتی را در یافتن راه نجاتی از فتنه‌ها و تفرقه‌ها یاری می‌کند.

کشور ما که از بحران‌های متعدد عبور نموده و در مسیر استقرار و پایداری گام نهاده است، متولیان امور را می‌سزد تا دگرگونی‌های ما حول را به دقت بنگرند، منظومه ارتباطات کشور را در توازن مصالح و مفاسد عباد و بلاد با همسایه‌گان و قدرت‌های منطقه‌ای و جهانی سامان دهند. حفظ

توازن در برقراری روابط، حسن همجواری و مصلحت‌های متقابل نقش اساسی در تداوم استقرار دارد.

تغییرات و دگرگونی‌های کنونی در خاورمیانه بدون شک تاثیراتی بر افغانستان نیز خواهد گذاشت؛ مسایل پیچیده منطوقی نیاز دارد تا از زوایای متعدد به آن پرداخته شود و در این راستا کنفرانس‌ها و سمینارهای علمی تدویر یابد، مقالات علمی و کتاب‌هایی در این زمینه نگاشته شود و آراء و دیدگاه‌های متعدد و متفاوت در این زمینه بحث و بررسی گردد و یافته‌های آن برای مراجع پالیسی‌ساز و تصمیم‌گیر ارایه گردد.

از آنجایی که مرکز مطالعات استراتژیک و منطوقی با انتقال اندیشه‌های تازه و تحقیقات رهیافتی همواره کوشیده تا در راستای ارتقای سطح دانش و غنای فرهنگی جامعه نقش ارزنده‌ای را ایفا نماید، اینک به چاپ این اثر تحقیقی تحلیلی همت گماشته است، به امید این که این مسایل از ابعاد دیگر نیز بررسی گردد و دیدگاه‌های متعدد رهگشایی برای حل بحران‌ها و تبیین بهتر مسایل گردد.

کتاب حاضر اثر خامه‌ی دانشمند فرهیخته کشور، دکتور فضل غنی مجددی است که مدت زیادی سمت ریاست انجمن دعوت اسلامی افغانان مقیم آمریکا را عهده‌دار بوده‌اند. علاوه بر اشتراک در کنفرانس‌های متعدد پیرامون مسایل افغانستان و جهان و حضور فعال بیش از پنج دهه در عرصه‌ی سیاسی افغانستان، بیش از ۷۰ اثر علمی تحقیقی از این خامه به زیور طبع آراسته گردیده است.

تغییرات خاورمیانه و پیامدهای آن برای افغانستان؛ تحلیلی از ابعاد متعدد به مساله خاورمیانه است. افغانستان به عنوان جزئی از منطقه خاورمیانه

بزرگ از این تغییرات متاثر خواهد بود و پیامدهایی را برای آن به دنبال خواهد داشت که در این اثر تحقیقی تحلیلی بیان گردیده است. این اثر علمی، تحلیل جدیدی از اوضاع خاورمیانه را در پیشگاه خواننده قرار می‌دهد و زمینه را برای تحقیق و کاوش در عرصه‌های جدید مهیا می‌سازد. روی این ملحوظ، خواندن این اثر برای تمام اندیشمندان و شخصیت‌های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و دانشجویان کشور پیشنهاد می‌گردد.

یکبار دیگر تاکید می‌کنیم که مرکز مطالعات استراتژیک و منطقی افغانستان، به تفاوت دیدگاه‌ها و تنوع افکار به دیده‌ی قدر نگریسته و آن را سبب پخته‌گی علمی و تکامل معلوماتی جامعه می‌داند. بسیار خرسند خواهیم بود اگر خواننده‌گان چیز فهم، نقدهای سازنده و دیدگاه‌های متفاوت‌شان را در رابطه به محتویات کتاب با ما شریک سازند.

در پایان، از الله متعال برای دکتور فضل غنی مجددی سعادت دارین، دوام نعمت و برکت در علم، عمر و عمل‌شان را استدعا داریم.

دکتور شاه‌رخ رؤوفی

رئیس مرکز مطالعات استراتژیک و منطقی

مقدمه

الحمد لله رب العالمين و الصلاة و السلام على رسوله الكريم و بعد:

«و تلك الأيام نداؤها بين الناس» (آل عمران: 140). و این روزگار (و حالات) را میان مردم می گردانیم (دست به دست می کنیم).

شرق میانه از زمانه‌های قدیم، مهد ادیان سماوی، مرکز فرهنگ و ثقافت جهان بوده و در عصر حاضر نیز از موقعیت ویژه‌ای در جهان برخوردار می‌باشد. شرق میانه همیشه یکی از مهم‌ترین مناطق جهان بوده و نقش تعیین‌کننده‌ای را در تحولات سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و دینی داشته و دارد.

شرق میانه پل ارتباطی میان آسیا، اروپا و افریقا می‌باشد و هر نیرویی که بالای این منطقه تسلط داشته باشد، بالای دنیا تسلط و حاکمیت دارد. شرق میانه از نظر منابع طبیعی، خصوصاً نفت و گاز که جهان به آن ضرورت بیشتر دارد قابل اهمیت است.

حملات صلیبی که در تاریخ بنام جنگ‌های صلیبی یاد می‌شود، در اول هدف دینی نداشت، بلکه هدف اصلی جنگ‌های صلیبی تسلط بر منابع اقتصادی و تحکیم بالای خط مواصلات بری بود.

شرق میانه با ضعف و ناتوانی نظامی، علمی و نداشتن نظام‌های سیاسی سالم، موجودیت حکومت‌های استبدادی و با تمام چالش‌های سیاسی و بحران‌های متعدد، همچنان نقش کلیدی و اهمیت استراتژیک فوق‌العاده‌ای دارد. نظر به اهمیت آن، استعمار جدید کوشش دارد بالای شرق میانه تسلط کامل داشته باشد.

استعمار قدیم شرق میانه را به کشورهای کوچک تقسیم نمود و زعمای فاسد و وابسته را در کشورهای کوچکی به قدرت رسانید. این روش تا امروز ادامه دارد. قوای بزرگ جهانی هر حرکت آزادی‌خواه و هر جنبش معتدل اسلامی را در شرق میانه اگرچه به روش دیموکراسی نیز به قدرت برسد سرنگون می‌کند.

شرق میانه از نظر جغرافیای طبیعی و سیاسی معنای بزرگتری را دارد و شامل کشورهای متعدد در افریقا و آسیا به شمول افغانستان می‌شود. مشکلاتی که امروز در شرق میانه به میان آمده، ادامه سیاست‌های گذشته است که به مراحل متعدد و درازمنه مختلف تطبیق می‌شود.

7 اکتوبر 2023، جنگ بین حرکت آزادی‌خواه فلسطین و اسرائیل، سقوط نظام بشار اسد و به قدرت رسیدن اسلام‌گرایان در سوریه را می‌توان مرحله جدید در تاریخ معاصر شرق میانه حساب کرد.

در این تحقیق مشکلات شرق میانه و اهداف استعماری و نقشه جدید در منطقه که تأثیرات منفی بر کشور ما افغانستان و دیگر کشورهای اسلامی دارد، مورد بحث قرار می‌گیرد. کشورهایی که از نقشه جغرافیایی بیرون و در بدل آنها اسرائیل بزرگ ساخته می‌شود، مهمترین موضوعات این تحقیق می‌باشد. یکی از مشکل‌ترین امور برای محقق، بحث پیرامون مسائل روز می‌باشد، خصوصاً در عصر حاضر که تکنالوجی سبب نقل معلومات و اخبار

در هر دقیقه شده و محقق مجبور است تا کار یک هفته قبل خود را مراجعه کند. من هر بار که تحقیق را مراجعه نمودم، مجبور به اضافات جدید شدم. راپورهای جدید، سخنرانی های زعماء، مصاحبه های مطبوعاتی رؤسای دول، تحقیقات جدید، تبصره های روزنامه های مهم جهان سبب می شود تا نویسنده و محقق در تحقیق خود تجدید نظر کند. بحث در مسائل سیاسی همیشه در حالت تغییر است. خانم (مارگریت تاچر/ Margaret Thatcher) صدر اعظم فولادی انگلستان می گفت که 24 ساعت در عمر سیاست بسیار طولانی است و ممکن در 24 ساعت واقعات مهمی رخ دهد که در 24 سال پیش نشده باشد.

این تحقیق می تواند کلید و آغاز تحقیقات جدید دیگری باشد و محققین افغانستان نواقص تحقیق را اصلاح و معلومات بیشتری را برای هموطنان تهیه کنند. برای محققین افغانستان مطالعه اوضاع سیاسی شرق میانه و تقسیمات جدید در منطقه اهمیت فوق العاده دارد، چون هر تغییر در نقشه شرق میانه مستقیماً تأثیر منفی و یا مثبت بر نقشه سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و مذهبی افغانستان دارد.

دكتور فضل غنى المجددى

مارچ 2025

اهمیت شرق میانه

در طول تاریخ بشری، قدرت‌های بزرگی عرض اندام کردند، و متأسفانه از قوت خود و از ناتوانی دیگران استفاده نا مشروع نمودند. این روش تا زمانیکه دنیا باقی است، ادامه دارد. از روش الهی است که ظلم و استبداد دوامدار نیست و قوت بزرگ روزی ضعیف می‌شود و قوه کوچک و ضعیف قوی می‌گردد، بدین ترتیب چرخ زندگی ادامه دارد.

در این تحقیق تاریخ قدیم بحث نمی‌شود. بحث از جنگ جهانی اول آغاز می‌شود و مهمترین موضوع آن شرق میانه جدید می‌باشد. شرق میانه از زمانه‌های دور، از لحاظ جغرافیایی، فرهنگی و دینی مرکز جهان بوده است. مراکز تحقیقات استراتژیک در امریکا و اروپا به این نتیجه رسیده‌اند که هر قدرتی که بر شرق میانه تسلط داشته باشد، بدون شک بر دنیا تسلط دارد. در روشنی این نظریه قوای بزرگ جهانی هر کدام سعی دارند تا بر شرق میانه تسلط پیدا کنند.

از جنگ جهانی اول تا امروز، از مسلمانان قربانی گرفته می‌شود و مسلمانان در طول تاریخ معاصر این قیمت را می‌پردازند و کشور های اسلامی مرکز و میدان مبارزات سیاسی و نظامی بین قوت‌های بزرگ بوده و زیر استعمار غربی، استعمار فرهنگی و نظامی قرار دارد. کشورهای غربی

سرمایه‌های مسلمانان را قبل از جنگ جهانی اول بسرقت بردند و سرقت سرمایه‌های شرق میانه تا حال ادامه دارد. برای سرقت سرمایه و ذخایر معدنی، کشورهای غربی خصوصاً آمریکا از نظام‌های مستبد نظامی در شرق میانه حمایت می‌کنند و هر حکومت دموکراتیک اگر به روش انتخابات آزاد نیز عرض اندام کند به زودی سرنگون می‌شود. نظام‌های دموکراسی و نیمه دموکراتیک که توسط کودتا و مداخلات خارجی سقوط کردند، زیاد است؛ بطور مثال :

1. سرنگونی دولت دموکراتیک محمد مصدق در ایران (سال 1953).
2. سقوط دولت عبدالکریم قاسم در عراق (سال 1963).
3. کودتاهای ترکیه در سال‌های (1960/1971/1980/1997/2016).
4. لغو انتخابات و آغاز جنگ داخلی در الجزایر (سال 1992).
5. سرنگونی اولین نظام آزاد دموکراسی در مصر (سال 2013).
6. انقلاب نظامی در سودان (سال 2021) .
7. انقلاب قیاس سعید در تونس (در 25 جولای 2021).
8. انقلاب در یمن و سقوط حکومت انتخابی به زعامت حزب اصلاح (شاخه اخوان المسلمین) توسط حوثی‌ها (انصار الله) به کمک عربستان سعودی و امارات متحده عربی (سال 2014).
9. انقلاب حزب بعث در سال 1963 . بعثی‌ها نظام نیمه دموکراتیک را سقوط دادند. در 1970 حافظ اسد انقلاب نظامی ترتیب داد و حکومت دکتاتوری خانوادگی را تأسیس کرد.
10. می‌توان کودتا (26 سرطان 1352 / 17 جولای 1973) به زعامت سردار محمد داود خان را انقلاب علیه نظام نیمه دموکراسی در افغانستان دانست .

تقسیم کشورهای اسلامی به کشورهایی کوچک و تحت حمایت و داخل جنگ، مهمترین برنامه کشورهای بزرگ در شرق میانه است. این روش بیشتر از یک قرن آغاز و تا امروز ادامه دارد.

استقرار سیاسی در شرق میانه و ایجاد حکومت‌های آزاد و دموکراتیک، مانع تسلط غرب و قوت‌های بزرگ در شرق میانه است. به هدف جلوگیری از نظام‌های دموکراتیک و مردمی و بی ثبات ساختن شرق میانه، کشورهای استعماری کوشش دارند تا مسائل قومی، مذهبی، نژادی و افکار افراطی را در شرق میانه تقویت کنند و نگذارند شرق میانه مستقر و آرام و آزاد باشد. برای رسیدن به این اهداف تقسیم کشورهای اسلامی به طور عموم و شرق میانه به صورت خاص از اهداف استراتژیک کشورهای بزرگ و استعماری می‌باشد. تقویت حرکت‌های افراطی از نظر مالی و نظامی، ضعیف ساختن حرکت‌های اسلامی معتدل و ایجاد حکومت‌های نظامی استبدادی وسیله فعال برای کشورهای استعماری و بزرگ است و از این وسائل به خوبی برای تقسیم شرق میانه و استثمار اقتصادی و بهره‌کشی از منابع اقتصادی آن استفاده می‌شود.

تسلط بر شرق میانه فکر جدیدی نیست، تاریخ قدیمی دارد، اما در عصر حاضر بعد از جنگ جهانی اول و دوم و رسیدن امریکا به حیث قوت بزرگ جهانی، فکر تقسیم شرق میانه یکبار دیگر روی دست گرفته شد. در تقسیم جهان اسلام و تقسیم شرق میانه در جریان جنگ جهانی اول، شریف حسین، شریف مکه بزرگترین خیانت را مرتکب شد. او با قوای انگلیس علیه سلطنت عثمانی که نماد وحدت سیاسی و دینی مسلمانان بود، متحد شد. متأسفانه بعد از سقوط سلطنت عثمانی به آنچه می‌خواست و به آنچه حکومت انگلستان برایش وعده داده بود نرسید. خلافت اسلامی در لباس ترکی سقوط کرد و اما خلافت اسلامی در لباس عربی قسمی که انگلیس‌ها وعده داده بودند بوجود نیامد.¹

¹ . تلگرام دولت بریتانیا به شریف حسین که در آن وعده خلافت عربی داده شده بود، به تلگرام مک ماهون — حسین معروف است. این مکاتبات بین هنری مک ماهون، نماینده بریتانیا در مصر، و شریف حسین بن علی، شریف مکه، در سال‌های 1915/1916 صورت گرفت .

نقشه جدید شرق میانه، تقسیم شرق میانه به کشور های کوچکتر بر اساس مذهب و قومیت است. شرق میانه جدید تنها شامل کشورهای خلیج عربی نیست، شامل کشور های زیادی به شمول افغانستان، ترکیه، پاکستان و ایران می باشد. اشغال افغانستان توسط قوای شوروی، نیز به هدف رسیدن به شرق میانه و آب های گرم و به عبارت دیگر تقسیم منطقه بود. اشغال افغانستان و عراق توسط امریکا به هدف ساختار جدید شرق میانه بود. اما هر دو امپراطوری در جنگ با عراق و افغانستان به شکست مواجه شدند و تغییر سرحدات شرق میانه به تأخیر افتاد.

هفتم اکتوبر 2023 حادثه و واقعه خیلی با اهمیت در تاریخ شرق میانه به حساب می آید. هفتم اکتوبر زلزله عظیمی در تاریخ معاصر می باشد. مبارزان فلسطین با دادن صدها هزار قربانی موفق شدند اجراء نقشه جدید شرق میانه را به تأخیر اندازند. اسرائیل مرکز شرق میانه جدید در بیشتر از یکسال نتوانست حرکت حماس را نابود کند.

هفتم اکتوبر 2023 اتحاد بین عربستان سعودی، امارات عربی، مصر و اسرائیل را به تعویق انداخت و پیمان نظامی (ناتوی عربی) به قیادت اسرائیل تشکیل نشد. اسرائیل و حامیانش در بیشتر از یکسال نتوانستند اراده ملت فلسطین را بشکنند و ملت فلسطین در غزه با دادن بیش از 50 هزار شهید که اکثراً زنان و کودکان بودند بیرق سفید تسلیمی را بلند نکردند، تا بالآخره اسرائیل و امریکا به این نتیجه رسیدند که با حرکت حماس که از نظر امریکا و اسرائیل حرکت و تنظیم تروریستی است صلح نمایند و حرکت اسلامی حماس

در یکی از نامه ها، بریتانیا به طور کلی وعده حمایت از استقلال اعراب را در صورت قیام علیه امپراطوری عثمانی داد.

این تلگرام ها یکی از اسناد مهم در تاریخ خاورمیانه هستند، زیرا نشان دهنده بازی های دیپلماتیک قدرت های استعماری در قبال کشور های عربی می باشند. ما در تاریخ معاصر شرق اسلامی به صورت مفصل این موارد را می خوانیم و امید است در برنامه های معارف افغانستان نیز اضافه شود.

را به رسمیت بشناسند.

15 جنوری 2025 وزیر خارجه قطر اعلان کرد که طرفین (اسرائیل و حماس) برای آتش بس و آزادی زندانیان توافق کردند. مصر، قطر و امریکا ضامن اجراء توافقنامه شدند. مسلمانان در تمام جهان از پیروزی حماس و مجاهدین فلسطین استقبال و سجده شکر به جا آوردند و زعمای اکثرکشورهای اسلامی تبریكات شان را برای زعمای حماس فرستادند.

اسرائیل و حامیانش در تصفیة مقاومت اسلامی حماس عاجز ماندند. پیروزی مقاومت فلسطین و حامیان شان برنامه تقسیم شرق میانه را برای فعلاً به تعویق انداخت تا دیده شود که زعامت جدید امریکا به ریاست رئیس جمهور ترامپ چه نوع سیاست را در قبال شرق میانه روی دست می گیرد. رئیس ترامپ سیاست تسلط بر شرق میانه را اعلان کرد و گفت که امریکا نوار غزه را تصرف می کند و فلسطینی ها باید از نوار غزه بیرون شوند.

دیده شود که آیا امریکا جنگ را بر صلح و دشمنی را بر دوستی ترجیح می دهد و برای تقسیم شرق میانه تلاش می نماید و در تقویت نظام های استبدادی و بزرگ شدن اسرائیل می کوشد، و یا اینکه دست دوستی را به مسلمانان دراز می کند. همکاری مثبت و عدم مداخله در امور کشورهای اسلامی بهترین وسیله برای استقرار و آرامش و صلح در جهان است و امریکا به حیث یک کشور بزرگ در جهان می تواند حامی صلح و دموکراسی باشد و حرکت های آزادی خواه و دموکراتیک را در کشورهای خلیج عربی و شرق میانه تقویت و حمایت کند و دست از حمایت نظام های استبدادی و نظامی بردارد، این سیاست نه تنها به مصلحت جامعه اسلامی است، بلکه برای امریکا و جهان نیز مفید می باشد.

پیروزی نیروهای آزادی خواه سوریه در اواخر ماه دسامبر 2024، ادامه و نتیجه هفتم اکتوبر 2023 می باشد. هیچ سیاستمدار و هیچ مرکز تحقیقات

استراتژیژیک و استخبارات جهانی سقوط بشار اسد را بدین سرعت پیشبینی نکرده بودند و انتظار تشکیل حکومت ائتلافی بین نظام بشار اسد و چند گروهی از مخالفین نظام را داشتند. پیروزی مبارزان آزادی سوریه، تغییرات بزرگ و بنیادی را در شرق میانه به وجود آورد و پلان‌های اسرائیل، امریکا و کشورهای خلیج عربی به شمول مصر- توقف یافت. حوادث و واقعات سوریه، اتحاد بین کردها و شیعیان را در شرق میانه متضرر ساخت و نیروهای سنی مذهب جانشین پیروان شیعه مذهب در سوریه گردید. مرکز شرق میانه بعد از سقوط نظام بشار اسد و اخراج ایران و حزب الله و ملیشه‌های شیعه افغانی و عراقی، به دست ترکیه افتاد. کشورهای عربی به سرعت طرف سوریه رفتند و کوشش دارند تا از نفوذ و تسلط ترکیه در شرق میانه جلوگیری کنند، اما زمان گذشته و ترکیه به صفت نیروی بزرگ اقتصادی، سیاسی و نظامی دست بالا را در حوادث بعدی شرق میانه دارد. ترکیه هم سرحد اسرائیل شد و هر لحظه می‌تواند اسرائیل را تهدید کند.

سقوط نظام بشار اسد، اخراج ایران و حزب الله از سوریه، پایان ائتلاف شیعه در شرق میانه به حساب می‌آید. از بین رفتن ائتلاف شیعه در سوریه را اسرائیل خیر مقدم گفت، اما بزودی متوجه شد که خطر ائتلاف سنی برای اسرائیل بیشتر از خطر ائتلاف شیعه است. روزنامه «پست اورشلیم / The Jerusalem Post» سه شنبه هفتم جنوری 2025، نوشت: حکومت اسلانیل کمیته‌ای را که به نام کمیتهٔ تاغل، (منسوب به نام رئیس آن یعقوب تاغل) برای بررسی وضعیت جدید تشکیل داده بود، روز دو شنبه ششم جنوری 2025 گزارش مفصلی را به صدر اعظم اسرائیل (بنیامین نتنباهو) تقدیم نمود. در گزارش آمده که اسرائیل باید آماده جنگ مستقیم با ترکیه باشد، به دلیل اینکه ائتلاف ترکیه با نظام جدید در سوریه بعد از سقوط بشار اسد خطر بزرگی برای موجودیت اسرائیل است. در گزارش آمده که خطر ائتلاف ترکیه با نظام جدید سوریه نسبت به خطر تهدید ایرانی بیشتر می‌باشد و رئیس جمهور

ترکیه رجب طیب اردوغان برای احیای سلطنت عثمانی و تسلط بر شرق میانه پلانگذاری دارد.

روزنامه «اول اسرائیل نیوز / Israel Hayom»¹ از قول صدراعظم اسرائیل می نویسد که: توانستیم محور ایران را خنثی سازیم، اما قوه جدیدی ظهور کرد و باید برای مقابله با قوه جدید در شرق میانه آمادگی کامل داشته باشیم.² کشورهای خلیج عربی و مصر- به غیر از قطر با اسرائیل در مورد قوه‌ای جدید سنی به رهبری ترکیه اتفاق نظر دارند و با اسرائیل یکجا برای خنثی کردن سیاست ترکیه و اخراج ترکیه از سوریه و سقوط نظام جدید اسلامی سوریه همدست هستند. خارج شدن ایران و حزب الله به شکل نظامی از سوریه، خطر ائتلاف و مقاومت شیعه را علیه اسرائیل ضعیف کرد، اما اسرائیل و کشور های خلیج عربی و امریکا متوجه خطر ائتلاف سنی اسلامی به رهبری ترکیه شدند، واقعاً ائتلاف اسلامی سنی نیست به ائتلاف اسلامی شیعه، قدرت بیشتری برای تغییر شرق میانه دارد.

ضعیف شدن ائتلاف شیعه در منطقه، سبب شد تا خلای قدرت سیاسی و نظامی به وجود آید. ائتلاف شیعه شامل لبنان، سوریه، عراق و یمن بود. این ائتلاف با همکاری مقاومت فلسطین می توانست اسرائیل و امریکا را مشغول سازد.

ضعف ائتلاف شیعه در منطقه و جنگ اسرائیل علیه فلسطینی‌ها در نوار غزه، سقوط نظام بشار اسد در سوریه و تشکیل دولت موقت ضعیف در سوریه و مشغول بودن نظام جدید به مشکلات داخلی و عدم قدرت نظام جدید به عمل سیاسی و نظامی در منطقه، خلای سیاسی و بی ثباتی سیاسی را بوجود

¹ . این روزنامه یکی از بزرگترین و پرخواننده ترین روزنامه های اسرائیل محسوب می شود.

² . الجزيرة 2025/7/1

آورد.

این مشکل یعنی خلی سیاسی و ائتلاف نظامی جدید در بدل ائتلاف شیعه به رهبری ایران، از کشور های عربی و اسلامی می خواهد به زودی تشکل سیاسی و نظامی بدیل را بسازند. مهمترین کشورها در ائتلاف جدید عربستان سعودی، ترکیه و مصر- می باشند. اگر این ائتلاف و تشکل جدید بوجود آید تأثیر بزرگی را در منطقه داشته و می تواند در مقابل خطر خارجی ایستادگی کند. ائتلاف جدید توانمندی حاکمیت بر کانال سوئیس، تنگه بسفر «Bosphorus» (یک تنگه آبی استراتژیک که بین استانبول موقعیت دارد و دریای سیاه را با دریای مرمره وصل می کند)، و باب المندب را داشته می باشد. حاکمیت بر راه های بحری می تواند مانع نفوذ امریکا و اسرائیل در منطقه شود. اما متأسفانه نظام های سیاسی متفاوت با افکار متفاوت تأسیس ائتلاف جدید را به تأخیر می اندازد. عدم موفقیت برای تشکیل ائتلاف جدید، سبب می گردد تا هم چنان دست امریکا و اسرائیل در منطقه باز بماند و ائتلاف امریکا و اسرائیل در هر وقت بتواند کشورهای منطقه را تهدید کند.

احتمال درگیری بین اسرائیل و ترکیه در سوریه

آیا احتمال درگیری مستقیم بین اسرائیل و ترکیه در سوریه است؟

این سؤال را مرکز استراتژی روسیه برای فرهنگ ها «**Russian Strategic Culture Center**» مطرح کرده است. روزنامه عربی 21 خلاصه تحقیق مرکز استراتژی روسی را به زبان عربی به تاریخ 15 جنوری 2025 به نشر سپرده است.¹

کمیته ای که به ریاست رئیس سابق امنیت ملی اسرائیل «یعقوب ناغل/

¹. برای دسترسی به مرکز از این آدرس استفاده کنید: Ruaaian Islamic World
روسیا - و العالم الإسلامی «مجموعه الرؤية الإستراتيجية».

Yaakov Nagel در ماه اگست 2024 تشکیل یافته بود، وثیقه Nagel برنامه استراتژی اسرائیل را که برای ده سال آینده می‌باشد ترتیب می‌دهد. این وثیقه احتمال درگیری مستقیم با ترکیه را در مبارزه برای نفوذ و تسلط منطوقی بعد از سقوط نظام بشار اسد بحث می‌کند.

منابع روزنامه «اورشلیم / The Jerusalem Post» می‌نویسد که صدر اعظم اسرائیل بنیامین نتنیاهاو به زودی در مجلسی که در مورد ترکیه دایر می‌شود اشتراک می‌ورزد، در این اجتماع تأثیر انقرب منطقه که تهدید و چالش مستقیم برای مصالح اسرائیل است بحث می‌شود. روزنامه قول نتنیاهاو را بعد از اطلاع از وثیقه، بدون این که اسمی از ترکیه گرفته شود به این عبارت نقل می‌کند: تغییرات مهم در شرق میانه پیش آمده، ایران برای مدت طولانی تهدید بزرگی برای اسرائیل بود، اما بعد از این که قوه‌های جدید در ساحه ظهور کرده، ما باید برای تهدیدهای غیر متوقع یا پیشبینی نشده جدید آماده باشیم. این وثیقه (وثیقه یعقوب غونل) برای ما نقشه و راه تأمین آینده اسرائیل را معرفی می‌کند.

در وثیقه، پیشنهاد شده که مدت خدمت نظامی برای مردان به 36 ماه باشد، فابریکه‌های تولیدی نظامی تجدید شود، اسلحه‌های جدید و مدرن و سیستم دفاعی پیشرفته خریداری شود. همچنان در وثیقه، پیشنهاد شده که عقیده نظامی اسرائیلی از «رد دشمن» به «حملات پیشگیرانه ضد دشمن تبدیل شود.

آیا ایالات متحده در مبارزات جدید اشتراک می‌کند؟

مرکز تحقیقات روسی در این مورد وضاحت بیشتر داده می‌نویسد: اسرائیل موقعیت نظامی خود را در بلندی‌های جولان بعد از سقوط بشار اسد بیشتر تقویت کرد و مناطق جدید را در دو ولایت سوریه (القنيطرة و دمشق)

اشغال نظامی نمود.

کاهش نفوذ ایران در سوریه به عبارت دیگر تضعیف جایگاه ایران در سوریه، نوعی از موفقیت نظامی و سیاسی برای اسرائیل به حساب می آید، اما این پیروزی فقط تکتیکی بوده و تغییر ابعاد استراتژی و نظامی که در سوریه رخ داده است مستفید اول آن ترکیه می باشد. ترکیه منافع ملی و اقتصادی، برنامه ریزی استراتژیک، حفظ قدرت ملی، نقشه هایی برای دستیابی به پیروزی در جنگ و دفاع از منافع ملی خود را در سوریه و حتی فلسطین حفظ خواهد کرد.

مرکز روسی در تحقیق خود اضافه می کند که با وجود قوه نظامی و استخباراتی و اشغال مناطق وسیع در خاک سوریه، اسرائیل در موارد لازم اش نقص یا کمبود دارد تا بتواند با ترکیه درگیری نظامی داشته باشد. نقص در موارد لازمه از اسرائیل می خواهد تا واشنگتن را در مبارزات منطوقی خود برای کنترل و مهار کردن نفوذ ترکیه شریک سازد.

انتظار می رود واشنگتن با اینکه رئیس ترامپ وعده داده بود که قوای نظامی اش را از منطقه (الفرات) خارج می کند، اما به نیابت از اسرائیل، اقدام به یک عمل مقدماتی یعنی اقدام به فشار نظامی در شمال سوریه نماید، که نتیجه آن درگیر شدن ایالات متحده برای تحقق اهداف دراز مدت یا بلند مدتی که با برنامه «اسرائیل بزرگ» ارتباط دارد مشغول شود.

مرکز روسی اضافه می نماید که پابندی واضح رئیس ترامپ به برنامه «الصهیو — مسیحیة»¹، ارتباط محکم با مؤسسات حاکمه «اسرائیل» دارد، اما

1 اصطلاح «الصهیو - مسیحیة» ترکیبی از ایدلوزی های صهیونیستی و باورهای مسیحیت انجیلی (او انجلیستی) هستند که در زبان انگلیسی این اصطلاح به صورت Christian Zionism ترجمه می شود.

نظریات و آراء مشاورین ترامپ در پیروی از برنامه و پلان نتنیاهاو مخالف آراء و نظریات رئیس ترامپ می باشد.

این اقدام و برنامه نه تنها این که می تواند برای یک جنگ با ایران باشد، همچنان درگیری مستقیم با ترکیه که همپیمان امریکا و عضو ناتو نیز می باشد، است. ترکیه با پیشرفت در فابریکات نظامی خصوصاً طیارات بدون پیلوت برتری بیشتر دارد.

بازگشت آقای ترامپ به قصر سفید با اجندای بسیار واضح نسبت به شرق میانه بود و باید انتظار تغییر را در سیاست امریکا در قبال شرق میانه داشت. آقای ترامپ در مقایسه با رؤسای سابق امریکا تفاوت دارد، شخص واضح و سریع است و آنچه عقیده دارد بر زبان می آورد و آن را عملی می کند.

برنامه رئیس ترامپ برای شرق میانه بسیار واضح است. در قدم اول می خواهد قلمرو اسرائیل به دلیل این که تعداد باشندگان یهود در اسرائیل زیاد شده است وسعت پیدا کند و بلندی های جولان، جنوب لبنان و جانب غربی نهر اردن به اسرائیل مدغم و یکجا شود. دوم باید عربستان سعودی اسرائیل را به رسمیت بشناسد و در مقابل به رسمیت شناختن، اسرائیل و امریکا از خاک و نظام سعودی در مقابل تهدیدات ایران حمایت می کنند. سوم این که معاهده ابراهیمی را باید کشورهای خلیج عربی امضاء و عملی سازند.¹

جنبشی مذهبی — سیاسی که حمایت از دولت اسرائیل و بازگشت یهودیان به سرزمین های تاریخی شان (فلسطین اشغال شده) را بخشی از تحقق پیشگوی های کتاب مقدس م داند. این دیدگاه عمدتاً در میان برخی از مسیحیان انجیلی در ایالات متحده و اروپا دیده می شود .

¹ . معاهده ابراهیمی (Abraham Accords) در سال 2020 بین اسرائیل و چند کشور عربی با میانجی گری ایالات متحده امریکا امضا شد. هدف اصلی این معاهده عادی سازی روابط دیپلماتیک، اقتصادی و امنیتی میان اسرائیل و کشور های عربی بود. امارات متحده عربی، بحرین نخستین

شرایط سیاسی و نظامی شرق میانه در مقایسهٔ دور اول ریاست آقای ترامپ با ریاست دور دوم آن تفاوت دارد و ایران در حالتی قرار ندارد که کشورهای خلیج عربی و به خصوص عربستان سعودی را تهدید کند. خارج شدن ایران از سوریه و ضعیف شدن نفوذ آن در لبنان و حتی عراق، نقش ایران را در خاورمیانه تضعیف کرده و در مقابل نفوذ ترکیه بیشتر شده است. با آنکه نفوذ ایران در شرق میانه از ناحیه سیاسی و نظامی ضعیف شده است، اما تا هنوز برنامه اسرائیل و امریکا برای برداشتن برنامه‌های اتمی ایران پابرجا است و احتمال درگیری نظامی بین اسرائیل و امریکا با ایران بسیار است.

ترامپ و شرق میانه

در مورد شکل دادن دوبارهٔ شرق میانه یا بازسازی آن توماس فریدمان سیاستمدار برجسته امریکایی خطاب به رئیس ترامپ می‌نویسد: ترامپ شما فرصت دوباره شکل دادن شرق میانه را دارید.

توماس فریدمان «Thomas Friedman» در روزنامه نیویارک تایمز «The New York Times» در ستون خاص خود خطاب به رئیس ترامپ تحت عنوان «ترامپ و نقشه جدید خاورمیانه» می‌نویسد که بدیل در شرق میانه، تجزیه و تقسیم آن به اجزا یا بخش‌های کوچک تر بر اساس کشورهایایی قومی است.¹

کشورهای بودند که در 15 سپتامبر 2020 این معاهده را در کاخ سفید امضا کردند. سودان و مراکش بعداً به این توافقنامه پیوستند.

¹ . توماس فریدمان، یک نویسنده، روزنامه نگار و تحلیل‌گر برجسته امریکایی است. او از سال 1981 ستون نویس روزنامه نیویارک تایمز بوده و تا کنون چندین جایزه معتبر، از جمله سه جایزه پولیتزر برای روزنامه نگاری، دریافت کرده است.

توماس در مورد رسیدن آقای ترامپ به ریاست امریکا می نویسد که ترامپ در شرایطی مانند بعد از جنگ اول و دوم جهانی بریاست امریکا رسیده است.

توماس رئیس ترامپ را مخاطب ساخته می گوید که چانس بازسازی منطقه به صورتی که صلح و ترقی را برای اسرائیل و فلسطینی ها و تمام مردم منطقه با حفظ مصالح و امنیت ملی امریکا بوجود آورد، آماده است.

او اضافه می کند که ممکن است شرق میانه جدید به صفت منطقه قوی و با روابط طبیعی و تجارتي و همکاری مشترک برای اهداف محدود باشد و یا تقسیم آن به کشور های قومی و بی نظم و ظهور امراء جنگ و تروریستانی که از طیاره های بدون پیلوت استفاده شود.

حل های پیشنهادی

فریدمان در نامه اش عنوانی رئیس ترامپ پیشنهاد می کند که حل مشکل اسرائیلی — فلسطینی، تقسیم غزه مانند تقسیم کرانه باختری رود اردن است که در معاهده اوسلو به منطقه (الف) و (ب) برای مدت انتقالی 4 سال بود.¹

توماس فریدمن در تحلیل مسائل خاورمیانه، سیاست خارجی ایالات متحده، جهانی شدن و تغییرات اقلیمی تبحر دارد. او مدتی به عنوان خبرنگار در خاورمیانه فعالیت کرد و تجربیات گسترده ای از این منطقه دارد. از توماس کتاب های زیادی به طبع رسیده است.

روزنامه نیویارک تایمز از سال 1851 بدینسو منتشر می شود و شهرت بین المللی دارد. این روزنامه تا کنون برنده ده ها جایزه پولیتزر شده است که یکی از معتبرترین جوایز روزنامه نگاری در جهان است. برای دسترسی به متن کامل مقاله، می توانید به وبسایت نیویارک تایمز مراجعه کنید.

¹ کرانه غربی نهر اردن، بخشی از سرزمین های فلسطینی است که پس از جنگ 1948 و تشکیل اسرائیل، ابتدا تحت کنترل اردن قرار داشت و پس از جنگ 1967 (جنگ شش روزه)، به اشغال اسرائیل در آمد.

معاهده اوسلو (Oslo Accords) مجموعه ای از توافقات میان سازمان آزادی بخش فلسطین (PLO) و اسرائیل است که در دهه 1990 میلادی به هدف دستیابی به صلح میان دو طرف و ایجاد راه حلی برای مسأله فلسطین منعقد شد. معاهده اوسلو به مرور زمان به منفعت اسرائیل تمام شد.

بر اساس این تقسیم 80% از منطقه (الف) زیر اداره قوای بین المللی / فلسطینی و 20% متباقی زیر تسلط نظامی اسرائیل قرار می گیرد تا زمانیکه اسرائیل برای امنیت خود اطمینان حاصل کند. و بعد از مدت تعیین شده غزه را سلطه فلسطینی اداره کند.

فریدمان رئیس ترامپ را نصیحت می کند که از دیپلوماسی امریکا برای رسم سرحد بین لبنان و اسرائیل کار گیرد و موقعیت حزب الله را متزلزل کند. در مورد ایران فریدمان رئیس را نصیحت می کند که باید برنامه اتمی ایران را خنثی کرد به امید اینکه ترامپ برای خنثی سازی برنامه اتمی ایران¹ از روش سیاسی استفاده کند؛ زیرا ممکن است با استفاده از قوه نظامی به نتیجه نرسد.²

دینس روس « Dennis Ross » دیپلمات سابق در مقاله ای در روزنامه واشنگتن پست خطاب به رئیس ترامپ تحت عنوان «فرصت تاریخی برای ترامپ جهت بازسازی شرق میانه جدید» می نویسد:

اسرائیل در نتیجه حمله حرکت های حماس به تاریخ 7 اکتوبر 2023 صدمه بزرگی را دید. روس که فعلاً مشاور انستیتوت برای سیاست شرق ادنی (خاور نزدیک) است با پیروزی های اسرائیل در این اواخر، اسرائیل را هشدار می دهد که در غیاب بدیل حماس - که اسرائیل نمی تواند آن را ایجاد کند - غزه بحیث یک مشکل بزرگ برای اسرائیل باقی می ماند و باقی ماندن اسرائیل در غزه

¹. شرق ادنی، این اصطلاح در گذشته برای اشاره به مناطقی از شرق مدیترانه، شامل کشورهای ترکیه، سوریه، لبنان، فلسطین، اردن و مصر- استفاده می شد، در مقایسه با «خاورمیانه» خاور نزدیک منطقه ای محدودتر است، بیشتر در متون تاریخی و جغرافیایی قدیمی به کار می رود.

². برای مطالعه متن کامل به وبسایت نیویارک تایمز مراجعه کنید. من از ترجمه متن عربی آن در روزنامه الجزیره بتاريخ 2025/1/22 استفاده کرده ام. نظریات و پیشنهادات توماس برای اداره امریکا قابل استفاده و اهمیت می باشد.

پیروزی گفته نمی‌شود.

به سبب خسائر بزرگی که ایران اکنون متحمل شد، باشندگان ایران از دولت شان می‌خواهند تا کوشش کنند اسلحه اتمی ساخته شود. اسلحه‌های اتمی به دست ایران خطر حقیقی است.

روس اضافه می‌کند که برای رفع خطر ایرانی، یک استراتیژی دارای دو هدف در سال 2025 لازم است. اول آن ختم جنگ اسرائیل در غزه و عقب نشینی نظامی به شرط آزادی تمام اسیران. دوم ضرورت است که ایران برنامه‌های زیربنایی هسته‌ای خود را به گونه‌ای کاهش دهد که توسعه سلاح‌های هسته‌ای دیگر گزینه‌ای برای آن نباشد.

تصور نمی‌شود که اسرائیل به تحقق این دو هدف برسد مگر از طریق اشتراک فعال ایالات متحده از راه تحول و تغییر جدید در شرق میانه. اگر ترامپ بتواند تهدید هستوی ایران را از میان بردارد، در این صورت اهداف زیادی تحقیق می‌آید.¹

مجله هفته وار اکونومیست (The Economist) بریتانیا تحت عنوان "ترامپ پس از حادثه غزه چه برنامه‌ای دارد؟" What is Trump plnning after the Gaza incident? همچنان تحت عنوان «توصیه اکونومیست به ترامپ در شماره (7) تاریخ 27 جنوری 2025)، می نویسد: رئیس منتخب امریکا دونالد ترامپ قبل از این که رسماً به حیث رئیس جمهور امریکا معرفی

¹. ترجمه مقاله دینس روس به زبان عربی در روزنامه الجزیره بتاريخ 2025/17/1 به نشر رسیده است. دینس راس یک سیاستمدار، تحلیل گر و دیپلمات امریکایی است که بیشتر به دلیل فعالیت هایش در زمینه سیاست خارجی و مسائل خاورمیانه شناخته می‌شود. او در طول چندین دهه در دولت‌های مختلف ایالات متحده، از جمله در دوران ریاست جمهوری جوج بوش پدر، بیل کلینون و باراک اوباما، نقش‌های مهمی ایفا کرده است. دینس راس چندین کتاب در باره مسائل خاورمیانه، دیپلماسی و سیاست خارجی نوشته است. مطالعه کتب او برای محققین در ساحه شرق میانه ضروری میباشد.

شود برای بازسازی و تشکیل شرق میانه پلان داشت. آتش بس در لبنان و توافق بین اسرائیل و حرکت مقاومت اسلامی حماس سلطه ترامپ را بر کشورهای عربی و صدراعظم اسرائیل بنیامین نتنیاهاو بیشتر تقویت می کند.

مجله اضافه می کند که رئیس ترامپ و مشاورین او نیاز به نفوذ قوی دارند تا تصامیم سیاسی را در برابر مشکل منطقه شرق میانه اتخاذ نمایند و به سوالات مشکل جوابگو باشند.

به طور مثال کدام جهت در نوار غزه حکومت کند، و مشکل اختیار و انتخاب مسائل نا سازگار یا نا هماهنگ برای آینده منطقه، قدرت گرفتن راست افراطی در اسرائیل یا وضع محدودیت بر راست افراطی و کوشش برای به رسمیت شناختن اسرائیل توسط کشور های عربی، تا به آسانی بتوان ایران را محاصره و ضعیف ساخت و آن را به مذاکرات وا داشت.

مشاور امنیت ملی «مایکل والتز» می گوید که این توافق از اولویات بزرگ ما است. با برنامه توسعه طلبی اسرائیل که حامیان در داخل مشاورین ترامپ دارد، اما آتش بس در غزه نشان دهنده جهت دیگر نیز است. مشاورین ترامپ برنامه های بزرگتر و پلان های بزرگ دیپلوماسی را در منطقه شرق میانه دارند. قبل از اینکه اسرائیل جانب غربی نهر اردن را ضمن خاک اسرائیل اعلان کند، یکجا سازی غرب نهر اردن با قلمرو اسرائیل برنامه را متضرر ساخته و مبارزه با فلسطینی ها را تجدید می کند. مجله اشاره می کند که بعضی مسئولین در واشنگتن و تل ابیب، تهدید به یکجا سازی غرب نهر اردن با اسرائیل را وسیله فشار بر کشورهای عربی می دانند.¹

¹. ترجمه عربی مقاله ایکنومیسست در الجزیره، تاریخ 2025/18/1. برای مطالعه متن انگلیسی به وب سایت مجله مراجعه شود.

اخراج اجباری «پاکسازی قومی» فلسطین های مقیم نوار غزه

دعوت رئیس ترامپ به اخراج اجباری فلسطینی‌ها از غزه اولین دعوت نمی‌باشد، این دعوت را قبلاً ماموران عالی رتبه و خانواده رئیس نموده بودند.

جاوید کوشنر داماد رئیس ترامپ در اپریل سال گذشته در کنفرانس پوهنتون «هارورد/ Harvard University»، گفت که اسرائیل غیر نظامیان را از غزه خارج و به صحراء النقب و یا مصر- انتقال دهد و غزه را از مقاومت خالی کند. کوشنر اضافه می‌کند که ساحل بحری غزه منطقه فوق العاده ارزشمند بوده و ممکن است از آن استفاده شود.¹

رئیس ترامپ نقش فعال و مثبت را برای آتش بس موقت بین حرکت اسلامی حماس و اسرائیل داشت و برای این منظور بر صدراعظم اسرائیل فشار وارد کرد.

رئیس ترامپ پیشنهاد جدید را جهت کسب رضای اسرائیل و فشار مستقیم بر اردن و مصر برای تطبیق و اجراء آن وارد کرد. روزنامه تایمز اسرائیل به نقل از یک وزیر اسرائیل گزارش می‌دهد که اظهارات دونالد ترامپ، رئیس جمهور امریکا مبنی بر کوچ اجباری فلسطینی‌ها به مصر- و اردن، احتمالاً از قبل با بنیامین نتانیاہو، نخست وزیر اسرائیل هماهنگ شده بود.² همچنان به نقل از روزنامه تایمز، یک وزیر اسرائیلی گفت که بخشی از هدف دونالد ترامپ در بیان سخنانش مبنی بر انتقال فلسطینی‌ها از غزه به مصر- و اردن، این بود تا برای جلوگیری از فروپاشی کابینه بنیامین نتانیاہو کمک کرده

¹ . صحرائ النقب (Negev Desert) یک منطقه بیابانی وسیع در جنوب فلسطین اشغالی است که حدود 60 درصد مساحت این منطقه را در بر می‌گیرد. این صحرا از شمال به منطقه بئرالسبع، از غرب به صحرائ سیناء از شرق به دره عربہ و از جنوب به خلیج عقبہ متصل می‌شود.

² . www.khabaronline.ir/news

باشد.¹

رئیس ترامپ در سفر اول خود به ایالت کالیفرنیا در تاریخ 26 جنوری 2025 به خبرنگاران گفت: بر اردن و مصر لازم است تا فلسطینی‌های بیشتری را بپذیرند و قبول کنند که جنگ اسرائیل در غزه مشکلات انسانی را خلق کرده است.

آقای ترامپ که با خبرنگاران در طیاره «ایرفورس وان / Air Force One» صحبت داشت، اضافه کرد که روز یکشنبه 27 جنوری با پادشاه اردن عبدالله دوم صحبت داشته و او را خبر داده که تعداد بیشتری از اهل غزه را بپذیرد، من وقتی که به غزه به شکل کامل نظر می‌اندازم، حالت بی‌نظمی حاکم است، بی‌نظمی واقعی. رئیس ترامپ از اینکه اردن تعدادی از مهاجرین فلسطین را پذیرفته تقدیر نمود و گفت که شاه اردن باید تعداد بیشتری را بپذیرد.²

رئیس ترامپ در جواب خبرنگاران که آیا پیشنهادش به صورت موقت است یا دائمی (یعنی اخراج اهل غزه به خارج موقتی است یا دائمی)، جواب داد: ممکن است دائمی باشد و یا موقت.

رئیس ترامپ اضافه نمود که یک و نیم میلیون شخص از منطقه بیرون شوند، نمی‌دانم و لیکن لازم است یک امر واقع شود. و بهتر است با تعدادی از کشورهای عربی تماس گرفته شود تا خانه و سرپناه در اماکن و مناطق مختلف ساخته شود تا مهاجرین فلسطین در آنجا در صلح زندگی کنند.

رئیس ترامپ در آخرین مصاحبه خود روز جمعه 2025/2/21 با تلویزیون «فاکس» گفت که پیشنهاد اخراج اجباری فلسطینی‌ها از نوار غزه در حال

1. www.javanonline.ir/005Moa

2. عربی 21، 2025/26/1.

حاضر نصیحت و پند برای ملت فلسطین است. نقطه مهم در مصاحبه رئیس ترامپ عدم رضایت از موقف مصر- و اردن بود. ترامپ گفت که ما میلیاردها دلار در یک سال برای این دو کشور کمک کردیم. دیده شود که رئیس ترامپ چه موقف در مقابل اردن و مصر در آینده خواهد گرفت.

هدف از اظهارات رئیس ترامپ در مورد نوار غزه، از اشغال و اخراج اجباری، قرار دادن کشورهای عربی در تنگنا و وضعیت دشوار بود. او می‌دانست که طرح اش قابلیت تطبیق را در حال حاضر ندارد. هدف رئیس ترامپ مجبور ساختن کشورهای عربی برای یافتن راه حل مشکلات فلسطین و خصوصاً اعمار مجدد غزه، حل امنیتی و اداره نوار غزه قسمی که متناسب به مصالح اسرائیل باشد است. اعمار غزه بین 20 تا 52 میلیارد دلار ضرورت دارد و رئیس ترامپ می‌خواهد که کشورهای عربی این مبلغ را بپردازند. به عبارت دیگر در بدل اسرائیل که سبب تمام مشکلات غزه است و غزه را ویران کرده اما کشورهای عربی مسئولیت اعمار مجدد آن را دارند.

اداره جدید ترامپ از کمک‌های ثابت برای «اسرائیل» بدون اینکه تفصیلات سیاست‌هایش را در شرق میانه بیان داشته باشد خبر داد. آقای ترامپ تأکید کرد که به وزارت دفاع امریکا روز شنبه 2025/1/26 امر نمود تا بمب‌های دوهزار رطل که قبلاً رئیس سابق بایدن منع کرده بود به اسرائیل فرستاده شود.¹

وزیر امنیت ملی اسرائیل، آقای «ایتمار بن غفیر» و وزیر مالیه آقای «بتسلئیل سموتريتش» از پیشنهاد رئیس ترامپ استقبال کردند. وزرای راست افراطی اسرائیل نظریه مهاجرت اجباری ملت فلسطین را از غزه به شکل دستجمعی تأیید کردند و از برنامه رئیس ترامپ استقبال و وعده همکاری

¹ . 2 هزار رطل تقریباً برابر با 907 کیلو گرام .

دادند. وزرای افراطی در حکومت اسرائیل فکر انتقال اهل غزه را به اماکن دیگر خارج سرزمین فلسطین، بهترین راه حل می‌دانند و می‌گویند این مهاجرت برای مردم فلسطین زندگی بهتر را آماده می‌کند و نظر و فکر رئیس ترامپ بهترین فکر و نظر است. وزراء به شکل جمعی آمادگی‌شان را برای همکاری با صدراعظم و مجلس وزراء برای اجرای مهاجرت اجباری به صورت فوری اعلام داشتند.¹

برنامه مهاجرت جمعی فلسطینی‌های مقیم غزه را تعدادی از سیاسیون، بعضی از اعضای پارلمان در اردن و تنظیم‌های فلسطین داخل سرزمین‌های اشغالی به شدت رد کردند.

موقف اردن، مصر، تنظیم‌های فلسطینی و کشور های غربی

چهارشنبه 29 جنوری 2025، شاه اردن ملک عبدالله دوم در اجتماع با «اورسولا فون دیر لاین / Ursula der Leyen» رئیس کمیسیون اروپا، رئیس پارلمان اروپا «روبرتا میتسولا / Roberta Metsola»، رئیس مجلس اروپا «انطونیو کوست / Antonio Costa» مهاجرت اجباری اهل نوار غزه را رد کرد و تثبیت حق فلسطینی‌ها را در سرزمین‌شان و حل سیاسی به اساس قبول دو دولت دانست. شاه اردن بر آتش بس در نوار غزه و دوام آن تاکید کرده و نقش و اهمیت اتحاد اروپا را برای تحقق صلح دائم در فلسطین مهم دانست.²

ملک عبدالله در سفر به واشنگتن پسر خود را نیز همراه داشت. از این‌که در عقب دروازه‌های بسته با رئیس ترامپ و اداره آمریکا به چه توافق رسیده است اعلان نشده است، اما قسمی که از جوابات به خبرنگاران در حضور رئیس ترامپ سه شنبه 11 فبروری 2025 گفت اردن دو هزار طفل مریض را با خانواده

¹ . الجزيرة 27/1. 2025.

² . الجزيرة 29 جنوری 2025.

های شان می‌پذیرد. این اشاره واضح برای قبول یکتعداد از فلسطینی‌ها بود، به این معنی که اردن تحت فشار ایالات متحده حاضر شده تعداد از فلسطینی‌ها را قبول کند.

ملک عبدالله اضافه نمود که مجلس سران کشورهای عربی در ریاض در مورد پیشنهادات رئیس ترامپ خصوصاً آنچه ارتباط به اخراج اجباری مردم غزه است تصامیم مشترک می‌گیرند.

از سخنان ملک عبدالله دوم استنباط می‌شود که اردن، مصر و عربستان سعودی در تصمیم‌گیری در باره نوار غزه، با خواسته‌ها و اراده رئیس ترامپ همکاری می‌کنند.

آقای ترامپ به جواب خبرنگاران اظهار داشت که مصر—مانند اردن یک تعداد را قبول می‌کند و اضافه نمود که کشور های دوست زیاد هستند که آماده قبول باشندگان نوار غزه هستند.

رئیس ترامپ یکبار دیگر تأکید نمود که امریکا غزه را می‌گیرد. در جواب خبرنگاران که آیا می‌خرد، گفت: نه خیر می‌گیرم و من تجربه زیاد در امور ساختمانی و سرمایه گذاری دارم. غزه را آباد می‌کنم و فرصت کاری برای تمام مردم شرق میانه به وجود می‌آید و همچنان جنگ خاتمه می‌یابد و در شرق میانه به جای جنگ، صلح و آرامش ایجاد می‌شود و مردم فلسطین در جاهای دیگر زندگی بهتر می‌داشته باشند.

یکشنبه 26 جنوری وزیر خارجه اردن پیشنهاد رئیس ترامپ مبنی به اخراج اجباری فلسطینی‌ها را از غزه به شدت رد کرد. آقای «ایمن الصفدی» وزیر خارجه اردن، در کنفرانس مطبوعاتی با اشتراک خانم «سیفرید کاگ /

Sigrid Kaag¹ هماهنگ کننده سازمان ملل متحد برای روند صلح در خاورمیانه « United Nations Coordinator for the Middle East Peace Process» به طور صریح و آشکار سخنان رئیس ترامپ در مورد اخراج اجباری اهل غزه را به شدت رد و تقبیح کرد. الصفدی ادامه داده اظهار داشت که حل قضیه فلسطین، حل قضیه فلسطین است و اردن برای اردنی‌ها و فلسطین برای فلسطینی‌ها می‌باشد و حل حقیقی و صلح، قبول دو دولت (دولت فلسطین و اسرائیل) است.

الصفدی اضافه کرد که اولویت تثبیت آتش بس در غزه، داخل شدن بدون وقفه کمک‌ها برای باشندگان غزه و آغاز برای آبادی غزه است. وزیر خارجه اردن ضمناً بیان داشت که اردن با اداره جدید امریکا مشترکاً در حل قضیه فلسطین کار می‌کند.

خانم سیگرید کاگ، گفت که فرصت و چانس حقیقی برای تحقق حل این قضیه، دو دولت می‌باشد و ملل متحد پابندی کامل برای حل قضیه به اساس دو دولت را دارد.²

نائب صدراعظم اردن دکتور ممدوح العبادی پلان رئیس ترامپ را که شامل مهاجرت جمعی اهل غزه است، برنامه ناکام می‌داند. ممدوح العبادی تأکید دارد که اردن برنامه مهاجرت جمعی اهل غزه را به شدت رد و آن را پلان زشت امریکا برای تصفیه قضیه فلسطین می‌داند.

سیاسیون اردن به صورت جمعی برنامه رئیس ترامپ را علیه امنیت اردن

¹ . سیگرید کاگ « Sigrid Kaag »، یک دیپلمات و سیاستمدار هلندی است که سابقه برجسته ای در سازمان ملل و دولت هلند دارد. او در رشته های مطالعات خاورمیانه، علوم سیاسی و روابط بین الملل در دانشگاه های مختلفی از جمله دانشگاه امریکایی قاهره، دانشگاه اکسفورد و دانشگاه اکستر تحصیل کرده است. کاگ بزبان های عربی، انگلیسی، فرانسوی، المانی و هلندی تسلط دارد.

² . الجزيرة 2025/26/1

تفسیر کردند و گفتند که مهاجرت جمعی اهل غزه امن و صلح و سلامت اردن را به مخاطره می‌اندازد. قابل تذکر است که نزدیک به 40% باشندگان اردن را فلسطینی‌ها تشکیل می‌دهند.

نویسنده و تحلیلگر سیاسی اردن «عریب الزنتاوی» در برنامه تلویزیون الجزیره گفت که امریکا فشار اقتصادی بر مصر و اردن وارد می‌کند، اداره جدید امریکا تهدید می‌کند که اگر اردن و مصر اهل غزه را نپذیرند کمک‌های اقتصادی امریکا به حالت تعلیق در می‌آید.

صدراعظم سابق اردن «طاهر المصری» تأکید می‌کند که مهاجرت فلسطینی‌ها برنامه امریکا است، چه حزب دیموکرات باشد و یا جمهوری حاکم.

المصری در برنامه الجزیره تأکید داشت که آقای ترامپ اعتقاد دارد که فرصت و وقت آن رسیده تا قضیه فلسطین خاتمه یابد و هجرت فلسطینی‌ها از خاک‌شان یک فرصت تاریخی می‌باشد.¹

با این که مضمون مکالمه تلفونی بین پادشاه اردن و رئیس ترامپ نشر نشده است، اما تحلیلگران سیاسی به این باور اند که اردن بدون کمک مالی امریکا مشکلات زیادی را متحمل خواهد شد، از جانب دیگر پادشاه اردن قدرت مخالفت با رئیس ترامپ را ندارد. روز شنبه 26 جنوری، وزارت خارجه امریکا کمک‌های خارجی را برای 90 روز به تعلیق آورد. در بیانیه وزارت خارجه آمده که تعلیق کمک‌های خارجی شامل تمام کشورها به شمول اردن است و فقط مصر و اسرائیل شامل این تعلیق نمی‌باشند. مصر بعد از اسرائیل بزرگترین کمک اقتصادی را از امریکا دریافت می‌کند. شرط ادامه کمک مالی به مصر، حمایت مصر از دولت اسرائیل می‌باشد و این کمک‌ها از تاریخ امضاء

¹ . الجزیره 2025/26/1 / 2025/18/1 / 2025/17/1

صلح بین اسرائیل و مصر- از زمان ریاست محمد أنور السادات تا امروز ادامه دارد.¹

اردن بعد از امضاء تفاهم نامه با دولت امریکا در سال 2022 سالانه (1.45 میلیارد دلار امریکایی به شکل مساعدت مالی دریافت می کند.² بلا شک قطع کمک های امریکا مشکلات بزرگی را برای دولت اردن به بار خواهد آورد. اگر کشورهای خلیج عربی و ترکیه، اردن را کمک مالی نکنند، پادشاه اردن با رئیس ترامپ در برنامه مهاجرت اجباری همکاری خواهد کرد.³

اردن اولین قربانی تغییرات و تجزیه شرق میانه می باشد. روزنامه ایتالوی «انساید اوفر / Inside Over»⁴ وضعیت اردن را در تحولات جیوسپاسی شرق میانه به بحث گرفته می نویسد؛ اردن به سبب سقوط نظام سوریه و ظهور گروه های افراطی در سرحدات شمالی اش با چالش های امنیتی و اقتصادی بزرگی مواجه است.

اردن در منطقه حساس استراتژیژیک قرار دارد که از هر جانب محاصره

¹ . معاهده کمپ دیوید (Camp David Accords). توافق نامه ای تاریخی بود که در سال 1978 بین مصر و اسرائیل با میانجی گری ایالات متحده به امضا رسید. این معاهده نخستین توافق نامه صلح بین یک کشور عربی و اسرائیل بود.

به عنوان بخشی از این توافق، ایالات متحده برای تقویت صلح تعهد به ارائه کمک های اقتصادی و نظامی به مصر و اسرائیل داد.

امریکا سالانه حدود 1.3 میلیارد دلار کمک نظامی و حدود 250 میلیون دلار کمک اقتصادی به مصر- ارائه می کند. مجموع کمک های امریکا به مصر از زمان امضای معاهده تا به امروز به ده ها میلیارد دلار رسیده است.

² . در سپتمبر 2022 ایالات متحده و اردن یک یادداشت تفاهم (MoU) امضا کردند. این توافقنامه که از سال 2023 تا 2029 معتبر است، به منظور حمایت از ثبات اقتصادی و امنیتی اردن و تقویت مشارکت استراتژیژیک بین دو کشور طراحی شده است.

³ . لندن، عربی 21، 2025/26/1.

الجزیره 2025/2/1.

⁴ . انساید اوفر، یک پلتفرم خبری ایتالویی است که به تحلیل های عمیق و گزارش های تحقیقی در زمینه های مختلف از جمله سیاست، اقتصاد، فرهنگ و مسائل بین المللی می پردازد.

بین تحولات جیوسیاسی بزرگ در شرق میانه می باشد و امنیت داخلی اردن نظر به موقعیت حساس اش در خطر بزرگی قرار دارد.

از طرف سوریه تهدیدات امنیتی متوجه اردن است، گروه های افراطی می توانند امنیت اردن را به مخاطره اندازند. از جانب اسرائیل به خاطر سیاست توسعه طلبانه اش و اشغال منابع آب تهدید می شود. اشغال منابع « نهر یرموک» مشکلات بزرگ آبی را برای اردن به وجود آورده است. اسرائیل در نقشه های جدید قسمت بزرگ خاک اردن را خاک میراثی خود می داند. اسرائیل سرپرستی اردن را از مقدسات اسلامی در فلسطین مورد سؤال قرار داده و قدس را بحیث پایتخت ابدی خود میداند.

باز گشت ترامپ به ریاست ایالات متحده، عامل خطر بیشتر برای استقرار و تمامیت ارضی اردن به حساب می آید. حضور ترامپ بیشتر سبب افزایش ابهام و بی ثباتی در صحنه اسلامی و شرق میانه می باشد. در دوره اول ریاست خود آقای ترامپ به قدس بحیث پایتخت اسرائیل اعتراف نمود و سفارت امریکا را به قدس انتقال داد. تضامیم او تأثیر عمیقی بر میزان قوا در منطقه وارد کرد.

در دوره ی دوم، همکاری و حمایت بیشتر امریکا از سیاست های توسعه طلبانه اسرائیل خصوصاً در غرب کناره نهر اردن سبب انفجار و بروز یک بحران جدید جمعیتی و اجتماعی می گردد که اردن را تحت فشار قرار می دهد. مهاجرت بیشتر فلسطینی ها از کناره نهر غرب اردن، میزان قوای اجتماعی را در اردن تغییر و باعث مشکلات امنیتی و قوت بیشتر اسلام گرایان می گردد.

حکومت اردن در یک اعلامیه بیان داشت که کشیدن فلسطینی های کناره غرب اردن از فلسطین و فرستادن شان به اردن معنی اعلان جنگ را می دهد. حکومت اردن توضیحات بیشتر داده و می گوید که مردم اردن سرحدات را بر روی مهاجرین بسته می کنند و اگر اسرائیل از فشار نظامی کار

بگیرد بدون شک اردن با اینکه ضعیف است با اسرائیل داخل جنگ می‌شود.

روزنامه «میدل ایست آی Middle East Eye» بریتانی تاریخ 4 فبروری 2025 خبر می‌دهد که اردن آماده جنگ در حالت اجبار فلسطینی‌ها بالقوه برای هجرت از وطن‌شان است. میدل ایست آی به نقل از مصادر مطلع در عمان و قدس نقل می‌کند که اردن آخرین چیزی که بخواهد جنگ است و اردن خواهان حل مسالمت آمیز برای قضیه فلسطین می‌باشد. اما اصرار دارد در صورت اخراج فلسطینی‌ها مردم اردن سرحدات را مسدود می‌کنند، و اگر اسرائیل بخواهد با استفاده از زور سرحدات را باز کند، این عمل سبب جنگ می‌شود.¹

جبهه عمل اسلامی، شاخه‌ای از حرکت اخوان المسلمین، از موجودیت مهاجرین جدید و عاطفه اسلامی مردم اردن نسبت به فلسطین و مقدسات اسلامی و عداوت مردم نسبت به اسرائیل سود بیشتر می‌برد و می‌تواند در آینده نقش مهمتر را در سیاست اردن بازی کند.

اردن نیاز به ایجاد توازن بین مصالح ملی‌اش با ایالات متحده و رابطه با اسرائیل و پاسخگویی به مطالب فزاینده مردم خود دارد. در حالت تجزیه خاورمیانه و تنش‌های منطقه‌ای، اردن اساساً به توانایی خود در مانور بین چالش‌ها وابسته خواهد بود. بدون این که کنترل بر ثبات داخلی را از دست بدهد. فشار اسرائیل بر اردن، خطر تغییر نظام سیاسی اردن را در پیش دارد، سقوط نظام شاهی اردن، ساحه را برای جنبش‌های آزادی خواه و گروه‌های جهادی آماده می‌کند و اردن به عوض استقرار منطقه، مرکز نامنی نه تنها برای اسرائیل، بلکه برای نظام سعودی و نظام جدید سوریه خواهد شد.

در نتیجه تجزیه شرق میانه و عدم استقرار اقلیمی، آینده اردن به شکل

¹. عربی 21، 4 فبروری 2025 نقل از میدل ایست آی.

اساسی به قدرت سیاستمداران و دولت اردن برای حفظ امنیت داخلی بستگی دارد.

سه شنبه 29 جنوری، مارشال السیسی رئیس مصر- طی یک برنامه مستقیم تلویزیونی در مورد مهاجرت اجباری باشندگان نوار غزه به جزیره سینا، گفت که مهاجرت اهل غزه خارج از سرزمین فلسطین ظلم واضح است، من و مردم مصر- این نوع ظلم را قبول نداریم. از 7 اکتوبر 2023 گفتم که مشکل فلسطین، عدم قبول دو دولت است، 7 اکتوبر پاسخ ظلم بود.

وزارت خارجه مصر- به صورت قاطع مهاجرت اجباری فلسطینی‌ها را به خارج از سرزمین فلسطین رد کرد. در اعلامیه وزارت خارجه مصرآمده که اخراج اهل غزه به صورت موقت یا دائمی مخالف قوانین بین المللی است و راه حل قبول دو دولت (فلسطین با پایتخت قدس شرقی و اسرائیل) است.¹

وزارت خارجه اردن و مصر- در اعلامیه‌های مشترک، از بیانات ترامپ نام نبردند. اعلامیه در مقایسه با قضیه مهاجرت اجباری بسیار ضعیف بود. مصر- وسایل متعدد برای توقف مهاجرت اجباری دارد. کشورهای اسلامی، جامعه اروپا و اتحادیه کشورهای افریقا مشترکاً مخ_____الف

مهاجرت اجباری و اخراج اهل غزه خارج فلسطین می‌باشند. مصر- می‌تواند از شرایط بین المللی برای مبارزه با برنامه رئیس ترامپ استفاده کند. مشکل این است که مصر- را جنرالانی که رابطه قوی با اسرائیل و امریکا دارند اداره می‌کنند، و رأی و اراده مردم مورد احترام نیست.

¹ . برای مطالعه متن اعلامیه وزارت خارجه مصر به سایت این وزارت مراجعه شود.
وزارة الخارجية و الهجرة « مصر تتمسك بثوابت و محددات التسوية السياسية للقضية الفلسطينية.

آیا رئیس ترامپ با مارشال سیسی رئیس نظامی مصر تماس تلفونی مانند صحبت تلفونی با شاه اردن داشت؟ گفته می‌شود که مکالمه تلفونی بود، اما چون صحبت‌ها سیاسی و آرام نبود لذا خبر آن نشر نشد. وزارت خارجه مصر- دو شنبه 27 جنوری خبر مکالمه تلفونی بین رئیس ترامپ و مارشال السیسی را نفی کرد. همچنین وزارت خارجه مصر- اخبار سفر رئیس السیسی و ملاقات او را با رئیس ترامپ نفی کرد و در اعلامیه وزارت خارجه مصر- آمده که اگر موضوع گفتگو در مورد اخراج اجباری فلسطینی‌های غزه باشد، رئیس سیسی به امریکا سفر نخواهد کرد.

سفر سیسی به واشنگتن تا اطلاع ثانوی به تعویق افتاده است تا مصر- بتواند با هماهنگی کشور های عربی، پاسخی مناسب به این طرح ارائه دهد. نشست اضطراری سران کشور های عربی در 27 فبروری در قاهره دائر می‌شود، هدف از این نشست ایجاد یک موضع متحد عربی در پاسخ به طرح دونالد ترامپ، مبنی بر کوچاندن ساکنان نوار غزه و تصاحب اراضی آن‌ها است.¹

مصر- از اظهارات مقامات امریکایی و اسرائیلی در خصوص این طرح خشمگین است. قاهره تأکید کرده که هیچ زمینی برای اسکان ساکنان غزه اختصاص نخواهد داد و به عدم اخراج آن‌ها پایبند است.

مخالفت‌های مصر- با طرح رئیس ترامپ، سبب اعمال فشارهایی از سوی

¹ fa. alalam. ir . نشست قاهره فرصتی کلیدی برای سران کشور های عربی است تا موضعی مشترک اتخاذ کنند و از طریق اقدامات دیپلماتیک و بین المللی، با این طرح مقابله نمایند. از جانب دیگر فشار امریکا و اسرائیل ممکن است از طریق دیپلوماسی و فشار اقتصادی مانع اتخاذ تصمیمات قاطع از سوی کشورهای عربی شوند. نبود اتحاد کامل در جهان عرب، شکاف های سیاسی میان کشور هایی عربی ممکن است مانع اقدام مؤثر شود. تجربه نشان داده که سران کشور های عربی در هیچ مورد به موفقیت دست نیافته اند. اتحادیه کشور های عربی (جامعه دول عربی) یک مؤسسه ای شکلی و فاقد صلاحیت و اعتبار میباشد.

وزارت دفاع امریکا (پنتاگون) بر مصر— شده است و پنتاگون تهدید کرده در صورت ادامه مخالفت مصر— با این طرح، ممکن است کمک‌های نظامی به ارتش مصر را متوقف کند.¹

کشورهای عربی در اعلامیه مشترک دعوت رئیس ترامپ را برای مهاجرت فلسطینی‌ها رد کردند. روز شنبه 1 فبروری 2025 در اعلامیه مشترک وزرای خارجه مصر، اردن، امارات عربی، عربستان سعودی، قطر، رئیس کمیته اجرائی فتح و سکرتر جنرال جامعه دول عربی طرح رئیس ترامپ برای مهاجرت اجباری و اخراج مردم فلسطین از وطن شان را به شدت رد نمودند و حل قضیه فلسطین را مربوط به تأسیس دولت مستقل فلسطین در جوار اسرائیل گفتند.²

دوشنبه رئیس ترامپ در مورد عدم قبول مصر— و اردن از مهاجرین غزه گفت: امید دارم که السیسی تعداد از فلسطینی‌های غزه را قبول می‌کند، ما ایشان را کمک بسیار کردیم و من متأكد هستم که السیسی ما را کمک می‌کند.³

مارشال السیسی و ملک عبدالله پادشاه اردن در داخل و خارج دارای موقف قوی نیستند که خواست رئیس ترامپ را رد کنند. اصدار بیانات رسمی اردنی و مصری غیر واقعی و به هدف استفاده داخلی و آرامش خیابان‌ها

¹ . isna. ir، خبر گذاری ایران.

² . جامعه الدول العربیة، اتحادیه کشور های عربی، در مارچ 1945 تأسیس شد و کشورهای عربی در آسیا و افریقا را در بر می‌گیرد. مقر اصلی این سازمان در قاهره، مصر— قرار دارد و در حال حاضر 22 کشور عربی عضو آن هستند.

بعد از معاهده کامپ دیوید بین مصر— و اسرائیل، کشور های عربی رابطه شانرا با مصر— قطع کردند و در مقابل رئیس السادات عمارت جامعه دول عربی را به دفتر سیاسی افغانستان تبدیل نمود. و مرحوم محمد هارون المجددی سکرتر جنرال اتحادیه ملت های عرب و مسلمان ریاست آنرا به عهده داشت. و دفتر افغانستان نیز در همین عمارت بود.

³ . عربی 21 نقل از خبرگذاری «اکسیوس»، لندن 28 جنوری 2025.

می‌باشد. مارشال السیسی دو راه در پیش دارد: قبول تعداد از فلسطینی‌ها در جزیره سینا. یا قطع کمک‌های امریکا و حمایت امریکا از حکومت نظامی مصر. در هر دو حالت السیسی و نظام فاشیست او سقوط می‌کند.

در حالت قبول مهاجرین فلسطین، مقاومت از غزه به سینا انتقال می‌کند. مبارزه علیه اسرائیل در بدل غزه از جزیره سینا شروع می‌شود و مصر- به حکم واقعیت مجبور به دفاع از خاک مصر- می‌شود و با اسرائیل درگیر می‌شود. همچنان مبارزین مصری با حرکت آزادی خواه فلسطین یکجا شده خطر حقیقی برای حکومت نظامی مصر می‌شود.

غزه دیوار حمایت برای مصر- است، امنیت ملی مصر- ارتباط مستقیم به وجود غزه مستقل دارد، اگر امریکا موفق شود، غزه را تصرف کند و باشندگان غزه را بیرون سازد، امنیت ملی مصر- به مخاطره می‌افتد و امنیت ملی مصر- مکشوف می‌شود، سقوط غزه مرحله اول و مقدمه سقوط مصر است. امریکا به تنهایی غزه را تصرف نمی‌کند، امریکا به وکالت از اسرائیل غزه را تصرف می‌کند.

در حالت عدم قبول، امریکا حمایت مالی، نظامی و استخبارتی را از نظام مصر- بر می‌دارد. عدم حمایت مالی و استخباراتی و نظامی ساحه را برای مخالفین مارشال السیسی مساعد می‌سازد و سقوط نظام عسکری سرعت می‌گیرد.

پادشاه اردن مانند السیسی رابطه قوی با امریکا دارد و با حمایت مالی، سیاسی و استخباراتی امریکا بر اردن حکومت می‌کند. قبول مهاجرین فلسطین نظام اجتماعی اردن را بر هم می‌زند و فلسطینی‌ها اکثریت را در اردن تشکیل می‌دهند. مهاجرین فلسطین با حمایت اردنی‌ها مبارزه با اسرائیل را از داخل فلسطین به اردن انتقال می‌دهند.

در هر دو حالت کشورهای «مصر- و اردن»، کشورهای خلیج عربی مانند عربستان سعودی، امارات و بحرین با طرح ترامپ برای مهاجرت اجباری و تصفیه مبارزان فلسطین و اخوان المسلمین اتفاق نظر دارند و در این مورد با اسرائیل اتفاق نظر کامل است. نظام مصر- و اردن می‌دانند که کشورهای خلیج عربی از ایشان حمایت نمی‌کنند، لذا به مصلحت هر دو نظام است تا با طرح ترامپ همکاری کنند.

کشور عربستان سعودی با موقف اسرائیل و امریکا در مبارزه با حماس و حرکت‌های اسلامی توافق مبدائی و کامل دارد. موقف رسمی عربستان سعودی حمایت از فلسطین است، اما متأسفانه بین موقف رسمی و غیر رسمی تفاوت زیاد می‌باشد. امیر الولید بن طلال، عضو مهم خانواده حاکمه و ملیاردر سعودی به صراحت اظهار داشت که دیدن نابودی حماس به طور کامل امید و آرزوی ما است و امید باز شدن صفحه جدیدی را داریم و آنچه اسرائیل مرتکب شد فراموش شود.

امیرالولید بن طلال در برنامه ژورنالیست معروف امریکائی «تاگر کارلسون»، (Tucker Carlson Network CTN)، در جواب سؤالی که آیا مردم در سعودی آمریکا را مسئول حوادث غزه می‌دانند؟ گفت: متأكد نیستم که مردم سعودی آمریکا را مسئول واقعات و حوادث فلسطین بدانند، یقین دارم که بایدن و ترامپ شاید خوشحال نباشند. 7 اکتوبر یک حرکت تروریستی بود، ما باید آنچه واقع شد پشت سر بگذاریم و فصل جدیدی را در شرق میانه باز نماییم. نظام سوریه را محدود و حماس را نابود کنیم، و حزب الله را بی اثر سازیم. بدون شک سخنان امیر الولید با اینکه موقف رسمی عربستان سعودی نیست، اما میتوان گفت که سخنان خانواده‌ی حاکمه سعودی می‌تواند باشد.

سفیر جدید اسرائیل در واشنگتن «یحییئیل لایتر» می‌گوید که اسرائیل از

هر وقت دیگر برای قائم کردن روابط سیاسی، اقتصادی و اجتماعی با کشور عربستان سعودی نزدیکتر است. او اضافه کرد که ما با عربستان از هر وقت دیگر نزدیکتر شدیم، ضعیف شدن حماس، سقوط بشار اسد، ضعیف شدن ایران به نفع ما و عربستان تمام شد.

سفیر اسرائیل اضافه می‌کند که بسیاری کشورها مثل عربستان سعودی با اسرائیل در ضعیف بودن حماس و محاصره اخوان المسلمین متفق می‌باشند، حماس و اخوان المسلمین مانع پیشرفت می‌باشند، ضعیف شدن این دو گروه سبب ترقی و اعتدال در مصر، سودان و ترکیه شد.

اخوان المسلمین و حماس و نهضت تونس در قوانین عربستان سعودی، مصر، امارات عربی و بحرین در لست حرکت‌های تروریستی می‌باشند. فعالیت‌های شان ممنوع و اعضای شان محکوم به زندان و اعدام اند.

عربستان سعود درک می‌کند که شکست و هزیمت این عناصر امر اساسی برای ترقی و مدرن شدن است و قبل از 30 سال امکان مناقشه این امور نبود.¹

حکومت اسرائیل اعلان کرد (البانیا) 100 هزار مهاجر را از غزه بعد از مذاکره با اداره جدید امریکا می‌پذیرد.

صدر اعظم البانیا «یدی راما/ Edi Rama» اخبار را نفی کرد. او در صفحه «اکس» خود نوشت: «از مدت طولانی این نوع اخبار غلط را نشینده بودم، بسیار اخبار و اطلاعات ساختگی در این اواخر به نشر می‌رسد، این خبر مطلقاً نادرست است.

او اضافه کرد که با تمام احترام و همکاری با مردم غزه، هیچ مرجع این

¹ . لندن، عربی 21، 2025/28/1. برای مطالعات بیشتر مراجعه شود: «جبروزالیم پوست»، «یدیعوت» «معارف» تاریخ 28 جنوری 2025.

مطلب را از البانیا نخواسته است و حتی ما نمی‌توانیم در این مورد فکر کنیم و مسئولیت این مورد را متحمل شویم .

ما به دوستی و صداقت قوی خود با اسرائیل، امارات عربی متحده، کشور عربستان سعودی، کویت و قطر افتخار داریم، همچنان ملت فلسطین که البانیا از مدت ها قبل به دولت فلسطین اعتراف کرده بود.¹

خبرنگار اسرائیلی « امیت سیغال / Amit Segal » گزارش داده بود که اداره رئیس دونالد ترامپ، باحکومت البانیا در «تیرانا» داخل مذاکره است تا البانیا 100 هزار مهاجر غزه را قبول کند و همچنان مذاکره با حکومت اندونیزیا در همین مورد جریان دارد.²

حرکت اسلامی (حماس)، از جامعه دول عربی، و تعاون اسلامی خواست تا مهاجرت اجباری اهل غزه و فلسطینی ها را رد کنند. در اعلامیه حماس آمده که کشور های اسلامی و عربی مردم فلسطین را در تأسیس دولت مستقل با پایتخت قدس شرقی همکاری نمایند.³

اظهارات و پیام‌های سران کشور های عربی دو نوع است: یکی برای داخل و مردم شان و دیگری برای خارج. برای داخل و مردم شان حمایت از فلسطین و برای خارج همکاری برای سرنگون ساختن حماس و مقاومت فلسطین.

1 . Edi Rama @ediramaal, اصل نوشته بزبان انگلیسی میباشد. صدراعظم البانیا از سال 2013 به عنوان صدراعظم این کشور فعالیت می کند و رهبر حزب سوسیالیست البانی است . در سپتمبر 2021 اعلام کرد که کشورش آماده پذیرش و قبول تعدادی از پناهجویان افغان و اعطای پناهندگی به آن ها است .

2 . الجزيرة / 2025/28/1. امیت سیغال خبرنگار شبکه 12 تلویزیون اسرائیل است. شبکه 12 مهمترین شبکه خبری در اسرائیل میباشد.

3 . لندن، عربی 21، 2025/26/1.

دعوت رئیس ترامپ از معامله قرن تا اخراج اجباری مردم غزه و

پاکسازی نژاد عرب از نوار غزه.¹

تحت این عنوان مقالات و تحلیلات مهم سیاسی در جرائد عربی و غیر عربی در این چند روز به نشر رسیده است. نظر به اهمیت آن برای آینده شرق میانه از تحقیقات نشر شده در این تحقیق استفاده می شود.

از ناحیه تاریخی، امریکا ادامه امپراطوری رومانی با تفاوت زمان و مکان و قوه سیاسی و اقتصادی و نظامی و پیشرفت تکنالوجی میباشد.

امریکا استعمار نو « Neocolonialism » را در جهان امروز رهبری می کند. امریکا مستقیم و یا غیر مستقیم بر کشورهای ضعیف تأثیر دارد. و برخلاف استعمار قدیم، از طریق ابزارهای اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و دیپلماتیک بر اکثر کشورهای حاکمیت دارد. در عصر حاضر کشور استعمارگر به جای اشغال مستقیم، از طریق شرکتها، قرضه‌های بین المللی مانند بانک جهانی، معاهدات تجارتي، و نفوذ فرهنگی، کنترل خود را بر کشور حفظ می کند.

معامله قرن (صفقة القرن)

رئیس ترامپ در دوره اول ریاست خود طرحی به نام معامله قرن را در جنوری 2020 به هدف حل قضیه فلسطین پیش کرد. این طرح شامل بندهایی در باره غزه بود که موارد ذیل را در بر می گرفت:

1. زیر ساخت و توسعه: سرمایه گذاری های کلان برای غزه در صورت قبول طرح .

¹ . این عنوان به انتقال تمرکز یا تغییر رویکرد ترامپ از طرح صلح موسوم به معامله قرن به موضوع یا اقدامی که به نوعی « پاکسازی عربی » در غزه تعبیر شده، اشاره دارد.

2. خلع سلاح گروه‌های مقاومت فلسطین به ویژه حماس در غزه یکی از شروط اصلی و بند مهم در این طرح بود.
3. ارتباط غزه به مناطق دیگر: ارتباط غزه از راه زمینی به مناطق دیگر مانند کرانه باختری نهر اردن .
4. حاکمیت اسرائیل: این طرح حاکمیت اسرائیل را بر سرحدات غزه حفظ می‌کرد، به این معنی که اسرائیل کنترل بر فضای دریایی و هوایی به صورت کامل می‌داشته باشد.

این طرح با مخالفت گسترده فلسطینی‌ها و گروه‌های مقاومت در غزه رو به رو شد و به جانبداری از اسرائیل و نقض حقوق فلسطینی‌ها تفسیر شد.

آقای ترامپ بعد از انتخاب اش در 2016 تعهد سپرد که برای تحقیق صلح در شرق میانه سعی می‌کند. او طرح معامله قرن را معرفی کرد و گفت که من سازندهٔ معاملات هستم . معامله قرن با عدم پذیرش زعمای بعضی کشورهای عربی مانند عربستان سعودی و امارات و مصر در دورهٔ اول ریاست آقای ترامپ عملی نشد.¹

دلایل مختلفی برای عدم تطبیق معامله قرن در دوران ریاست اول ترامپ وجود داشت که تطبیق برنامه را به تأخیر انداخت، می‌توان عوامل مختلف را به صورت مختصر این طور بررسی کرد:

1. فلسطینی‌ها این طرح را یکجانبه و جانبداری از اسرائیل تعبیر کردند.
2. عدم حمایت کشورهای عربی، با آنکه برخی کشورهای عربی مانند امارات و بحرین روابط شان را با اسرائیل عادی ساختند، اما کشورهای کلیدی مانند اردن و مصر از معامله قرن حمایت نکردند. عربستان سعودی موضع دو گانه داشت، با آنکه با دولت اسرائیل معامله سری داشت و ولی‌العهد محمد بن سلمان سرّاً از اسرائیل دیدن کرد، اما به

¹ . صانع معاملات یعنی کسی که نقش فعالی در شکل‌گیری و اجرای معاملات، توافقات یا قراردادهای دارد.

- صورت علنی معامله قرن را حمایت کرده نتوانست.
3. معامله قرن بیت المقدس را به عنوان پایتخت اسرائیل شناخت و کرانه باختری تحت کنترل اسرائیل باقی می ماند.
4. با تغییرات سیاسی در امریکا، پس از پیروزی جو بایدن، این طرح عملاً کنار گذاشته شد.

معامله قرن یک طرح کاملاً به مصلحت اسرائیل بود و موقعیت نظامی و سیاسی اسرائیل را تقویت می کرد.

رئیس جمهور ترامپ در هفته اول دور دوم ریاست خود طرح جدیدی را به نام «پاکسازی نژادعرب در نوار غزه» به عبارت دیگر مهاجرت اجباری فلسطینی ها را از غزه مطرح نمود.

او یک هفته بعد از بازگشت به قصر سفید و آغاز دور دوم ریاست امریکا گفت: پادشاه اردن ملک عبدالله دوم را تلفونی اطلاع دادم که کشورش فلسطینی های غزه را استقبال کند، و اضافه نمود که همین مطلب را از رئیس مصری عبدالفتاح السیسی نیز خواستم و از ایشان دعوت نمودم تا ۱.۵ میلیون فلسطینی مقیم در غزه را قبول کنند.

رئیس ترامپ بعد از ملاقات با صدراعظم اسرائیل طرح موقت خود را تغییر و نقشه جدید را برای فلسطین و شرق میانه معرفی کرد. او در کنفرانس مطبوعاتی مشترک با بنیامین نتنیاهاو شام سه شنبه 4 فبروری گفت کشورش می خواهد تا بالای نوار غزه تسلط کامل داشته باشد. رئیس ترامپ اضافه کرد که ایالات متحده بر غزه سیطره کامل می داشته باشد. و برنامه اقتصادی را در نوار غزه به هدف ایجاد تعدادی از وظایف و مسکن برای باشندگان منطقه تطبیق می کند.

رئیس ترامپ گفت غزه ممکن است (بعد از سیطره کامل) ریویرا «Riviera» «شرق میانه شود. او از امکان ارسال قوای امریکایی برای کمک به ساختار

غزه نیز یاد کرد و توقع می‌رود که ایالات متحده « مالکیت طویل‌مدت » غزه را بدست آورد.¹

در همین مصاحبه رئیس ترامپ گفت که بسیاری از کشورهای دوست هستند که می‌خواهند فلسطینی‌های نوار غزه را بپذیرند.

رئیس ترامپ دو پیشنهاد دیگر را با قبول مهاجرت اجباری به کشورهای عربی و منطقه به این عنوان مطرح ساخت :

(1) اینکه در آینده غزه، حرکت حماس هیچ سهم نداشته باشد و غزه توسط نیروهای عربی و تشکیلات فلسطینی زیر نظر اسرائیل و کشورهای دوست اداره شود.

(2) رئیس ترامپ وزیر خارجه اش را به عربستان سعودی و امارات عربی فرستاد و از حکومت های عربی خواست تا پلان شان را در مورد غزه و عدم قبول مهاجرت اجباری پیشکش نمایند.

کشور های عربی به عدم تسلیم کردن غزه به حرکت حماس با امریکا و اسرائیل کاملا توافق دارند، اما در مورد مهاجرت اجباری متفق نیستند. دو منبع رسمی در قاهره می‌گویند که انتظار می‌رود رئیس حکومت مصر— عبدالفتاح السیسی روز پنجشنبه به ریاض سفر کند. کشور های عربی توافق کرده‌اند که برای اعمار نوار غزه 20 میلیارد دالر سرمایه گذاری کنند بشوطی که رئیس ترامپ از موضوع مهاجرت اجباری صرف نظر کند.

منابع رسمی در مصر— می‌گویند که زعمای کشور های عربی در مورد مشارکت هر کشور در منطقه برای اعمار نوار غزه که مدت سه سال را در بر می‌گیرد گفتگو می‌کنند.

¹ . Riviera، به نوار ساحلی زیبایی اطلاق می‌شود که به عنوان منطقه ای لوکس و گردشگری شناخته می‌شود. این اصطلاح بیشتر برای ریویرا ایتالیا و ریویرا فرانسه استفاده می‌شود.

وزیر خارجهٔ اسرائیل «جدعون ساعر» می‌گوید که اسرائیل منتظر طرح پیشنهادی کشور های عربی است، او اضافه کرد که اگر در طرح قبول زعامت حماس در غزه باشد، اسرائیل آن را نمی‌پذیرد، و زمانی که از مضمون برنامه و طرح آگاهی بدست آوریم در مورد تعامل با آن صحبت خواهیم داشت.¹

با روی کار آمدن ترامپ، جغرافیای سیاسی از مرحلهٔ نفوذ به تسلط کامل دگرگون شد و تغییرات هندسه نقشه سیاسی از نتانیاهو به ترامپ منتقل گردید.

هندسه نقشه سیاسی و جغرافیای سیاسی در هر زمان قابل تغییر می‌باشد و در جغرافیای سیاسی و هندسه سیاسی همیشه در طول تاریخ کشورهای عقب مانده و ضعیف متضرر می‌شوند.

بعد از سقوط المان در جنگ جهانی دوم، بعضی ها به این عقیده بودند که جغرافیا سیاسی ختم شد. اما متفکران و استراتژی سازان مثل « پیترتیلور / Peter Taylor»، جغرافیای قدرت را معرفی کردند و نحوه‌ی شکل‌گیری و توزیع قدرت در سطح جهانی، به ویژه پس از جنگ جهانی دوم را مطرح ساخت. او ایالات متحده را که از جنگ جهانی دوم پیروز بیرون شده بود، بزرگترین قوه‌ی جهانی می‌دانست. و همچنین نظریه فرض صلح با استفاده از قدرت ضمن جغرافیای سیاسی شناخته شد.

در میان این مفاهیم، مفهوم « سرحد شفاف»، یعنی فرض تسلط اقتصادی و نظامی بدون تسلط مستقیم بر زمین یا قلمرو. این مفهوم را تیلور بنام «جغرافیای تسلط بدون امپراطوری» یاد کرد.²

¹ . لندن - عربی 21، 18 فبروری 2025.

² . دکتور عصام عبدالشافی، الجزيرة 2025/5/2. همچنین دیده شود: دکتور عمار علی حسن، السلام عبر القوة. ما کان یقصد ترامپ؟ الجزيرة 2025/18/1

رئیس ترامپ کوشش دارد تا از نفوذ به سلطه و از مرزهای شفاف به سلطه‌ی خشن انتقال کند. به عبارت دیگر به سمت سلطه‌ی سخت و خشونت آمیز حرکت کند. روی این نظریه او کانادا را نه یک شریک تجارتي و همسایه، بلکه ولایت 51 امریکا حساب می‌کند و همچنین جزیره «گرینلند» و کانال «پاناما»¹ را خاک امریکا می‌داند و اخیراً نوار غزه را برای سرمایه‌گذاری‌های بزرگ می‌خواهد.²

تعدادی از منتقدان طرح رئیس ترامپ می‌گویند که نوار غزه جزء خاک فلسطین است، نه قطعه‌ای از خاک امریکا. گروهی از سیاستمداران و روشنفکران کشورهای عربی و اسلامی توجه به تاریخ سیاسی ندارند. فرانسه و انگلستان فلسطین را به یهودان اهداء کردند با اینکه فلسطین جزء خاک انگلستان نبود، و دنیا به این تقسیم مخالفت نکرد و امریکا و کشورهای اروپایی به شمول روسیه به سرعت دولت اسرائیل را به رسمیت شناخت. جای شک نیست که به زودی تعدادی از کشورها به طرح رئیس ترامپ و اشغال دائمی غزه اعتراف کنند. طرح رئیس ترامپ، برنامه جدید نیست و می‌توان

¹ . کانال پاناما اقیانوس اطلس را به اقیانوس آرام متصل می‌کند و در کشور پاناما واقع شده است. این کانال نقش حیاتی در تجارت جهانی دارد و مسیر حمل و نقل دریایی را بطور قابل توجهی کوتاه می‌کند.

جزیره کرینلند در شمال اقیانوس اطلس و اقیانوس منجمد شمالی واقع شده است. این جزیره در شرق کانادا، شمال اقیانوس اطلس و غرب ایسلند قرار دارد، از نظر سیاسی، گرینلند بخشی از قلمرو دنمارک است، اما از نظر جغرافیایی، بخشی از قاره امریکای شمالی است.

² . پیتر تیلور در تحلیل‌های جغرافیایی سیاسی به ابعاد اقتصادی و نظامی توجه زیاد داشت. او به ویژه در زمینه تحلیل روابط قدرت بین کشورها و تأثیرات آن بر نقشه جهانی، مفاهیم جدیدی را مطرح کرد که در بردارنده تأثیرات اقتصادی و نظامی بر تحولات سیاسی بود.

تیلور بر این باور بود که قدرت اقتصادی و نظامی نقش کلیدی در شکل‌گیری و تحولات جغرافیایی سیاسی دارند. در وقت حاضر امریکا با قدرت اقتصادی و نظامی می‌تواند تأثیرات زیادی بر نقشه سیاسی جهان خصوصاً در شرق میانه وارد کند.

*مرزهای شفاف به مفهومی اشاره دارد که در آن مرزهای بین کشورها یا مناطق به گونه‌ای هستند که نفوذپذیر، باز یا کمتر سخت‌گیرانه به نظر می‌رسند. این اصطلاح معمولاً در زمینه‌های جغرافیایی سیاسی، اقتصادی، و روابط بین‌الملل به کار می‌رود.

گفت که ادامه برنامه سایکس پیکو می باشد که بعد از صد سال اجراء می شود. اگر اشغال کامل فلسطین و سینا مصری و اردن و شمال لبنان و جزئی از خاک سوریه و ترکیه در قرن 21 تکمیل نشود، یقیناً که در قرن 22 اجرا خواهد شد.

ضعف ملت عرب و امت اسلامی به صورت کل، خیانت زعمای عرب، ناتوانی علمای اسلام بهترین وقت و فرصت برای زمامداران اسرائیل جهت بزرگ شدن است. اگر اسرائیل از این فرصت استفاده نکند فرصت را از دست می دهد. ائتلاف یهودیت — عیسویت، ائتلاف قوی در حال حاضر می باشد، اسرائیل، امریکا و اروپا را راست افراطی کنترل می کند.

طرح رئیس ترامپ برای مهاجرت اجباری و یا کوچ اجباری اهل غزه با مخالفت های زیاد در داخل امریکا، اروپا و شرق میانه مواجه شد. معاون اسبق وزیر خارجه امریکا «دیوید ماک / David Mac» در امور شرق میانه و متخصص در مجلس اتالنتیک، به الجزیره گفت که طرح ترامپ فاقد مسئولیت است و به درجه ارتقاء به پاکسازی یا تصفیه نژادی می رسد، و غیر قابل قبول برای باشندگان نوار غزه و حکومت اردن و مصر می باشد.¹

سناتور « بیرنی ساندرز / Bernie Sanders» دعوت رئیس ترامپ را برای مهاجرت اجباری باشندگان غزه تشبیه به پاکسازی و تصفیه نژادی و جنایت جنگی کرد. او از تمام مردم امریکا خواست تا طرح مهاجرت اجباری فلسطینی ها از غزه را تقبیح نمایند.

سناتور جمهوری خواه « لیندسی اولین گراهام / Lindsey Olin Graham» دعوت روز یکشنبه ترامپ برای مهاجرت اجباری ساکنان غزه به

¹ . دیوید ماک یکی از مقامات وزارت امور خارجه امریکا و معاون وزیر خارجه اسبق این کشور در امور آسیای جنوبی و مرکزی بود.

کشور های دیگر را غیر عملی دانست. او در مصاحبه با شبکه «سی ان ان / CNN» گفت: به هر حالت از امارات عربی، سعودی و مصر – در مورد آینده فلسطینی ها پرسیده شود که آیا آنها یعنی فلسطینی ها می خواهند بیرون شوند، من اعتقاد دارم که آنها می خواهند زندگی با کرامت و با امن داشته باشند.¹

استاد دانشگاه های امریکا در واشنگتن و متخصص در امور شرق میانه «دکتور گریگوری افاندیلیان / Grigory Afandilyan»، به قدرت واشنگتن برای تطبیق عملی طرح بالای مصر و اردن شک دارد.

طرح دونالد ترامپ، رئیس جمهور امریکا، برای انتقال ساکنان نوار غزه به کشورهای همسایه با واکنش شدید و منفی تعدادی از کشورهای اروپایی نیز مواجه شده است.

جرمنی: اولاف شولتس، صدراعظم جرمنی، این طرح را « غیر قابل قبول» دانست و تأکید کرد که اخراج مردم غزه به کشورهای دیگر پذیرفتنی نیست.²

فرانسه: وزارت خارجه فرانسه در بیانیه ای اعلام داشت که برنامه ترامپ برای انتقال ساکنان نوار غزه به سایر کشورها غیر قابل قبول بوده و با راهکار دو دولتی و حقوق بین الملل در تضاد است.³

بریتانیا: سخنگوی صدراعظم بریتانیا نیز این پیشنهاد را رد کرد و تأکید داشت که فلسطینی ها باید به خانه ها و سرزمین خودشان در غزه بازگردند و آن جا را بازسازی کنند.⁴ صدراعظم بریتانیا در بیانیه اش در مجلس لوردات، مهاجرت اجباری فلسطینی ها به خارج وطن شان را به شدت انتقاد کرد و

¹ . عربی 21، لندن، 28 جنوری 2025 .

² . Welt. de / donya-e-eqtasad. com

³ . fararu. com

⁴ . همان مرجع

گفت که از نظر حکومت بریتانیا حل مشکل فلسطین قبول دو دولت است و بریتانیا آماده همکاری و کمک برای فلسطینی‌ها می‌باشد.

اسپانیا: خوسه مانوئل البارس، وزیر خارجه اسپانیا، اظهار داشت غزه و ساکنان آن باید در همان جا بمانند و برای ساختن زندگی جدید تلاش کنند.¹

این واکنش‌ها نشان دهنده مخالفت گسترده کشورهای اروپایی با هر گونه جابجایی اجباری ساکنان غزه و تأکید بر حل‌های مبتنی بر حقوق بین الملل و راهکار دو دولتی است. مخالفت‌های کشورهای اروپایی در مقایسه با مخالفت کشورهای عربی، قویتر و شدیدتر می‌باشد.

توضیحات مسئولین اداره رئیس ترامپ در مورد مهاجرت اجباری باشندگان نوار غزه:

مسئولین اداره جدید امریکا هدف از طرح پیشنهادی رئیس ترامپ را توضیحات بیشتر می‌دهند. روزنامه «وول ستریت جورنال / The Wall Street Journal» به نقل از مسئولین اداره رئیس ترامپ می‌نویسد، ایالات متحده و شرکاء منطقوی‌اش ضمانت‌ها برای بازگشت فلسطینیان را تقدیم می‌کنند، و ضمانت بازگشت می‌تواند فکر مهاجرت اجباری را از ناحیه سیاسی برای کشورهای عربی قابل قبول سازد.

مسئولین در اداره جدید در مورد طرح رئیس ترامپ اضافه می‌کنند که نوار غزه منطقه ناامن و غیر صالح است و مواد منفجره برای باشندگان خطر بزرگ می‌باشد. آبادی غزه به وقت بیشتر ضرورت دارد، مهاجرت لهل غزه زمینه آبادی را آسانتر می‌سازد.

1 . ir . irna

غزه مکان نامناسب است و ممکن نیست از مردم غزه خواست در جایی زندگی کنند که قابلیت زندگی را ندارد. دادن ضمانت برای عودت به نوار غزه البته بعد از هجرت و بعد از مذاکره با شرکاء در منطقه راه مناسب می‌باشد.

نماینده امریکا برای شرق میانه آقای «ستیف ویتکوف / Steve Witkoff»، و مشاور امنیت ملی در اداره رئیس ترامپ آقای «مایک والتز / Mike Waltz» به تاریخ 4 فبروری در باغ قصر سفید به خبرنگاران گفتند که بازسازی نوار غزه بیشتر از 5 سال را در برمی‌گیرد و اضافه کردند که طرح امریکا برای نوار غزه در وقت حاضر منطقی می‌باشد.¹

استقبال اعضای افراطی راست در حکومت اسرائیل از طرح رئیس ترامپ سبب شد تا یک تعداد از آن حمایت نکنند. هدف طرح رئیس ترامپ از انتقال فلسطینی‌های غزه، منتقل شدن شان در مناطق امن‌تر و بدون خشونت است.

جوردون سوندلاند / Gordon Sondland، سفیر سابق ایالات متحده در اتحادیه اروپا در دور اول ریاست جمهوری دونالد ترامپ از سال 2018 تا 2020 می‌گوید که رئیس ترامپ برنامه‌های نوسازی را در منطقه در جریان مذاکرات درباره توافق نامه‌های ابراهیمی داشت، تا جایی که ضمانت‌های قوی و صریح برای بازگشت فلسطینی‌ها به منازل شان در غزه باشد، در این حالت طرح ترامپ «ایده فوق العاده» است.²

وب سایت خبری «اکسیوس / Axios» از زبان رئیس ترامپ خبر می‌دهد که رئیس ترامپ روز بعد از طرح پیشنهادی اش با رئیس مصر - عبدالفتاح السیسی در مورد انتقال فلسطینی‌های نوار غزه به مصر - صحبت کرده بود.

¹ . الجزيرة 4 فبروری 2025، من مستقیماً سخنان شان را از تلویزیون استماع نمودم.

² . لندن، عربی 21، 27 جنوری 2025 اقتباس از روزنامه «وول ستریت جورنال»

خبرگذاری اکسیویس اضافه می‌کند که ترامپ اظهار داشت که رئیس‌مصر و شاه اردن از باشندگان نوار غزه استقبال می‌کنند.¹ تحولات جدید در مسأله باشندگان نوار غزه و دادن ضمانت برای عودت شان به غزه است. آقای ترامپ در آخرین اظهاراتش با ملک عبدالله در این مورد نیز با صراحت اظهار داشت و گفت که بازگشت به غزه نیست و مهاجرت دائمی می‌باشد. اگر طرح رئیس ترامپ در وقت حاضر عملی نشود، بازهم این فکر و طرح باقی می‌ماند و مهمترین برنامه برای اسرائیل و حامیانش در منطقه و خارج آن می‌باشد. برای امریکا و اسرائیل تطبیق طرح مهم است نه وقت تطبیق آن. صهیونیست‌ها قبل از اشغال فلسطین و تأسیس دولت یهودی در سرزمین فلسطین طرح آن را در کنفرانس سویس گرفته بودند و بعد از سالها انتظار تحقق یافت.

کنفرانس یهودیان در سویس که به نام نخستین کنگره صهیونیسم شناخته می‌شود، در شهر «بازل»، سویس به تاریخ 29 تا 31، 1897 برگزار شد. این کنگره به رهبری «تئودور هرتزل» بنیان‌گذار جنبش صهیونیسم، تشکیل شد.

مهمترین تصمیمی که در این کنگره گرفته شد عبارت بود از:

- ایجاد یک «خانه ملی یهودیان» در فلسطین با حمایت بین‌المللی.
- تشکیل سازمان جهانی صهیونیسم برای پیگیری این هدف.
- ایجاد صندوق مالی برای خرید زمین در فلسطین و مهاجرت یهودیان به آنجا.
- تشویق مهاجرت یهودیان به فلسطین و بناء مساکن برای ایشان.

همچنان تصمیم گرفته شد تا برای خریداری فلسطین با دولت ترکیه تماس گرفته شود، و از فرصت قرضداری سلطان عثمانی سلطان عبدالحمید

¹ . الجزيرة، 28، جنوری 2025. وب سایت اکسیویس، در میان سیاستمداران، مدیران اجرایی و روزنامه نگاران محبوب است.

دوم از اروپا استفاده شود. فلسطین در آن زمان جزء خلافت عثمانی بود.

در سال 1901، هرتزل با سلطان عبدالحمید دوم، سلطان عثمانی، دیدار کرد و پیشنهاد داد که یهودیان بدهی‌های سنگین سلطان را بپردازند، مشروط بر اینکه سلطان اجازه دهد یهودیان به طور گسترده در فلسطین مستقر شوند.

سلطان عبدالحمید این پیشنهاد را قاطعانه رد کرد و اعلام داشت: «من سرزمین‌های خلافت عثمانی را مانند یک لباس کهنه نمی‌فروشم. فلسطین جزئی از خاک اسلام است». پس از سرنگونی عبدالحمید دوم در 1909، و ضعیف شدن امپراطوری عثمانی، نفوذ جنبش صهیونیسم افزایش یافت و در نهایت پس از جنگ جهانی اول (1914—1918) و سقوط خلافت عثمانی، زمینه برای اعلامیه بالفور (1917) و سپس تأسیس اسرائیل در 1948 فراهم شد.

کنگره دوم یهودیان تصمیم گرفت تا برای سرنگونی خلافت عثمانی با کشورهای اروپایی همکاری شود. در جنگ جهانی اول و دوم یهودیان با کشورهای اروپائی برای سقوط خلافت عثمانی در مقابل تعهد کشورهای اروپائی خصوصاً بریتانیا همکاری کردند.

حکومت بریتانیا در مقابل خدمات یهودیان وعده برای آنان داد. در معاهده بالفور حکومت بریتانیا تعهد سپرد که فلسطین را برای یهودیان می‌گذارد تا دولت دینی خود را در آنجا تشکیل دهند. زمانیکه در پوهنتون قاهره محصل بودم، در مضمون تاریخ معاصر متن معاهده بالفور مناقشه می‌شد. معاهده بالفور، تعهد غیر قانونی بود و بریتانیا حق نداشت تا سرزمینی را که متعلق به انگلستان نبود برای یهودیان اهداء کند.¹

¹ . برای معلومات بیشتر به نص وعده بالفورمراجعه شود. وعد بالفور در انترنیت موجود است.

یهودیان مدتها صبر و کار کردند تا اینکه در سال 1948 دولت اسرائیل را اعلان نمودند و امریکا اولین کشوری بود که دولت اسرائیل را به رسمیت شناخت. کشورهای عربی در تمام جنگ‌ها در مقابل یهودیان و همپیمانان شان امریکا، انگلستان و فرانسه شکست خوردند. مقاومت اسلامی حماس و قبل از آن حرکت آزادی بخش فلسطین به این باور رسیدند که غیر از مقاومت برای آزادی قدس و سرزمین‌های اشغالی فلسطین راه دیگری وجود ندارد. 7 اکتوبر 2023 این هدف را به اثبات رسانید.

تأثیر سقوط نظام بشار اسد بر اسرائیل و شرق میانه

بعد از سقوط نظام بشار اسد، پنجشنبه 29 جنوری 2025، احمد الشرع که بیشتر بنام «ابو احمد الجولانی» شناخته می‌شود، به حیث رئیس جمهور موقت در دوره انتقالی سوریه برگزیده شد.

الشرع در اولین سخنرانی خود بعد از انتصاب به ریاست انتقالی سوریه تصامیم مهم انقلابی را گرفت، مثل لغو قانون اساسی 2012، انحلال حزب بحث، و انحلال دستگاه امنیتی سابق. او اعلام داشت که قصد دارد فرآیند انتقال سیاسی را آغاز کند که شامل برگزاری یک کنفرانس ملی (لویه جرگه)،

متن وعده بلفور (Balfour Declaration). متن اصلاً بزبان انگلیسی است.

وزارت امور خارجه، 2 نوامبر 1917

لرد روچیلد عزیز،

باعث افتخار من است که از سوی دولت اعلیحضرت، اعلامیه زیر را که بیانگر همدردی با آرمان های صهیونیستی یهودیان است و به تصویب کابینه نیز رسیده، به اطلاع شما برسانم:

« دولت اعلیحضرت با تأسیس یک وطن ملی برای قوم یهود در فلسطین موافقت نموده و نهایت تلاش خود را برای تسهیل دستیابی به این هدف به کار خواهد بست، مشروط بر اینکه هیچ اقدامی که به حقوق مدنی و مذهبی جوامع غیر یهودی ساکن فلسطین لطمه بزند، یا به حقوق و موقعیت سیاسی یهودیان در سایر کشور ها آسیب برساند، انجام نگیرد.»

از شما سپاسگزار خواهیم بود اگر این اعلامیه را به اطلاع فدراسیون صهیونیست ها برسانید.

با احترام، آرثور جیمز بالفورد.

تشکیل دولت فراگیر و برگزاری انتخابات، دستگیری آنانکه دست شان به خون مردم سوریه آغشته شده چه در داخل سوریه و یا از سوریه خارج شده اند و تشکیل محکمه عادلانه برای شان. الشرع برای اصلاحات و انتخابات آزاد مدت 4 تا 5 سال را تعیین نمود.

اگر این تحولات صورت گیرد، بدون شک تغییرات عمده در ساختار سیاسی سوریه پس از بیش از 13 سال جنگ است.

سقوط نظام بشار اسد و پیروزی مجاهدین سوریه فضای سیاسی جدید را در منطقه که شامل اسرائیل نیز می شود خلق کرد. تغییر نظام سوریه و خارج شدن ایران و حزب الله و ملیشه های شیعه از سوریه مقاومت علیه اسرائیل را ضعیف ساخت و موقتاً اسرائیل نفس راحت کشید، اما موفقیت نظام انقلابی جدید در سوریه تأثیرات سیاسی مهم را در باقی کشورهای عربی به جا می گذارد و اعتراف کشورهای عربی را از اسرائیل که نزدیک به اعلان آن بود، به تأخیر انداخت و معاهده (ابراهیمی) برای مدت نا معلوم به حالت تعلیق در آمد.¹

از جانب دیگر پیروزی مجاهدین سوریه و اخراج ایران و حزب الله از

¹ . معاهده ابراهیمی (Arabham Accords)، مجموعه ای از توافقنامه بود که در سال 2020 بین اسرائیل و چند کشور عربی از جمله امارات متحده و بحرین، با حمایت ایالات متحده آمریکا، به امضا رسید. این معاهده بخشی از روند عادی سازی روابط دیپلماتیک بین این کشورها و اسرائیل بود. معاهده شامل روابط سیاسی و همکاری اقتصادی، صلح منطقه، مخالفت با مسأله فلسطین بود. معاهده ابراهیمی یک تحول بزرگ در روابط جهان عرب و اسرائیل محسوب می شود. کشور های عربی قبلاً صلح و برسمیت شناختن اسرائیل را ارتباط به قضیه فلسطین می دادند. دولت امریکا با وارد آوردن فشار توانست این معاهده را رسمیت دهد و بعضی از کشور های عربی اسرائیل برسمیت بشناسند. قبل از 17 اکتوبر 2023 عربستان سعودی حاضر به اعتراف رسمی از دولت اسرائیل بود، اما 7 اکتوبر و کشتار بی رحمانه اسرائیل از مردم غزه و بعداً پیروزی مردم سوریه سبب آن شد تا عربستان سعودی نتواند علنی و رسمی اسرائیل را برسمیت بشناسد. سفیر جدید اسرائیل در واشنگتن اعلام داشت که موضوع برسمیت شناختن اسرائیل از طرف عربستان سعودی، موضوع وقت است و بزودی اعلام میشود.

سوریه، تشکیل اتحاد و ائتلاف بین کشورهای سنی مذهب عرب و اسرائیل را علیه ایران به مخاطره انداخت و کشورهای عربی بعد از خارج شدن ایران از منطقه ضرورت به همکاری و حمایت اسرائیل ندارند. همچنان واقعات سوریه و کامیابی مجاهدین سوریه ممکن است یک مثال و نمونه برای مبارزان آزادی خواه عرب باشد و نظام‌های استبدادی عرب سقوط کنند. سقوط نظام‌های استبدادی مانند نظام عسکری مصر، عربستان سعودی و اردن به معنی پایان اسرائیل و استقلال و آزادی ملت فلسطین است.

پیروزی مجاهدین سوریه و سقوط نظام بشار اسد و خارج شدن ایران و حزب الله و ملیشه‌های شیعه و ضعیف شدن موقف روسیه و انتقال نظامیان روسیه از سوریه به لیبیا، جیو سیاسی، ژئوپولیتیک (Geopolitic) جدید و ائتلاف‌های جدید را به میان آورد.¹

زعمای کشورهای عربی و نخبگان عرب به این نتیجه رسیدند که اگر اختلافات شان را خاتمه ندهند، در آینده به اشغال نظامی و تخریب کلی مواجه می‌شوند. آنان که در سوریه به روسیه و در عراق و افغانستان به امریکا اطمینان و باور داشتند، دیدند و نتیجه را مشاهده کردند و به این نتیجه رسیدند که معاهده ابراهیمی و اتکاء به حمایت اسرائیل و امریکا آینده ندارد و نباید به حمایت امریکا و اسرائیل اطمینان داشت. واقعات جدید در شرق میانه، مانند غزه و سوریه و لبنان درس عظیم برای کشورهای شرق میانه بود و امید است با هم به افکار جدید و پلان جدید یکجا شوند، و می‌توان مهمترین نقاط اتفاق سیاسی را بعد از تحولات در غزه و سوریه اینطور معرفی کرد:

1. فراموشی اختلافات و تأسیس اتحاد و ائتلاف جدید بین کشورهای اسلامی .

¹ . جیوساسی: بررسی تأثیرات جغرافیا (از جمله موقعیت مکانی، منابع طبیعی، مرزها و محیط زیست) بر سیاست و روابط بین الملل می پردازد .

2. عدم اجازه به کشورهای خارج از منطقه برای مداخله در امور داخلی کشورهای شرق میانه و عدم استفاده نا مشروع از منابع زیر زمینی.
3. احترام به سیادت و سرحدات هر کشور.
4. زمامداران سیاسی و حکومت‌ها برای ملت آزادی، عدالت و حق مشارکت را بپذیرند. برای ملت‌ها حق انتخاب زعامت سیاسی داده شود. در غیر آن مداخلات خارجی ادامه خواهد داشت.
5. نباید نهضت‌های اسلامی، خصوصاً اخوان المسلمین را به صفت حرکت تروریستی شناخت. استفاده از نفوذ ملی اخوان المسلمین سبب حمایت ملت از نظام سیاسی و سبب تقویت جبهه داخلی می‌شود.

در آینده نزدیک مشاهده خواهیم کرد که مؤسسات جدید و بدیل که نمایندگی از جیوسپاسی جدید می‌کند تشکیل شده و جای نظام‌های دیکتاتوری را خواهد گرفت و شرق میانه جدید با نظام جدید روی کار خواهد آمد .

پایگاه‌های نظامی خارجی در شرق میانه، خصوصاً در سوریه امنیت منطقه را مستقیماً تهدید می‌کند. نفوذ سیاسی و نظامی ایران تا حد زیادی در سوریه تقلیل یافت و اما نفوذ مذهبی ایران تا مدت‌ها در شرق میانه و خصوصاً سوریه و لبنان باقی خواهد ماند و بهترین وسیله برای استقرار آرامش در لبنان و سوریه و عراق قبول مشارکت همه مذاهب و اقوام در نظام سیاسی می‌باشد.

روس‌ها آهسته و بدون سر و صدا از سوریه خارج می‌شوند. نظام جدید سوریه برای روس‌ها اطمینان داده است و ممکن معاهده تفاهم جدید بین دولت جدید سوریه و روسیه به امضا رسد. در سفری که معاون وزارت خارجه روسیه به سوریه داشت، رئیس دوره انتقالی آقای الشرع وعده داد که با روسیه راجع به پایگاه‌های نظامی مذاکره خواهد کرد. او از روسیه خواست تا بشار اسد را تسلیم کند. حکومت ترکیه در نزدیکی بین نظام جدید سوریه و مسکو

توجه زیاد دارد. روسیه چندین پایگاه نظامی هوایی و بحری در مناطق استراتژیک سوریه دارد. پایگاه‌های روسیه در سوریه عبارت اند از:

1. پایگاه حمیمیم: این پایگاه یکی از اصلی ترین و بزرگ ترین پایگاه های هوایی روسیه در سوریه است. این پایگاه در ولایت لاذقیه در نزدیکی سواحل مدیترانه قرار دارد. قابل تذکر است که پایگاه حمیمیم مهمترین پایگاه هوایی روسیه در منطقه می باشد.
2. پایگاه طرطوس: این پایگاه در بندر طرطوس، در سواحل غربی سوریه و نزدیک به مدیترانه موقعیت دارد.
3. پایگاه‌هایی در مناطق مختلف، در شرق و جنوب سوریه.

این پایگاه‌ها به روسیه اجازه می‌دهند تا نفوذ خود را در شرق میانه حفظ کند. دیده شود که نظام جدید قادر به حل مشکلات با روسیه است یا خیر؟ آیا سیاست امریکا اجازه ادامه وجود پایگاه‌های روسیه را در خاک سوریه می‌دهد. با آنکه رئیس ترامپ تصمیم دارد نظامیان امریکایی را از خاک سوریه خارج سازد به یقین برای روسیه نیز اجازه بقا را در سوریه نخواهد داد.

جمعه 30 جنوری 2025 رئیس ترامپ در جواب خبرنگاران راجع به خارج کردن قوای امریکایی از سوریه گفت که درباره خارج ساختن نظامیان از سوریه تا حال تصمیم گرفته نشده و خبرهایی که نشر شده صحت ندارد.

امریکا سه پایگاه نظامی و ده هزار سرباز در سوریه دارد. وزیر دفاع سابق امریکا «لوید اوستن» به «اسوشیتد پرس / Associated Press» به تاریخ 9 جنوری 2025، گفت ایالات متحده ضرورت دارد تا جهت مبارزه با داعش در سوریه باقی بماند. او اضافه کرد که ده‌ها هزار جنگجوی داعش در زندان‌های روسیه داخل سوریه می‌باشند و در بین این ده‌ها هزار، دو هزار نفر شان بسیار خطرناک هستند. اوستن که از پایگاه هوایی «رامشتاین» در جرمنی سخن می‌زد گفت که تقریباً 50 کشور اعتقاد دارند که جنگجویان تنظیم دولت

اسلامی دوباره دست به مبارزه می‌زنند، اگر امریکا قوای خود را از سوریه خارج کند، نظامیان امریکایی در شمال شرق سوریه موقعیت دارند و از حزب دیموکرات (قسد) کرد در سوریه حمایت می‌کنند.¹

بیشتر پایگاه‌های امریکا در جنوب و شمال شرقی سوریه موقعیت دارند. از این پایگاه‌ها عمدتاً به هدف حمایت و پشتیبانی از نیروهای دموکراتیک سوریه (SDF) و مقابله با داعش استفاده می‌شود.

پایگاه‌های امریکا عبارتند از: پایگاه التنف، پایگاه‌های شمال شرقی در ولایت‌های (الحسکه و دیر الزور)، پایگاه رمیلان، پایگاه الشدادی، پایگاه العمر و چند پایگاه کوچک دیگر.

در حال حاضر حکومت جدید سوریه قدرت این را ندارد که قوای امریکا و روسیه را به شکل کامل از سوریه خارج سازد و احتمال بیشتر این است که به یک اتفاق برسند.

نظام جدید سوریه، خواهان دوستی و همکاری با امریکا نسبت به هر وقت دیگر می‌باشد و تا حال سیاسیون جدید در مورد پایگاه‌های خارجی به شمول پایگاه‌های امریکا تصمیم نگرفته‌اند.

روابط و همکاری بین نظام جدید و امریکا با چالش‌های زیادی مواجه است. عوامل مختلفی مانند روابط سیاسی، تأثیرات منطوقی، مسائل امنیتی و منافع استراتژیک امریکا در منطقه و شرق میانه به طور عموم در رابطه جدید بین امریکا و نظام جدید سوریه نقش دارند.

امریکا بیشتر به حقوق بشر و مسائل امنیتی و بازگشت گروه‌های افراطی مانند داعش و القاعده تشویش دارد، نظام جدید از نظر امریکا و کشورهای منطقه، نظام کاملاً اسلامی است. به هر حال در صورت تغییرات واقعی در

¹ . الجزيرة 2025/9/1 . نقل از Associated Press

سیاست‌های داخلی سوریه، از جمله اصلاحات سیاسی، اقتصادی و امنیتی و نقش گروه‌ها و کشورهای مخالف آمریکا در سوریه ممکن است زمینه‌هایی را برای همکاری به وجود آورد. آمریکا منتظر است تا ببیند نظام جدید سوریه چه نوع سیاست را در پیش می‌گیرد. از نظر آمریکا و حتی اکثر کشورهای اروپایی و کشورهای عربی خصوصاً کشورهای خلیج، نظام جدید سوریه، نظام اسلامی و رئیس دولت جدید آقای احمد الشرع از نظر آمریکا عضو سابق جنبش القاعده به حساب می‌آید. به هر حال آمریکا انتظار دارد تا وضعیت سیاسی و امنیتی سوریه بیشتر روشن شود.

موجودیت حزب دموکراتیک کرد (قسد) و حمایت آمریکا از این گروه بزرگترین عامل مهم در رابطه بین نظام جدید و آمریکا می‌باشد. تا زمانیکه نظام جدید با قسد به اتفاق نرسد، وقسد اسلحه‌های خود را تسلیم وزارت دفاع جدید نکند و آمریکا به حمایت خود از قسد دوام دهد، رابطه سیاسی بین نظام جدید و آمریکا غیر دوستانه می‌باشد.

امریکا از پایگاه‌های نظامی خود، نیروهای دموکراتیک کرد (قسد) را حمایت می‌کند و همچنان علیه داعش و القاعده نیز استفاده می‌نماید، بعضی اوقات مانع پیشرفت و تقدم مبارزین سوریه نیز می‌شد. سیاست نظامی آمریکا در سوریه سبب مخالفت‌های شدید بین انقره و واشنگتن است. انقره حزب دموکراتیک (قسد) را تنظیم تروریستی می‌داند در حالیکه آمریکا (قسد) را در مقابل داعش و القاعده حمایت سیاسی، اقتصادی و نظامی می‌نماید.

حزب دموکراتیک (قسد)، برای آمریکا اهمیت بزرگتر دارد. هزارها جنگجوی القاعده و داعش در سوریه زندانی هستند و قسد از زندان‌ها و زندانی‌ها حفاظت می‌کند. حمایت قسد از زندانیان برای آمریکا بسیار مهم است. آزادی هزاران زندانی که از نظر آمریکا بسیار خطرناک به حساب می‌آیند امنیت منطقه را به خطر مواجه می‌سازد. رهبران داعش بعد از اعلان حکومت

انتقالی به ریاست الشریع اعلام داشتند که ملیشه‌های خود را در صورتی که نظام جدید، اسلام را به صورت صحیح تطبیق کند لغو می‌کنند.

روسیه از پایگاه‌های نظامی خود نظام بشار اسد و ملیشه‌های شیعه و نیروهای ایرانی را حمایت می‌کرد. همچنان از پایگاه‌های خود در سوریه، قوای خود را در لیبیا حمایت و کمک می‌کند. بعد از سقوط نظام بشار اسد، روسیه بیشتر قوای خود را به لیبیا انتقال داد و برای آینده قوای خود در سوریه با نظام جدید داخل مذاکره است.

سفر هیئت روسیه به ریاست معین وزارت خارجه (میخائیل بوغدانوف / Mikhail Bogdanov) به سوریه، اولین تماس و رابطه‌ی مستقیم بین مسکو و نظام جدید سوریه است. هیئت روسی با مسئولین سوریه در موارد مختلف بحث و گفتگو داشت که مهمترین آن پایگاه‌های نظامی روسیه در سوریه بود.

در اخیر مجلس، معین وزیر خارجه روسیه توضیحات بیشتر داد و گفت که موضوع پایگاه‌های نظامی روسیه در سوریه تا حال بدون تغییر می‌باشد، و فیصله نهائی در این مورد ضرورت به مشوره‌های بیشتر دارد، طرفین اساساً مانع گفتگو و بحث در مورد تعاون و همکاری نیستند و این مذاکرات ادامه خواهد داشت.

چهار شبه 12 فبروری 2025، رئیس پوتین تیلیفونی با رئیس موقت سوریه احمد الشریع تماس گرفت. در مقدمه رئیس پوتین انتخاب الشریع را به ریاست مرحله انتقالی در سوریه تبریک گفت. پوتین اظهار داشت که روسیه به تمامیت ارضی و وحدت اراضی و ثبات سوریه احترام دارد. و همچنین روسیه برای رفع تعزیرات اقتصادی از سوریه تلاش می‌کند. در پایان مکالمه، پوتین وعده ارسال کمک‌ها جهت بهتر شدن اوضاع اجتماعی، اقتصادی و کمک‌های انسانی را برای سوریه داد.

تماس تلفونی بین رئیس پوتین و رئیس الشرع مقدمه‌ای برای عقد معاهدات جدید و به شروط جدید می‌باشد. رئیس الشرع در مکالمه تلفونی از روابط استراتژیک قوی بین روسیه و سوریه یاد کرد، و گفت سوریه به روی همه طرف‌ها به گونه‌ای که منافع مردم سوریه را تأمین و ثبات و پایداری را تأمین کند باز است.

روزنامه روسی « فرزغلیاد / Vzglyad » در راپوری که بدست آورده می‌نویسد که مسئولین جدید سوریه از روسیه تقاضای خسارات جنگی را دارند، و زعامت جدید در دمشق با تمام اطراف مهم در شرق میانه در این مورد بحث و گفتگو می‌کند.¹

تحلیل‌گر امور سیاسی و نظامی روسیه در شرق میانه « کیریل سیمینوف » می‌گوید که مذاکره به صورت خاص در موضوع شروط خسارات و تعویض در مقابل استفاده از پایگاه‌ها می‌باشد، نظام جدید بر عکس نظام بشار اسد ضرورت و احتیاج به کمک هوائی روسیه برای عملیات نظامی خود علیه مخالفین ندارد، بلکه ضرورت و احتیاج به مال دارد، و کمک‌های اقتصادی مسکو برای نظام جدید بسیار مهم است.

در پایان گزارش، روزنامه از قول « باغداساروف » می‌نویسد که رسیدن به یک اتفاق موقت در مورد پایگاه‌های روسی، ضرورت به تفکر و بازنگری شامل از وضعیت روسیه در سوریه دارد.²

اسرائیل به حکم واقع جزئی از شرق میانه به حساب می‌آید و می‌توان گفت که تسلط کامل بر شرق میانه نیز دارد. اسرائیل این واقعیت را درک

¹ . روزنامه فرزغلیان و وب سایت خبری روسی است که به تحلیل‌های سیاسی، اقتصادی و مسائل بین المللی می‌پردازد. این رسانه به خاطر دیدگاه‌های ملی‌گرایانه و حمایت از سیاست‌های کرملین شناخته می‌شود.

² . عربی 21 نقل از روزنامه « فرزغلیاد » 30 جنوری 2025

می‌کند و می‌داند که سقوط نظام بشار، زنگ خطری برای امنیت اسرائیل است و اسرائیل متوجه قیام مردم مصر می‌باشد و تا توان و قدرت دارد از نظام مارشال السیسی حمایت خواهد کرد. سقوط نظام استبدادی مارشال السیسی خطر شدید برای امنیت اسرائیل به حساب می‌آید. اسرائیل می‌داند اگر نظام مصر سقوط کند و انتخابات صورت گیرد اخوان المسلمین به قدرت خواهد رسید. در این صورت همکاری بین قاهره و دمشق به معنی محاصره واقعی اسرائیل است.

در حال حاضر اسرائیل توجه خاص در تعامل با تغییرات سیاسی شرق میانه بعد از حوادث طوفان اقصی 7 اکتوبر 2023 و جنگ با حماس و عدم موفقیت نظامی در نوار غزه و تغییرات سیاسی در سوریه دارد. می‌توان توجه اسرائیل را در وقت حاضر به نقاط ذیل خلاصه کرد:

1. استفاده از ضعف و ناتوانی نظام جدید سوریه، و توجه نظام جدید برای جنگ داخلی و استفاده از آن برای امضاء معاهده و یا آتش بس موقت با نظام سوریه، و حق مداخله در خاک سوریه با همکاری امریکا.
2. حمایت و تقویت حزب دیموکرات کرد «قسد» در مقابل نظام جدید سوریه.
3. ضعیف ساختن نظام جدید سوریه از ناحیه نظامی و سیاسی و اقتصادی. اسرائیل توانست اسلحه‌های ثقیله سوریه را منهدم سازد و به خاک سوریه پیشروی نماید.
4. حق استفاده از خاک و فضای سوریه همان طور که در سالهای قبل داشت و تخریب قوای نظامی و اسلحه سوریه تا بدست مجاهدین نرسد.¹

¹ . محمد غازی الجمل، الأثر الكبير لتحرر سوريا على إسرائيل، الجزيرة نت 2025/8/1.

اسرائیل سوریه متحد و قوی را در سرحدات خود خطر بزرگ برای موجودیت خود می‌داند. تقسیم سوریه به اساس قومیت: عربی، کردی، مذهبی: شیعی، سنی، عیسوی، زردشتی، علوی، دروزی و غیره به نفع اسرائیل است.

یکشنبه 23 فبروری 2025 صدراعظم اسرائیل در مسالهٔ خلع سلاح در سوریه در مصاحبه‌ی مطبوعاتی گفت: اسرائیل خلع سلاح نظامی را در جنوب سوریه می‌خواهد، و در مقابل هیچ تهدید سکوت نمی‌کند. او اضافه نمود که تمام قوای نظامی سوریه باید به شکل کامل از جنوب سوریه بیرون شوند.

صدر اعظم اسرائیل اضافه نمود که خواهان خلع سلاح در جنوب سوریه، در ولایت‌های «القنيطرة و درعا و السويداء» هستیم.

در مورد اقلیت‌ها در سوریه، صدراعظم اسرائیل گفت که اسرائیل روابطش با جوامع دوست در منطقه را بیشتر می‌سازد، خصوصاً جامعه «دروزی». طائفه دروزی، طائفه دوست و برادر ما است که با ما در دولت اسرائیل یکجا می‌جنگند. و اضافه نمود اجازه تهدید طائفه دروزی را در جنوب سوریه نمی‌دهیم¹.

نظر به مطالعه دستگاه‌های ماهواره‌ای، اسرائیل دو پایگاه نظامی را در منطقه غیرنظامی تعمیر و مشغول ساختن پایگاه سوم می‌باشد، منطقه‌ای که

¹ . طایفه درزی در سوریه، لبنان و فلسطین یک اقلیت مذهبی است و عمدتاً در مناطق جنوبی سوریه اقامت دارند. در دوره پشمار اسد، طایفه دروزی از نظام حمایت می‌کرد. اسرائیل از درزی‌ها حمایت می‌کند به دلیل اینکه جامعه درزی دارای جایگاه خاصی در اسرائیل دارد. درزی‌ها در ارتش اسرائیل خدمت می‌کنند و اسرائیل سعی دارد از این ارتباط برای ایجاد نفوذ میان دروزی‌های سوریه استفاده کند.

بعد از سقوط نظام بشار توسط اسرائیل اشغال شده است.¹

سوریه جدید از اسرائیل می‌خواهد تا تمام نیروهایش را از اراضی سوریه خارج کند. ملل متحد می‌گوید که موجودیت اسرائیل در اراضی سوریه مخالف تمام معاهدات بین‌المللی می‌باشد.

روزنامه «Israel Today - اسرائیل امروز» تاریخ 9 جنوری 2025، می‌نویسد که مسئولین اسرائیلی موضوع کنفرانس بین‌المللی را برای تقسیم سوریه تقویت و تأیید می‌کنند. هدف از انعقاد کنفرانس تقسیم سوریه به (کانتونات/ Cantons)، یعنی به مناطق متعدد و ولایات شبه مستقل به هدف حمایت و ضمانت حقوق اقلیت‌ها در سوریه و استقرار منطقه می‌باشد. روزنامه اضافه می‌کند که این برنامه یعنی تقسیم سوریه فکر جدید نیست و از روز اول سقوط نظام و فرار بشار اسد مطرح شده است.

روز نامه «اسرائیل امروز» اضافه می‌کند که وزیر دفاع اسرائیل «یسرائیل کاتس» دو روز قبل (7 جنوری) ریاست مجلس امنیت ملی اسرائیل را داشت و کمیته گزارش امنیتی را آماده و برای صدراعظم بنیامین نتنیاهاو تقدیم کرد.

آقای «ایلی کوهین / Eli Cohen»² وزیر خارجه اسرائیل، می‌گوید هدف از این پیشنهاد یعنی کنفرانس بین‌المللی برای تقسیم سوریه، ضمانت امنیت سرحدات شمالی اسرائیل علیه تهدیدات گروه‌های غیر قانونی در سوریه است. ایلی کوهین اضافه کرد که تقسیم سوریه به مناطق مختلف در کنفرانس بین‌المللی بحث می‌شود.³

¹ . الجزيرة نت 2025/2/23، لندن - عربی 21، 25/2/23

² . الی کوهن از جون سال 2023 وزیر خارجه اسرائیل است .

³ . عربی 21 نقل از روزنامه اسرائیل الیوم بتاريخ 9 جون 2025. او عضو حزب لیکود حاکم تحت رهبری نتانیا هو میباشد.

وسائل مطبوعاتی اسرائیل خبر می‌دهند که وزیر دفاع اسرائیل در مجلس امنیتی فشرده چهارشنبه (8 جنوری 2025) با اشتراک وزیر خارجه «جدعون ساعر» و رئیس ارکان، لوی درستیز «هرتسی هالیفی» و مسئولین امنیتی در مورد امنیت اسرائیل و رسیدن ترکیه به سرحدات شمالی اسرائیل بحث نمودند. مراکز استراتژیک اسرائیل در راپورشان حکومت اسرائیل را هشدار داده می‌گویند ترکیه در فکر احیای امپراطوری عثمانی می‌باشد و ترکیه توازن نیرو را در منطقه تغییر داده و منافع و مصالح اسرائیل در خطر می‌باشد.

مجلس امنیت ملی اسرائیل و مراکز استراتژیک اسرائیل، حکومت اسرائیل و صدراعظم را برای اعلان جنگ با ترکیه مشوره دادند. امنیت ملی اسرائیل و مراکز تحقیقات استراتژیک ائتلاف ترکیه را با نظام دمشق خطر بزرگ برای اسرائیل می‌دانند.¹

سیاستمداران اسرائیل برنامه تقسیم سوریه را پیشنهاد می‌کنند و به این عقیده اند که سوریه بین اسرائیل و ترکیه تقسیم شود.

روزنامه «یدیعتو أحرنووت / Yedioth Ahronoth» که به زبان عبری به نشر می‌رسد، برنامه‌ای که اسرائیل روی دست دارد عبارت از یک منطقه از خاک سوریه است که باید اشغال نظامی شود و از ضعیف بودن حکومت جدید سوریه برای اشغال آن استفاده شود تا از حملات آینده بر اسرائیل از خاک سوریه جلوگیری شود. روزنامه اضافه می‌کند که منطقه‌ای که اسرائیل اشغال می‌کند مساحت آن 15 کیلومتر داخل خاک سوریه است و هدف از اشغال آن جلوگیری از حملات راکتی به بلندی‌های جولان که 60

کانتونات: ایالت‌ها، این اصطلاح به طور خاص در مورد مناطق خود مختار یا تقسیمات اداری استفاده می‌شود.

¹ . جهت مطالعه نص کامل به الجزیره نت تاریخ 9 جنوری 2025 مراجعه شود. مطالعه این راپور برای محققین اهمیت فوق العاده دارد.

کیلومتر داخل خاک سوریه است می‌باشد. روزنامه از قول مسئولین بلندپایه اسرائیل می‌نویسد که حکومت اسرائیل امیدوار است رئیس جمهور ترامپ در مقابل سوریه و لبنان از اسرائیل حمایت کامل کند.¹

وزارت خارجه ترکیه تقسیم سوریه را به ایالات مستقل و یا تقسیم آن بین کشورهای همسایه به شدت رد و تأکید بر وحدت اراضی سوریه دارد. سخنگوی وزارت دفاع ترکیه «زکی اکتورک»، اظهار داشت که ترکیه قدرت دفاعی و امنیتی سوریه را برای آینده تقویت می‌کند، و ترکیه برای هیچ یک از تنظیم‌های تروریستی در سوریه جدید اجازه فعالیت را نمی‌دهد. وزیر دفاع ترکیه «یشار غولر» سه هفته قبل اعلام داشت که در صورتیکه نظام جدید از انقره بخواهد، ترکیه آماده همکاری نظامی بین ترکیه و رهبری جدید در سوریه بعد از سقوط نظام بشار اسد می‌باشد و ترکیه نظام جدید را از ناحیه نظامی تقویت خواهد کرد.² ترکیه آمادگی کامل برای حمله علیه شبه نظامیان کرد در سوریه را دارد. دولت ترکیه مهلتی برای حزب دموکراتیک (قسد) داده و از قسد خواسته است تا با دولت جدید یکجا شود و اسلحه خود را تسلیم وزارت دفاع جدید سوریه نماید، در غیر آن ترکیه آماده نبرد علیه قسد می‌باشد.

کشورهای عربی نیز تأکید بر وحدت اراضی سوریه دارند. از نظر زمامداران اسرائیل احمد الشرع «الجولانی» و زمامداران جدید سوریه بقایای القاعده در لباس جدید می‌باشند.

از نظر اسرائیل واقعیت این است که سوریه آزاد و نظام اسلامی و مردمی تهدید مستقیم برای اسرائیل است. سوریه قوی و آزاد می‌تواند از حقوق مردم فلسطین دفاع کند. تحول سیاسی و نظامی در سوریه آرامش اسرائیل را به مخاطره انداخته و اسرائیل مواجه به مقاومت اسلامی سنی با حمایت ترکیه در

¹ . لندن، عربی 21، 9 جنوری 2025، نقل از روزنامه یدیعوت احرنوت .

² . الجزيرة 2025/10/1.

سرحدات خود است.

اگر به نقشه سیاسی و طبیعی فلسطین به دقت توجه شود، دیده می شود که آزادی فلسطین از داخل فلسطین ناممکن است. اسرائیل تسلط کامل بر تمام اراضی فلسطین دارد و مقاومت فلسطین قادر به دسترسی اسلحه از خارج نیست. لذا آزادی فلسطین ارتباط به کشورهای همجوار فلسطین مانند سوریه، مصر، لبنان و اردن دارد.

آزادی فلسطین به طور کل، نیازمند ترکیبی از تلاش های داخلی است که متأسفانه گروه های داخل فلسطین وحدت فکری و سیاسی بین خود ندارند. حمایت خارجی بسیار مهم است. کشورهای عربی در منطقه توجه به فلسطین ندارند و سقوط جنبش آزادی بخش فلسطین را می خواهند، از نظر همه کشورهای عربی حماس یک جنبش تروریستی است. حمایت بین المللی از قضیه فلسطین وجود ندارد، جهان غرب به طور عموم با تمام قوا از اسرائیل حمایت می کند و کشورهای غربی و امریکا برای دولت اسرائیل حق کشتار فلسطینی ها را زیر نام دفاع از خود می دهند.

پیروزی مردم سوریه، تجدید و آغاز دور دوم بهار عرب بوده و به زودی تحولات و تغییرات سیاسی در شرق میانه رخ خواهد داد و مرکز تمام تغییرات دمشق، ترکیه و قطر خواهد بود. روزها و ماه های بعد نشان می دهد که آیا حرکت آزادی شام (تحریرشام) به زعامت احمد الشرع (الجولانی) می تواند به تنهایی سوریه را اداره کند؟ و آیا انتخابات آزاد را می پذیرد؟ و آیا مشارکت تمام گروه های سیاسی، مذهبی و قومی را در نظام جدید می پذیرد؟ و آیا اخوان سوریه که قاعده ملی وسیع دارد با حرکت الشرع به توافق می رسد؟ پاسخ به سؤالات فوق از ما می خواهد تا منتظر باشیم و آینده به این پرسش ها جواب می دهد.

رئیس اخوان المسلمین سوریه (دکتور عامر ابو سلامه) اعلام داشت که

اخوان عضو اداره جدید نیست و اما برای استقرار و وحدت و ساختار جامعه جدید در سوریه با نظام جدید همکاری می‌کند. دکتور عامر اضافه کرد که از سیاست جدید راضی می‌باشد و اخوان المسلمین در قلب سوریه حضور دارد. اگر احمد الشرع با اخوان سوریه به اتفاق نرسد و انتخابات و قانون اساسی جدید را نپذیرد سوریه و شرق میانه به آتش جنگ بزرگتر مواجه خواهد شد. کشورهای خلیج عربی و کشورهای اروپایی و امریکا کوشش دارند اخوان سوریه را از صحنه سیاسی سوریه دور داشته باشند و برای این هدف حاضر به همکاری با الشرع می‌باشند.¹

آیا اخوان سوریه در آینده سیاسی نقش مهم خواهد داشت؟

آینده اخوان المسلمین در نظام جدید بستگی به تحولات داخلی، توافقات سیاسی و مواضع بازیگران داخلی و خارجی دارد. اخوان المسلمین بعد از 1980 به دلیل سرکوب شدید توسط حکومت حافظ اسد و بعد از آن بشار اسد از سیاست کنار گذاشته شد و بسیاری اعضای آن یا شهید و یا مهاجر و تبعید شدند. اخوان المسلمین در مبارزات آزادی‌خواهی 40 هزار قربانی داد.

در جریان مبارزات مسلحانه با نظام بشار اسد، اخوان نقش بسیار فعال را با این که از جانب قطر و ترکیه حمایت می‌شدند داشت. بعد از سقوط داکتر مرسی و رسیدن نظامیان به قدرت در مصر و سقوط نظام دموکراسی در تونس، کشورهای خلیج عربی مانند عربستان سعودی، بحرین، امارات عربی و مصر- نهضت اخوان را به صفت حرکت تروریستی اعلان کردند و از قتل اعضای آن حمایت نمودند. موقف کشورهای خلیج عربی از اخوان به طور عموم تأثیر

¹ . جهت معلومات بیشتر از موقف اخوان سوریه مراجعه شود: کیف تری جماعة الإخوان المسلمین مستقبل سوريا . الجزيرة مباشر . <https://youtu.be/icnx1qx8Zcw?si=AotA-EzGil9Ge>

بسیار منفی بر نهضت اخوان در سوریه گذاشت.

اگر در آینده انتقال سیاسی واقعی در سوریه رخ دهد، اخوان المسلمین ممکن است نقشی در ساختار جدید قدرت داشته باشد و اما حضور آن به چند عامل بستگی دارد:

1. موقعیت قدرت‌های خارجی مانند: ترکیه، ایران، روسیه و کشورهای عربی. تا جایی که معلوم و واضح است کشورهای عربی غیر از قطر برای اخوان سوریه مجال فعالیت را نمی‌دهند و شرط همکاری شان با دولت جدید عدم مشارکت اخوان در سیاست سوریه می‌باشد.
 2. مذاکرات اپوزیسیون با دولت. دیده شود که نظام جدید برای دیگر احزاب که اخوان یکی از آن است سهمی در دولت می‌دهد.
 3. میزان پایگاه اجتماعی اخوان در سوریه نظر به عوامل متعدد در مقایسه با 20 سال قبل ضعیف‌تر می‌باشد. نظام جدید و گروه‌های جهادی با روش اخوان المسلمین توافق ندارند، لذا نقش گسترده اخوان المسلمین در آینده سوریه کمتر بنظر می‌رسد، مگر اینکه توافقی بین المللی شامل همه گروه حاصل شود. و مردم از اخوان در انتخابات آزاد حمایت کنند.
- آرامش و استقرار در شرق میانه ارتباط مستقیم به وضعیت سوریه و فلسطین دارد. اگر قوای بزرگ جهانی و منطقوی فرصت را برای مردم سوریه مهیا کنند تا مردم سوریه بتوانند نظام جدید سیاسی شان را بسازند، و نظام جدید بتواند همکاری تمام احزاب و اقوام و مذاهب را به دست آورد و مشارکت را قبول کند و از تجربه احزاب جهادی افغانستان و امارت اسلامی استفاده کند، شرق میانه آینده درخشان را در پیش خواهد داشت. و اما اگر امریکا، ایران، روسیه، مصر، عربستان، امارات متحده عربی و اسرائیل مشترکاً مانع استقرار سیاسی در سوریه شوند و بخواهند نظام جدید را سرنگون سازند و ترکیه را از سوریه خارج کنند و برای این منظور کردها را تقویت نظامی کنند، باید انتظار خونریزی بیشتر و جنگ‌های شدیدتری را در شرق میانه داشت و

آتش جنگ تا افغانستان و عراق و لبنان می‌رسد و تر و خشک در این آتش می‌سوزد.

مسیر شبه نظامیان فاطمیون

مسیر شبه نظامیان فاطمیون بعد از سقوط نظام بشار اسد بحث مهم و قابل تأمل از نظر سیاسی و نظامی می‌باشد. آینده شبه نظامیان فاطمی برای افغانستان زنگ خطر است و سیاسیون و نظام سیاسی افغانستان چه در لباس امارت اسلامی و یا هر نظامی که در آینده بر افغانستان حاکمیت داشته باشد، باید متوجه بیشتر به بازگشت شبه نظامیان فاطمی به افغانستان باشند. در این هفته تحقیقات جدید و مهم در مورد آیندهٔ ملیشه‌های فاطمی به نشر— رسیده که از آن‌ها در این تحقیق استفاده می‌شود.

تأسیس و تشکیل فرقه فاطمی در سوریه

سپاه پاسداران انقلاب ایران فرقهٔ فاطمی را از مهاجران شیعه افغان تشکیل داد. فرقه فاطمی از سال 2013 در جنگ‌های داخلی سوریه حضور داشت و در کنار نیروهای دولتی سوریه می‌جنگید. لشکر فاطمی در ابتدا به هدف دفاع از حرم سیده زینب در سوریه تشکیل شد، اما بعدها نقش فعال تری در حمایت از نظام بشار اسد ایفا کرد.

سپاه پاسداران از فقر مهاجرین افغانستان در ایران استفاده کرد. «فرقه فاطمیون» نه تنها از نظر نظامی و تربیه عسکری تأسیس شد، بلکه فرقه اعتقادی و به هدف دفاع از مقدسات تأسیس یافت. شبه نظامیان وظیفه شان دفاع از نظام بشار اسد و مقدسات شیعه در سوریه بود. فرقه فاطمی در اکثر جنگ‌ها خصوصاً در «حلب و الغوطة الشرقیة» سهم فعال داشت و رکن مهمی از ارکان ملیشه‌هایی بود که ایران آنان را در منطقه، تقویت نظامی، سیاسی و مادی می‌کرد.

ایران انترنیشنال در راپورش انتقادات مدافعین حقوق بشر- را که متوجه حکومت ایران است به نشر- سپرد. در راپور آمده که مدافعین حقوق بشر- حکومت ایران را متهم می کنند که از شرایط اقتصادی و فقر مهاجرین افغانستان سوء استفاده می کند.¹

نائب رئیس جمهور ایران (محمد جواد ظریف) اظهار داشت که ایران فرقه فاطمی را برای مقابله با دشمن مشترک «تنظیم دولت اسلامی» تقویت کرد. ظریف اضافه نمود که مبارزه با داعش و افراط گرایی در سوریه مانع مواجه شدن ما با آنان در کابل و قندهار شد. به این معنی که اگر ایران در سوریه علیه داعش با همکاری فاطمیون مبارزه نمی کرد، ضرورت می شد که علیه داعش در کابل بجنگد.

ریاست ارکان ایران تعداد فرقه فاطمیون را بین 10 تا 20 هزار می دادند که از این جمله 2000 کشته و 8 هزار جراحت برداشته اند.

فیلیپ سمیث «Philli[Smyth]»، محقق حوزه شرق میانه و گروه های نظامی شیعه در دانشگاه ایالت مریلند امریکا و همکار انستیتوت واشنگتن در مورد شبه نظامیان فاطمی می نویسد: پاسداران انقلاب ایران برای افغانان که غیر رسمی در ایران اقامت دارند وعده پول و ترتیب وضعیت قانونی و اخراج بعض از ایشان از زندان و پاک کردن دوسیه های شان را داده بود، مشروط بر اینکه داخل ملیشه های فاطمی شوند.

فیلیپ سمیث از مسیر ملیشه های فاطمی بعد از سقوط نظام بشار اسد می گوید: ایران به قوه فاطمی اشد ضرورت دارد؛ زیرا اعتماد کامل بر حزب الله لبنانی و اعتماد بر شرکاء در منطقه باقی نمانده، به این منظور ایران از

¹ . الجزیره 2025/14/1.

ملی‌شده‌های فاطمی بعد از تجدید آن در نقاط دیگر استفاده می‌کند.¹

سناریوهای احتمالی

1. با خروج قوای نظامی ایران از سوریه، امکان دارد ایران فرقه فاطمی را به مناطق درگیری‌های دیگر مثل یمن جهت تقویت حوثی‌ها (انصار الله)، و یا عراق به هدف تقویت گروه‌های شیعه و حتی ایران به هدف تقویت و حمایت گروه مقاومت علیه اسرائیل انتقال دهد.
 2. منحل کردن فرقه فاطمی به صورت تدریجی و یکجاساختن جنگویان در جامعه ایران و یا افغانستان. و امکان دارد که افراد فرقه را تابعیت ایران داده و ایشان را داخل سپاه پاسداران نماید و اما این مورد در شرایط بد اقتصادی ایران مشکل است. نویسندگان افغان بنام نادری می‌نویسد که ایران ممکن نیست فرقه فاطمی را لغو کند و ممکن است برای بی‌امنی ساختن افغانستان و ترکیه و عراق از فرقه فاطمی استفاده شود.
 3. حفظ فرقه فاطمی به حیث قوه نظامی احتیاطی کوچک برای استفاده در مناطق دیگر، این مورد با سیاست ایران مطابقت بیشتر دارد.
 4. بازگشت به افغانستان، ممکن است بعضی افراد فرقه فاطمی به صورت افراد به افغانستان عودت کنند و با خانواده‌های شان یکجا شوند، اما بازگشت این گروه تهدید مستقیم برای حکومت افغانستان می‌باشد، لذا این برنامه به سبب عدم باور و اطمینان بین امارت اسلامی و قوم هزاره غیر قابل اجراء و غیر عملی می‌باشد.
 5. ممکن است ایران افراد فرقه فاطمی را به قوه‌ای سیاسی تبدیل کند تا اهداف سیاسی ایران را در افغانستان پیش برده و نفوذ مذهبی و سیاسی ایران قوت بیشتر در سیاست افغانستان داشته باشد.
- هر قسمی که سناریوهای تطبیق شود، شکی نیست که حوادث اخیر سوریه، چالش‌ها و فرصت‌های جدید را در منطقه آفریده و فرصت‌های جدید

¹ . ترجمه تحقیق فیلیپ سمث را در روزنامه الجزیره تاریخ 2025/14/1 مطالعه کنید.

را برای فرقه فاطمی با اینکه نظام بشار اسد سقوط کرده ایجاد نموده و با آنکه نقش ایران در منطقه و سوریه کاهش یافته، اما ایران به آسانی از داشتن نقش مهم استراتژییک در منطقه کناره نخواهد گرفت و برای حفظ مکانت اش در آینده از ملیشه‌ها خصوصاً فرقه فاطمی استفاده خواهد کرد.

تحلیل گران نظامی و سیاسی به این نظر اند که بعد از جنگ سوریه، ایران جنگجویان فاطمی را در مراکز نظامی در شهر قم و مشهد جا داده و برای حفظ منافع و مصالح ایران در افغانستان در آینده از آنها استفاده می‌کند. قضیه فاطمیون مهمترین نقطه اختلاف بین ایران و افغانستان می‌باشد و دولت افغانستان فرقه فاطمی را تهدیدی برای امنیت ملی خود می‌داند.

ملیشه‌های فاطمی بدون شک تهدید مستقیم برای امنیت ملی افغانستان در آینده است. موضوع بازگشت جنگجویان فاطمی به افغانستان آرامش نسبی بین جامعه شیعه و سنی را برهم خواهد زد. برای حل این معضله بهترین راه همکاری بین حکومت و احزاب شیعه در داخل افغانستان می‌باشد و بدون همکاری مشترک و مشارکت در نظام سیاسی نمی‌توان امنیت ملی افغانستان را حفظ کرد.

انتقال لشکر فاطمی به افغانستان می‌تواند تأثیرات مختلفی بر امنیت ملی افغانستان داشته باشد که می‌توان مهمترین تأثیرات را به نقاط ذیل شرح کرد:

1. افزایش تنش‌های مذهبی بین پیروان مذهب شیعه و سنی، این تنش سبب تفرقه مذهبی شده و امنیت نسبی افغانستان را برهم می‌زند.
2. دخالت در امور داخلی افغانستان: انتقال شبه نظامیان فاطمی بدون شک مداخلات خارجی خصوصاً ایران را در افغانستان تشدید کرده و سبب تضعیف حاکمیت ملی افغانستان می‌شود.

3. تقویت گروه‌های افراطی: حضور لشکر فاطمی گروه‌های افراطی مانند داعش و القاعده را به هدف مقابله با لشکر فاطمی تقویت می‌کند. کشورهای خارجی از گروه‌های افراطی علیه نفوذ ایران در افغانستان استفاده خواهند کرد. امارت اسلامی نیز در مبارزه با لشکر فاطمی بیطرف نخواهد ماند.

4. ایجاد یک فضای امنیتی پیچیده: با حضور ملیشه‌های فاطمی، فضای امنیتی افغانستان می‌تواند پیچیده‌تر شود.

در نهایت تأثیر انتقال بستگی به نحوه تعامل امارت اسلامی و مخالفین داخلی اش دارد. اگر مخالفین امارت اسلامی موقعیت سیاسی و حفظ تمامیت ارضی و وحدت ملی را در نظر نگیرند، مشکلات امنیتی و سیاسی افغانستان بیشتر می‌شود و وحدت ملی صدمه می‌بیند.

نقش کردها در تغییر شرق میانه

نیروهای کرد بزرگترین چالش نظامی و مواجهه نظامی نه تنها در سوریه بلکه در شرق میانه بزرگ می‌باشد. احزاب کردی با حمایت امریکا و کشورهای دیگر، قدرت تغییرات بزرگ را در شرق میانه خصوصاً در عراق، سوریه، ایران و ترکیه دارند. از سال‌های متمادی کردها در سوریه، عراق، ایران و ترکیه از حقوق شان محروم می‌باشند. نظام‌های استبدادی در شرق میانه کردها را در جمله باشندگان درجه دوم حساب می‌کنند. کردها برای رسیدن به حقوق مدنی و شهروندی و تساوی حقوق، استقلال ذاتی قربانی‌های زیادی را متحمل شده‌اند، تا جایی که اسلحه‌های بیولوژیکی علیه‌شان استفاده شد.

کردها با آنکه در کشورهای ذکر شده اقلیت را تشکیل می‌دهند، اما در بین خود نیز متفق نیستند. به اساس مذهب (شیعه و سنی)، چپ، راست، مسلمان و .. تقسیم شده‌اند، با این مشکلات امکان وحدت بین جنبش کردها دیده نمی‌شود.

عراق: جنبش کردهای عراق عمدتاً با نام جنبش ملی کردستان عراق شناخته می‌شود. این جنبش شامل احزاب و گروه‌های مختلفی است که به هدف خودمختاری و حقوق مدنی در عراق مبارزه می‌کنند و به احزاب مختلف تقسیم می‌شوند.

1. حزب دموکرات کردستان (KDP)، به رهبری مسعود بارزانی است. این حزب یکی از مهمترین و قدیمترین احزاب کردستان عراق است. مسعود بارزانی رابطهٔ نزدیک با رئیس ترکیه اردوگان دارد. منافع اقتصادی و سیاسی عامل مهم در نزدیکی بین مسعود بارزانی و ترکیه است.
2. اتحادیه میهنی کردستان (PUK)، به رهبری جلال طالبانی.
3. جنبش گوران (تغییر) حزب اصلاح طلب در سال 2009 تأسیس شده است.
4. اسلام گرا، مانند حزب جماعت اسلامی کردستان و اتحاد اسلامی کردستان. این دو حزب از ایدئولوژی اخوان المسلمین پیروی می‌کنند.
5. پشمرگه: نیروی نظامی کردها که در مبارزات مختلف برای خودمختاری و استقلال فعالیت داشته است.

جنبش کردها از دهه 1940 به اشکال مختلف از جمله قیام مسلحانه و مبارزات سیاسی برای خود مختاری قیام نمودند.

ترکیه: احزاب کرد ترکیه معمولاً به نام‌های مختلفی شناخته می‌شوند. مهمترین آنها عبارتند از:

1. حزب کارگران کردستان ترکیه (PKK): این حزب یک گروه مسلح و سیاسی است که از دهه 1980 مبارزه مسلحانه را علیه دولت ترکیه براه انداخته است. حزب PKK به عنوان یک حزب مخالف دولت ترکیه شناخته می‌شود و در فهرست گروه‌های تروریستی بسیاری از کشورها قرار دارد.
2. حزب دموکراتیک خلق ها (HDP): این حزب یک حزب سیاسی کرد

- است که در پارلمان ترکیه نمایندگان دارد. HDP به دنبال حقوق بیشتر برای اقلیت‌ها و خصوصاً کردهاست و به عنوان یک حزب مترقی و چپ‌گرا شناخته می‌شود.
3. حزب دموکراتیک کردستان ترکیه (DKP): این حزب نیز یکی از احزاب کرد ترکیه است که در گذشته فعالیت‌هایی در راستای حقوق کردها داشته است.
 4. حزب مناطق دموکراتیک (DBP): بیشتر در مناطق محلی و کردنیشن فعالیت دارد و بر خود مختاری محلی تأکید دارد.
 5. حزب چپ سبز (YSP): پس از فشار دولت بر HDP، بسیاری از اعضای این حزب به حزب چپ سبز پیوستند.
- ایران:** احزاب کرد در ایران نقش مهمی در صحنه سیاسی بین کردها و ایران دارد. مهمترین احزاب کرد در ایران عبارتند از:
1. حزب دموکرات کردستان ایران (PKDKI): این حزب در سال 1945 تأسیس شد.
 2. حزب حیات آزاد کردستان (PJAK): شاخهٔ ایرانی حزب کارگران کردستان (PKK) است.
 3. حزب آزادی کردستان (PAK): حزب ملی‌گرای کرد که خواستار حقوق کردها در ایران است و در فعالیت‌های مسلحانه نیز مشارکت داشته است.
 4. حزب سوسیالیست کردستان ایران: این حزب به تفکرات سوسیال دموکراتیک گرایش دارد.
- نیروهای دموکراتیک سوریه (قسد)¹**

نیروهای دموکراتیک سوریه (قسد) برخلاف تمامی احزاب کردی به اسم

¹ . اصطلاح «قسد» که مخفف (قوات سوريا الديمقراطية) (نیروهای دموکراتیک سوریه) است. هر جا که اصطلاح قسد استفاده میشود، معنی نیروهای دموکراتیک سوریه را افاده می‌کند.

حزب سیاسی یاد نمی‌شود. قسد مهمترین بازیکن اصلی در ساحه شرق میانه است.

قسد به تاریخ 10 اکتوبر 2015 اعلان موجودیت کرد و خود را به نام «تشکل ملی برای تمام مردم سوریه که شامل کردها، عرب‌ها، ترکمان و سریانی‌ها» معرفی کرد. مؤسسان قسد هدف از ایجاد و هدف اصلی آن را مبارزه با دولت اسلامی (داعش) و آزاد ساختن مناطق بزرگی که افراطی‌ها بدست آورده اند اعلام داشت.

نیروهای دموکراتیک سوریه بازیگر پیچیده نه تنها در سوریه بلکه در شرق میانه می‌باشند. قسد به عنوان تهدید نظامی توانمند و با حمایت مستقیم امریکا نقش تعیین کننده‌ای را در آینده شمال و شرق سوریه که مرکز اقتصادی و منابع انرژی است ایفا می‌کند. قسد با امکانات نظامی و اقتصادی و حمایت قوای بزرگ جهانی خطر بزرگ برای کشورهای همسایه سوریه خصوصاً ترکیه و عراق می‌باشد. ترک‌ها و حکومت بغداد متوجه این خطر می‌باشند و خطر حقیقی از جانب قسد سبب نزدیکی بین انقره و بغداد شده است.

از نظر سیاسی و حزبی، قسد یک نیروی نظامی تحت نفوذ PYD و نزدیک به ایدلوجی PKK است و هدف آن ایجاد خود مختاری در شمال و شرق سوریه می‌باشد. اگر با حمایت امریکا قسد بتواند به خواسته‌های خود برسد، بدون شک می‌تواند مشکلات بزرگ امنیتی را برای ترکیه و سوریه و عراق به وجود آورد. آینده قسد در منطقه ارتباط مستقیم به حمایت امریکا و بازیگران منطقه‌ای در آینده دارد و نمی‌توان در وقت حاضر حرف اخیر را گفت؛ به دلیل اینکه حوادث جاری به سرعت در حالت وقوع و تغییر است، و برای محقق و تحلیلگر مشکل است تا نتیجه نهائی را اعلان کند.

نیروهای دموکراتیک سوریه (SDF) در زمانی تشکیل یافت که امریکا و

متحدین آن و ائتلاف بین المللی علیه داعش فعالیت داشتند. قسد مبارزه با داعش را پیش گرفت و هدف و مصالح مشترک سبب شد تا ائتلاف بین المللی به زعامت امریکا نیروهای قسد را تقویت مادی و نظامی و سیاسی نمایند تا اینکه قسد به یکی از نیروی قوی تبدیل شد.

امریکا مستقیماً قسد را بعد از اعلام موجودیت در شمال سوریه، کمک نظامی و لوژستیکی کرد. سخنگوی قیادت عسکری وسط امریکا بعد از اعلام موجودیت قسد با همکاری ائتلاف بین المللی 50 تن اسلحه را تسلیم نیروهای قسد نمود.

امریکا و ائتلاف بین المللی، قسد را قسمی معرفی نمودند که متشکل از تمام افراد ملت سوریه است. و اما ستون فقرات قسد را، حمایت مردم (YPG)، و واحدهای حمایت زن (YPJ) که امتداد از حزب کارگر کردستان (PKK) است تشکیل می دهد، به عبارت دیگر قسد با اینکه به صفت تنظیم سوری و متشکل از تمام اقوام و نژاد در سوریه معرفی می شود، اما در اصل تنظیم کاملاً کردی می باشد و کردها بر قسد تسلط کامل دارند.

با ختم مبارزه با داعش در سوریه و عراق، تا هنوز قسد خود را به جهان به صفت یکی از مهمترین تشکیلات های نظامی علیه داعش می داند و نگهداری تمام زندان هایی که تعداد زندانیانش به هزاران تن می رسد را در اختیار دارد. مبارزه با داعش و نگهداری زندان ها یکی از مهمترین وسایل برای ادامه حیات قسد و حمایت مالی و نظامی امریکا در منطقه شرق میانه می باشد و امریکا با تمام امکانات تا هنوز از قسد حمایت دارد، و حمایت از قسد مهمترین نقطه اختلاف سیاسی بین ترکیه و امریکا و امریکا و نظام جدید در سوریه است.

در بین گروه های سوریه، قسد امتیازات اقتصادی بیشتر دارد. قسد تسلط مطلق در مناطق نفتی شمال شرق سوریه دارد و همچنان ائتلاف بین المللی سالانه میلیون ها دالر برای تقویت قسد می پردازد.

عقیده قومی و ایدولوژیکی عامل دیگر قوت قسد شده است. قسد عبدالله اوجلان را رمز مقاومت و آزادی می داند و در عقاید خود از روش حزب کارگر کردستان پیروی می کند. قسد با فکر سوسیالیستی و قومی علیه ترک ها می جنگد.¹

مطالعات مرکز جسور (Jusoor) در سال 2023 گزارش می دهد که تمرینات نظامی افراد (یات / YAT) شاخه ای از قسد را قوای امریکا و ائتلاف بین المللی به دوش دارند.²

امریکا از پایگاه های نظامی خود، قوای دموکراتیک (قسد) را حمایت می کند و همچنان علیه داعش و القاعده از قسد استفاده می شود، بعضی اوقات قسد مانع پیشرفت و تقدم مبارزین سوریه نیز می شد. سیاست نظامی امریکا در سوریه سبب مخالفت های شدید بین انقره و واشنگتن است. انقره حزب دموکراتیک (قسد) را تنظیم تروریستی می داند در حالی که امریکا (قسد) را در مقابل داعش و القاعده حمایت سیاسی، اقتصادی و نظامی می نماید.

سرنوشت قوای نظامی دموکراتیک «قسد» در سوریه

رئیس ترکیه در جلسه پارلمان ترکیه به تاریخ اول اکتوبر 2024، حکومت نتنیاها را متهم به توسعه و سیاست توسعه طلبانه نمود. او گفت: اداره

¹ . باسل المحمد، الجزيرة 2025/29/1.

² . جسور یک مؤسسه تحقیقاتی مستقل که در ساحه مدیریت اطلاعات و تهیه مطالعات و تحقیقات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی تخصص دارد. از طرف مرکز تحقیقات زیاد در موارد مختلف راجع به سوریه به نشر رسیده است. محققین در تحقیقات شان راجع به شرق میانه میتوانند از این مرکز استفاده کنند.

Jsoor. com/ and , X. com, and ar. ar. facebook. com

برای مشاهده ویدئوها و مطالب چند رسانه ای مرتبط به مرکز می توانید به کانال یوتیوب مرکز جسور لدراسات مراجعه کنید.

اسرائیلی با عقیدهٔ دینی می‌خواهد کشور ما را بعد از فلسطین و لبنان اشغال کند. نتنیاهو اراده و خیال دارد تا «اناضول» را اشغال کند. ما مراقب جدی حملات اسرائیل بر فلسطین و لبنان بوده و آن را زیر نظر داریم. اسرائیل می‌خواهد تا شمال عراق و سوریه را با استفاده از تنظیمات جدایی طلب اشغال و ضمن خاک اسرائیل اعلان کند.¹ هدف و مقصد رئیس ترکیه از تنظیمات جدایی طلب تنظیمات کردی و به خصوص قسد است. اسرائیل و امریکا از حزب دموکراتیک «قسد» در سوریه حمایت نظامی و سیاسی می‌کنند.

یگانه قوه‌ای که در سوریه با اسرائیل و امریکا نزدیک و همکار است، نیروهای دموکراتیک سوریه (قسد) و مبارزین کرد می‌باشند. اسرائیل با داشتن تمام امکانات، کردها را علیه جنبش آزادی خواه اسلامی در سوریه و ترکیه تقویت نظامی می‌کند.

مصاحبهٔ مسئول خارجی قسد خانم «الهام أحمد» با روزنامه «اوروشلم پوسست / The Jerusalem Post» تاریخ 2 فبروری سال جاری، عمق فکری و روابط قوی بین اسرائیل و قسد را نشان می‌دهد. خانم الهام احمد می‌گوید که اسرائیل نقش مثبت و فعال را در حل مشکلات منطقه دارد. او اضافه می‌کند «امنیت سوریه نیاز به مداخله اسرائیل دارد». و «لازم است تا اسرائیل جزئی از حل امنیت شرق میانه در حالت بلند رفتن مشکلات بین نیروهای دموکراتیک سوریه و زمامداران اسلامی در دمشق باشد».²

امریکا حمایت کننده حزب دموکراتیک سوریه دو راه در پیش دارد:

¹ . الاناضول (اناتولی) به منظره ای در ترکیه اشاره دارد که در زبان عربی به آن «الاناضول» گفته میشود. اناتولی (Anatolia) بخش از آسیای غربی است که بیشتر از 90 درصد مساحت این کشور را تشکیل می دهد. این اقلیم در عقائد یهودی جزء از سرزمین اسرائیل می باشد.
² . عربی 21، 2 فبروری 2025، به نقل از جیرواز شلیم.

حمایت قسد یا مخالفت با ترکیه یکی را باید انتخاب کند. سیاستمداران امریکا به این عقیده اند که نباید به خاطر قسد، ترکیه عضو مهم ناتو را از دست بدهند. و خیلی ممکن است که کردها، قربانی سیاست امریکا شوند. در سیاست دوست و دشمن دائمی وجود ندارد.

قسد «نیروهای دموکراتیک سوریه»، از نظر ترکیه و بعضی کشورهای اروپایی، حرکت تروریستی می‌باشد. سه شنبه 7 جنوری 2025 ترکیه قسد را تهدید کرد. در تهدید ترکیه آمده: اگر قسد شروط انقره را برای توافق با مرحله انتقالی به صورت مسالمت آمیز بعد از سقوط اسد قبول نکند، ترکیه علیه قسد اعلان جنگ می‌دهد. وزیر خارجه ترکیه (هاکان فیدان) اخطار نهائی را برای قسد که از نظر ترکیه تنظیم تروریستی است داد و گفت که ترکیه علیه قسد در سوریه داخل اقدامات نظامی می‌شود. فیدان اضافه کرد که مهلت برای قسد توسط امریکا فرستاده شده است. ترکیه خواهان اخراج کردهای عراق، ایران و ترکیه از سوریه می‌باشد.¹

رئیس رجب طیب اردوگان به صراحت بیشتر (قسد) را تهدید کرد. اردوگان در بیانیه خود دو شنبه 6 جنوری 2025 بعد از ختم مجلس وزرا اظهار داشت: هیچ نیرویی نیست که مانع ما برای دفن تروریست‌ها با اسلحه‌شان زیر زمین شود. او اضافه کرد آنانی که در پهلوی تروریستان و بی امنی سوریه ایستاده شوند نهایت شان مانند نهایت تروریستان خواهد بود.² رئیس ترکیه همچنان امریکا و اسرائیل را متهم به حمایت از تروریستان نمود و در بیانیه خود این دو کشور را نیز تهدید غیر مستقیم کرد.

در مقابل تهدید ترکی، قائد «قسد» مظلوم عبدی، اعلام داشت که با اداره جدید در دمشق برای عدم تقسیم سوریه اتفاق دارد. مظلوم عبدی رهبر

¹ . الجزيرة مباشر، 2025/1/8.

² . لندن، عربی 21 8 جنوری 2025، اخطار نهائی ترکیه برای حمله نظامی علیه «قسد».

نیروهای دموکراتیک سوریه «قسد»، که شمال شرق سوریه را اداره و حمایت امریکا را دارد گفت: تقسیم سوریه وحدت کشور را تهدید می کند. مظلوم عبدی طی نامه‌ای ارسالی به مطبوعات فرانسوی اعلان کرد که اجتماع مثبت و مفید بین رهبران قسد و اداره جدید در آخر ماه دسامبر 2024، در دمشق صورت گرفته بود، هر دو طرف اتفاق برای سلامت و وحدت سوریه دارند. رهبر قسد مظلوم عبدی اضافه نمود که با اداره جدید به هدف آبادی سوریه همکاری می کند.¹

قسد از مسأله داخلی سوریه فراتر رفته و به مشکل منطوقوی و حتی بین المللی تبدیل شده و استقرار و امنیت منطقه را به مخاطره انداخته است. به احتمال زیاد اگر قسد داخل نظام جدید نشود و ملیشه‌های قسد با قوای وزارت دفاع مدغم نشوند و قسد از تنظیم نظامی به حزب سیاسی تبدیل نشود، احتمال جنگ در منطقه حتمی است و ترکیه با همکاری نظام جدید با موافقه امریکا و یا در مخالفت با امریکا علیه ملیشه‌های قسد داخل جنگ می شود. ترکیه موجودیت قسد و گروه‌های مسلح کرد را علیه منافع علیا خود می داند.

سیاست ترکیه در ساحه سوریه و شرق میانه ناپایدار و اکثراً مرتبط به تحولات نظامی و سیاسی خصوصاً بعد از مداخله نظامی روسیه از نیمه اول دهه گذشته و حمایت امریکا از برنامه خودمختاری برای کردها دارد. ترکیه از نظر جهان بزرگترین منفعت را در تحولات سوریه دارد و انقره نقش کلیدی را در ساختار جدید سیاسی سوریه بازی می کند. عدم استقرار سیاسی و در صورت آغاز جنگ بین گروه‌های داخلی سوریه و مداخلات خارجی در جنگ تسلط و نفوذ ترکیه را در نظام جدید تقویت بیشتر می کند و نظام جدید

¹ . الجزيرة 2025/9/1.

ضرورت و نیاز بیشتر به حمایت ترکیه خواهد داشت.

ترکیه نمی خواهد به صورت مستقیم در ساختار سیاسی سوریه سهم اول را داشته باشد. ترکیه میداند که بازسازی سوریه و موفقیت نظام جدید به همکاری جهانی و خصوصاً کشورهای خلیج عربی بستگی دارد.

انقره بر تشکیل حکومت انتقالی شامل همه طبقات و اقوام تأکید دارد و از اداره جدید در دمشق می خواهد تا به تعهدات خود احترام داشته باشد. موفقیت اداره جدید و تحولات سوریه چانس و فرصتی برای کامیابی جیوسپاسی بزرگ برای انقره است. موفقیت اداره جدید، و احترام به تعهداتی که داده، نقش ترکیه را به حیث نیرویی جدید و مرکز تحقق استقرار و صلح در شرق میانه قوی می سازد. اما اگر ترکیه در سیاست های خود در سوریه موفق نشود، موقعیت سیاسی و نظامی ترکیه صدمه بزرگ می بیند، با توجه با این یکه اکثر کشورهای خلیج عربی خصوصاً اسرائیل از نفوذ ترکیه در شرق میانه تشویش دارند.¹

مشکل سوریه، عادی و ساده نیست، مشکل بزرگ منطقوی و جهانی می باشد. سوریه به میدان مبارزه سیاسی و نظامی تبدیل شده است. رسیدن اسلام گرایان به قدرت، اکثر کشورهای دنیا و خصوصاً کشورهای خلیج عربی را به تشویش انداخته، با این که اخوان المسلمین در قدرت شریک نیست، نظام های کشورهای عربی به این باور اند که اگر اداره جدید انتخابات را بپذیرد در این صورت ممکن است اخوان المسلمین با رأی دموکراتیک همان گونه که در مصر صورت گرفت به قدرت برسد.

آینده نیروهای دموکراتیک سوریه «قسد»

برای حل معضله و آینده قسد بازی کنان در ساحه شرق میانه سه سناریو

¹ . محمود علوش، 2025/29/1.

را پیشبینی می کنند.

سناریوی اول: وزیر خارجه اسبق عراق «هوشیار زیباری» وجود جنگجویان حزب کارگر ترکیه (PKK) را در قسد حقیقت می داند. وزیر خارجه ترکیه «هاکان فیدان» پیشنهاد انحلال تنظیم قسد را به صورت نهایی می خواهد. پیشنهاد ترکیه مورد تأیید نظام جدید سوریه نیز می باشد. قبول پیشنهاد انحلال از جانب قسد مشروط به موافقه امریکا است، دیده شود که استراتژی رئیس جمهور ترامپ موافق به این نظر و پیشنهاد است یا خیر.

سناریوی دوم: انضمام قوای قسد به وزارت دفاع، ولی به شکل انفرادی نه به شکل گروهی مانند گروه های مسلح دیگر. اما تطبیق این سناریو به دلیل عدم پذیرش قسد غیر عملی می باشد. رهبر قسد «مظلوم عبدی» به صراحت اعلام داشت که قوای قسد به شکل جمعی و گروهی داخل تنظیم جدید نظامی می شود، نه به صورت انفرادی.

سناریوی سوم: حفظ و قبول شرایط حاضر؛ این مورد از ناحیه نظری ممکن است، اما ممکن نیست اداره جدید در دمشق آن را بپذیرد و به حالت موجوده و حاضر بدون تغییرات راضی باشد.

قبول اوضاع موجود به این معنی است که ولایت «الرقه و الحسکه» و قسمتی از ولایت «دیر الزور» خارج اداره دولت باشد، این سناریو تقسیم سوریه را بین اطراف داخل سوریه حتمی می سازد.

حل مشکل قسد ارتباط مستقیم به تفاهم امریکایی — ترکی در مسأله سوریه دارد. امریکا و ترکیه باید در مورد شمال سوریه به تفاهم و اتفاق برسند. مهمترین مورد در این تفاهم، موضوع زندان های شمال سوریه می باشد، در زندان های شمال سوریه هزاران تن از افراد داعش زندانی هستند و قسد به وکالت از امریکا از زندان ها سرپرستی و نگهداری می کند. امریکا در مقابل

نگهداری از زندان‌ها از قسد حمایت مالی و لوژستیک می‌کند.

آقای مسعود بارزانی، رئیس حزب اتحاد دموکراتیک کردستان عراق با ترکیه رابطه قوی و استراتژیک دارد. او در ملاقات با رئیس قسد مظلوم عبدی، دعوت به تفاهم با اداره جدید نمود و از مظلوم عبدی خواست تا از حزب کارگر ترکیه (PKK) فاصله بگیرد. ادامه سیطره قسد بر شمال شرق سوریه، جنگ داخلی و تقسیم سوریه را حتمی می‌سازد.¹

در نهایت می‌توانیم به این نتایج برسیم که:

1. افزایش تنش بین قسد و دمشق، در صورت عدم توافق بین دولت سوریه با قسد، ممکن است روسیه قوای قسد را زیر فشار نظامی و سیاسی قرار دهد.
2. تهاجم ترکیه، ترکیه چنانکه در صفحات گذشته بیشتر وضاحت داده شد، قسد را به عنوان یک تهدید امنیتی می‌بیند و احتمال دارد برای تضعیف این گروه عملیات نظامی جدیدی را علیه آن انجام دهد، مشابه حملات قبلی در مناطق شمال سوریه.
3. ایالات متحده تا کنون از قسد حمایت می‌کند، اما سیاست واشنگتن در قبال سوریه در حال تغییر است. در صورت تشدید درگیری‌ها، ممکن است از قسد در برابر حملات داعش و برخی تهدیدهای منطقوی حمایت کند. مداخله آمریکا مشکلات بیشتری را برای منطقه به وجود می‌آورد و رابطه آمریکا با ترکیه و دولت جدید سوریه به غیر عادی تبدیل خواهد شد، و همچنان کشورهای اروپایی در حمایت آمریکا از قسد حمایت نخواهند کرد. می‌توان گفت که میزان حمایت آمریکا از قسد بستگی به تحولات میدانی و تصمیمات استراتژیک واشنگتن دارد. و سیاست‌های آمریکا همیشه ثابت نبوده، در حالات مختلف قابل تغییر می‌باشد.
4. در صورت عدم توافق بین قسد و حکومت جدید سوریه، ممکن است

¹. سمیر العرکی، محقق در شئون ترکیه، الجزيرة 2025/28/1.

بی‌ثباتی در سوریه و کشورهای همجوار آن بیشتر شود، و داعش از بی‌ثباتی استفاده نموده فعالیت‌های خود را بیشتر سازد، در این صورت مداخلات بازیگران خارجی بیشتر می‌شود.

فرصت‌ها و چالش‌های پیش روی افغانستان

دانشمندان و نخبگان کشورهای اسلامی در این اواخر بحث‌های جالبی را در موضوع شرق میانه و تحولات آن تقدیم کردند، اما متأسفانه نخبگان و روشنفکران افغانستان در بدل اینکه بحث در موضوع شرق میانه جدید “New Middle East” و تأثیرات آن را بر افغانستان بحث و تحقیق نمایند، خود و ملت را مشغول امور ثانوی کردند، این روش بدون شک به نفع استعمار معاصر و عدم ثبات سیاسی و وحدت اراضی افغانستان می‌باشد.

تعدادی از محققین و تحلیل‌گران افغان مشکلات سیاسی و امنیتی افغانستان را ارتباط مستقیم به مداخلات پاکستان در امور داخلی افغانستان و حمایت نظامیان پاکستان از افراط‌گرایان می‌دانند. همچنین نهضت طالبان را اساس مشکلات افغانستان می‌دانند و در مسائل سیاسی و امنیتی از نقش استعمار نو و اشغال نظامی و مداخلات روسیه و امریکا و همسایه‌های افغانستان به غیر از پاکستان سکوت می‌کنند. متأسفانه محققین و تحلیل‌گران افغان خود را زحمت نمی‌دهند تا پلان‌های سیاسی و استراتژییک

قوای بزرگ معاصر را مطالعه نمایند و نقشه‌های سری و علنی و تقسیم جهان اسلام را توسط قوای بین‌المللی بررسی و مطالعه نمایند و از تجربه‌های جنگ جهانی اول و دوم و تقسیم سرزمین‌های خلافت عثمانی استفاده نمایند.¹

امارت اسلامی افغانستان در مدت سه و نیم سال نتوانست مشروعیت قانونی یا مشروعیت مبتنی بر قانون اساسی را بدست آورد. عدم تدوین قانون اساسی از طرف امارت اسلامی سبب فقدان مشروعیت قانونی نظام است.

همچنان امارت اسلامی نتوانست مشروعیت سیاسی داخلی و مشروعیت بین‌المللی را به دست آورد. چنانچه مشروعیت اقتصادی را نظر به اقدامات غیر قابل قبول ملی و بین‌المللی بدست نیاورد. عدم مشروعیت قانونی، سیاسی و بین‌المللی آینده نظام را به مخاطره می‌اندازد. سقوط نظام جدید در افغانستان با خونریزی شدید و اشغال نظامی مجدد تمام خواهد شد، و هیچ طرف از سقوط نظام جدید منفعت به دست نمی‌آورد. بهترین روش، اصلاح نظام و قبول مشارکت ملی و تدوین قانون اساسی و قبول انتخابات آزاد و احترام حقوق مردم می‌باشد.

سردرگمی‌های نخبگان، سیاسیون و روشنفکران افغانستان مهمترین عامل عدم ثبات در تاریخ معاصر افغانستان است. سیاسیون و روشنفکران افغانستان در سقوط نظام امارت اسلامی متفق‌النظر می‌باشند، اما برای آینده سیاسی افغانستان برنامه مشترک ندارند. عموماً سیاسیون و نخبگان کشور وابسته به سیاست‌های خارجی می‌باشند و کشورهای خارجی ایشان را کنترل و در وقت مناسب مورد استفاده قرار می‌دهند. قابل تذکر است که بحران روشنفکران و سردرگمی سیاسیون یکی از عمده‌ترین مشکلات نه تنها

¹ . روزنامه الجزیره تاریخ 2025/14/1 .

در افغانستان بلکه مشکل عمومی در جهان اسلام می‌باشد.

ممکن است سوال پیش‌شود که افغانستان چه ارتباط به نقشه شرق میانه و تغییرات سیاسی در محیط شرق میانه دارد، از نظر نویسندگان و محققین افغان، افغانستان در وسط آسیا موقعیت دارد نه در خلیج عربی و افغانستان جزئی از شرق میانه نیست.

عنوان بحث شامل افغانستان نیز می‌شود. قبل از ادامه بحث لازم است تا شرق میانه را از ناحیه سیاسی، جغرافیایی و فرهنگی تعریف کرد تا دیده شود که آیا افغانستان در داخل شرق میانه موقعیت دارد یا خیر؟

شرق میانه از نظر جغرافیایی، سیاسی، دینی، مذهبی و اقتصادی

شرق میانه تعریف سیاسی، جغرافیایی، فرهنگی، اقتصادی و دینی دارد، و شامل کشورهای بیشتر می‌شود. زمانی که سخن از شرق میانه به میان می‌آید، عده‌ای تصور دارند که شرق میانه یعنی کشورهای خلیج عربی، درحالی‌که شرق میانه از نظر جغرافیا، اقتصاد و سیاست شامل کشورهای متعدد می‌شود.

اصطلاح «شرق میانه بزرگ / Greater Middle East»، عموماً به منطقه‌ای گسترده‌تر از شرق میانه سنتی اطلاق شده و شامل کشورهای بیشتر می‌باشد.

شرق میانه منطقه‌ای جغرافیایی و فرهنگی است که شامل کشورهای واقع در جنوب غربی آسیا و شمال آفریقا می‌شود. این منطقه به دلیل موقعیت استراتژیک، منابع غنی انرژی (مانند گاز و نفت) و تاریخچه تمدنی غنی، اهمیت بسیاری دارد.

شرق میانه شامل کشورهای ذیل است :

کشور های خلیج عربی: ایران، عربستان سعودی، امارات متحده عربی، قطر، عمان، بحرین، کویت، سلطنت عمان و یمن.

کشور های شرق مدیترانه: ترکیه، سوریه، لبنان، اردن، فلسطین و در حال حاضر اسرائیل، شبه جزیره عربستان و یمن.

کشور های شمال افریقا: مصر، سودان، لیبیا. همچنان کشور های دیگری مانند عراق، افغانستان و حتی قبرص نیز به عنوان شرق میانه در نظر گرفته می شوند.

آسیای مرکزی و جنوبی شامل شرق میانه می شود، مانند: افغانستان، جمهوری های آسیای مرکزی (قزاقستان، قرقیزستان، تاجیکستان، ترکمنستان، ازبکستان).

البانیا با آنکه در جنوب شرقی اروپا موقعیت دارد. با این حال به دلیل داشتن اکثریت مسلمان و نژاد ترک، گاهی در برخی مباحث مرتبط با جهان اسلام ذکر شده و گاهی جزء خاورمیانه حساب می شود.

تقسیم بندی شرق میانه

تقسیم جغرافیایی: شرق میانه شرقی (مانند ایران، افغانستان و پاکستان).

شرق میانه غربی: (مانند سوریه، عراق و اردن).

تقسیم سیاسی: کشور هایی با ساختار سیاسی شاهی (مانند عربستان و سلطنت عمان).

کشورهای جمهوری (مانند ایران و مصر- و باقی کشورهای افریقائی و آسیایی).

تقسیم فرهنگی و مذهبی: کشور های عربی زبان (مانند عربستان و مصر و شمال افریقا).

کشورهای غیر عربی زبان (مانند ایران و ترکیه و افغانستان).

کشورهایی با زبان ترکی و نژاد تورانی .

کشورهایی با اکثریت سنی مذهب و شیعه مذهب .

شرق میانه محل پیدایش تمدن‌های باستانی مانند: سومر، بابل و مصر- و همچنین ادیان بزرگ یهودیت، مسیحیت و اسلام است. این منطقه امروز نیز به دلیل نقش اقتصادی، منابع انرژی و اهمیت ژئوپلیتیکی در جهان جایگاه مهمی دارد.

همچنان علمای جغرافیا جهان عرب را به دو منطقه تقسیم می‌کنند: غرب جهان عرب، شرق جهان عرب. شرق اسلامی و غرب اسلامی، شرق، شرق میانه و غرب شرق میانه. از سرحدات غربی مصر- غرب اسلامی و عربی شروع می‌شود و از سرحد شرقی مصر، شرق عربی و اسلامی شروع می‌شود. همچنان شرق میانه به اساس میزان قوای سیاسی و اقتصادی و نظامی تقسیم می‌شود.

شرق شناسان (مستشرقین) و مراکز تحقیقات شرق شناسی، شرق میانه را تعریف مختلف از تعاریفات دیگران می‌کنند. شرق شناسان و مراکز تحقیقات شرق شناسی، سیاست کشورهای غربی خصوصاً آمریکا را می‌سازند. در بین شرق شناسان داکتر برنارد لوئیس (BERNARD LEWIS)، یک تاریخ‌نگار شرق شناس و برازنده‌ی اصل یهودی بریتانیایی، امریکایی بود. او به دلیل مطالعات گسترده‌اش در زمینه تاریخ اسلام، شرق میانه و روابط غرب با جهان اسلام شهرت داشت. لوئیس نقش مهمی در شکل‌گیری سیاست‌های غرب، به خصوص ایالات متحده، نسبت به شرق میانه داشت.

داکتر برنارد لوئیس شرق میانه را نه فقط بر اساس عوامل فرهنگی، قومی و مذهبی تقسیم بندی می‌کند. او در مطالعات خود، به درگیری‌های داخلی این منطقه، تنوع قومی، مذهبی و سیاسی توجه داشت .

مفهوم شرق میانه از نظر لوئیس: لوئیس بر تنوع قومیتی در شرق میانه تأکید داشت؛ مانند: اعراب: بخش عمده شرق میانه. ایرانی‌ها (فارس ها)، ایران . ترک‌ها، کردهای مناطق ایران، عراق، ترکیه و سوریه. یهودیان: اسرائیل . اقوام کوچکتر مانند: ارمنی‌ها، آشوری‌ها و بربرها.¹

اختلافات مذهبی: لوئیس برنارد معتقد بود که تقسیمات مذهبی تأثیر به سزایی در درگیری‌های منطقه دارند. اقلیت‌های مذهبی مانند: عیسویان، یهودیان، زردشتیان، دروزی‌ها و علوی‌ها.

پدیده ملی‌گرایی و مرزهای مصنوعی: لوئیس اعتقاد داشت که بسیاری از سرحدات شرق میانه (سایکس پیکو) مصنوعی بوده و نتیجه سیاست‌های استعماری است. این سرحدات باعث شده‌اند که تنش‌های قومی و مذهبی تشدید شوند. لوئیس برنارد توجه بیشتر به تقسیم کشورهای شرق میانه به واحدهای کوچکتر داشت و نظریات او در ریاست جورج دابلیو بوش اهمیت خاص برای امریکا داشت.²

اکثر محققین جهان اسلام و شرق میانه، لوئیس برنارد را متهم به جانبداری از غرب و سیاست‌های استعماری می‌کنند. برخی معتقدند که تقسیم بندی

¹ . بربر ها (یا امازیغ ها / Imazighen) یکی از اقوام بومی شما افریقا هستند . آنها در کشورهای مراکش، الجزایر، تونس، لیبیا، موریتانیا، مالی، نیجر و بخش هایی از مصر و بوركینا فاسو زندگی می کنند.

² . ویکی پدیا (نسخه فارسی): برنارد لوئیس - ویکی پدیا .

ویکی پدیا (نسخه انگلیسی): Bernard Lewis - Wikipedia

ترجمه آثار لوئیس در کتابخانه ملی ایران . لوئیس بیشتر از 200 مقاله علمی و 30 کتاب دارد معروفترین تألیفات او عبارت است از:

The Arabs in History / اعراب در تاریخ

The Middle East : A Brief History of the Last , 2,000 Years/ تاریخ خاورمیانه سال 2000 مختصر- گذشته.

مشکل از کجا آغاز شد / What Went Wrong

روزنامه نیویارک تایمز : مقاله ای در باره زندگی و تأثیر او بر سیاست های خاورمیانه:

Bernard Lewis , Influential Scholar of Islam,Dies at 101

لویس و ایده‌های او در سیاست خارجی غربی (به خصوص تهاجم امریکا به عراق و افغانستان) تأثیرات منفی داشته است. در هر صورت نظریات و تقسیم‌بندی لویس برنارد در حالت تطبیق و رشد و قبول جامعه سیاسی غرب و خصوصاً امریکا است. اداره جدید امریکا در تقسیم جهان اسلامی از نظریات لویس استفاده اعظمی می‌کند.

افغانستان به طور تاریخی و اجتماعی بخشی از منطقه آسیای جنوبی و آسیای میانه محسوب می‌شود، اما در تحلیل‌های جیوپولتیکی اخیر، این کشور نقش کلیدی در تحولات شرق میانه و ارتباط با قدرت‌های جهانی ایفا می‌کند. جایگاه افغانستان در نقشه جدید شرق میانه به عوامل ذیل ارتباط و بستگی دارد:

1. موقعیت جغرافیایی و استراتژیک: افغانستان به عنوان پل ارتباط میان آسیای جنوبی، آسیای میانه و شرق میانه، نقش مهمی در ترانزیت انرژی، تجارت و اقتصاد ایفا می‌کند.
2. تحولات سیاسی و امنیتی: تغییرات در ساختار قدرت در افغانستان و تأثیرات بازیگران منطقه (مثل ایران، پاکستان، چین و کشورهای آسیای مرکزی) و قوای جهانی (مثل امریکا، چین، روسیه و هندوستان) بر این کشور، می‌تواند موقعیت آن را در شرق میانه تقویت یا تضعیف کند. افغانستان بحیث کشور اسلامی و دارای نظام اسلامی، می‌تواند تاجکستان، پاکستان و حتی ایران را تهدید کند و نظام‌های فاسد را در این کشورها و دیگر کشورهای آسیای مرکزی به چالش بکشد.
3. نقش در پروژه‌های منطقه‌ای: برنامه‌هایی مانند "کریدور اقتصادی چین-پاکستان (CPEC)" و پروژه‌های انرژی مانند «تاپی» می‌توانند افغانستان را به بخش مهمی از طرح‌های اقتصادی و جیوپولتیکی منطقه تبدیل کنند. اکثر کشورهای جهان موقعیت سیاسی و جغرافیایی افغانستان را می‌دانند و حملات گذشته بر افغانستان نیز به همین سبب

1. بود.
4. موقعیت افغانستان برای چین و هندوستان اهمیت زیاد دارد. خط آهن و راه بری که چین را به شرق میانه و از آنجا به آفریقا وصل می‌کند از افغانستان می‌گذرد. روابط نیک چین با افغانستان می‌تواند برای پروژه‌های چین در شرق میانه و شمال آفریقا موفقیت و همچنین سبب تشویش امریکا و اسرائیل باشد.
5. یکی از اهداف ترامپ برای گرفتن نوار غزه، ساختن بندر بحری و راه بری می‌باشد. ترامپ می‌خواهد برنامه چین را متوقف و یا متضرر کند و برای مانع شدن ساخت راه بری و خط آهن از طریق افغانستان، امریکا پلان دارد تا این راه را از طریق فلسطین و شرق میانه اعمار کند. مانع شدن چین برای رسیدن به بازار شرق میانه و شمال آفریقا تأثیرات منفی را بر افغانستان وارد می‌کند و شرق میانه بیشتر وابسته به اقتصاد امریکا می‌شود.
6. افغانستان به شدت به کمک‌های خارجی برای حل مشکلات اقتصادی و مهاجرین خود در ایران، پاکستان و کشورهای عربی نیاز دارد. تحریم‌های اقتصادی، جنگ‌ها و بحران‌های اقتصادی در این کشورها و شرق میانه به صورت عموم می‌تواند وضعیت اقتصادی و اجتماعی افغانستان را مشکل و دشوار تر کند.
7. رقابت‌های قدرت‌های بزرگ، درگیری‌های شرق میانه می‌تواند باعث افزایش رقابت‌های بین‌المللی شود که ممکن است به طور مستقیم و غیر مستقیم بر افغانستان تأثیر بگذارد، به خصوص در روابط بین امریکا،

¹ . برنامه کریدور اقتصادی چین - پاکستان (CPEC)، China - Pakistan Economic Corridor است. این یک پروژه بزرگ همکاری اقتصادی بین چین و پاکستان است که بخشی از ابتکار یک کمربند، یک راه (Brlt and Road Initiative) چین محسوب می‌شود. هدف اصلی CPEC تقویت زیر ساخت‌ها، حمل و نقل، انرژی و تجارت بین چین و پاکستان است. این برنامه شامل ساخت جاده‌ها، راه‌آهن، بندرمانند (بندر گوادر) نیروگاه‌ها و سایر پروژه‌های توسعه‌ای است. این پروژه برای منطقه خصوصاً افغانستان دارای اهمیت زیادی دارد.

چین، روسیه و کشور های منطقه.

بنابراین، هر گونه تحول در خاورمیانه، چه سیاسی، اقتصادی یا امنیتی، می تواند برای افغانستان اثراتی داشته باشد. و از دولت افغانستان می خواهد تا آمادگی کامل برای مقابله با تحولات در منطقه باشد.

با این حال، افغانستان برای ایفای نقش مؤثرتر در معادلات منطقه ای به دلیل چالش های امنیتی و اقتصادی داخلی، نیازمند ثبات بیشتر است. افغانستان می تواند ثبات سیاسی را در شرق میانه و آسیای مرکزی بوجود آورد و بی ثباتی افغانستان بدون شک تأثیرات منفی را بر شرق میانه جدید و خصوصاً آسیای مرکزی و جنوبی وارد می کند. کشورهای استعماری که در پی تقسیم شرق میانه هستند نمی خواهند افغانستان با ثبات و مستقر و آرام بوجود آید. استقرار و صلح و روابط خوب بین کشورهای شرق میانه به شمول افغانستان و منطقه مانع تقسیم شرق میانه و مانع وجود اسرائیل بزرگ می شود.

بعد از پیروزی آقای ترامپ سیاسیون، حزب جمهوریخواه را به نام حزب ترامپ یاد می کنند. پیروزی در انتخابات ریاست جمهوری، دو مجلس (کانگرس و سنا) و محکمه عالی « U. S. Supreme Court » امریکا به سوی دیکتاتوری راست عیسوی در حرکت است. اداره جدید گروه محافظه کار حزب جمهوری را کاملاً از نظام سیاسی دور ساخت. سیاست جدید امریکا، سیاست تجارتي و استعمار اقتصادی است. قوای لیبرال و محافظه کار در آینده نزدیک، نقش مهم و اساسی را در سیاست امریکا ندارد. کشورهای عربی و اکثر کشورهای اسلامی در آسیا و افریقا در موقعیتی نیستند که بتوانند مانع نقشه جدید شرق میانه شوند. نظام های سیاسی در شرق میانه، به نام نظام های وظیفوی یاد می شوند، به عبارت دیگر وظیفه دارند تا سیاست های امریکا را تعقیب و عملی کنند.

نقشه جدید شرق میانه تحت حمایت امریکا و اسرائیل در حالت شکل‌گیری است. دولت اسرائیل نقشه جدید شرق میانه را رسم و در مدارس خود تدریس می‌کند. در جلسات شورای امنیت ملل متحد و مجالس بین‌المللی صدر اعظم اسرائیل نقشه جدید شرق میانه را که صبغه دینی دارد معرفی کرد و تأیید مطلق امریکا را برای نقشه جدید به دست آورد.

حکومت‌های اسرائیل از مدت‌ها قبل نقشه‌ای را برای اسرائیل بزرگ ترتیب داده بودند. دولت اسرائیل به اساس معتقدات دینی و ارشادات تورات به دنیا و آینده اسرائیل می‌بیند.

سکه‌ای به نام «10 اکورا» در اسرائیل وجود دارد که بروی آن نقشه‌ای حک شده است که به «اسرائیل بزرگ» اشاره دارد. این نقشه شامل سرزمین‌های فلسطین تاریخی، اردن، سوریه و لبنان است.

یاسر عرفات، در سخنانی به این سکه اشاره کرده و گفته بود که در پشت آن، شمعدانی (نماد یهودیان) و در زیر آن، نقشه «اسرائیل بزرگ» قرار دارد که شامل جزیره سینا، تمام لبنان، تمام اردن، دو سوم سوریه، سه چهارم عراق و یک سوم عربستان سعودی تا سرحد مدینه منوره است.¹ نقشه اسرائیل بزرگ خیال بافی سیاسی نیست، پلان وسیع و مطابق به عقائد یهودیت می‌باشد و اسرائیل بزرگ در حال شکل‌گیری است. اسرائیل در حال حاضر با اکثر کشور های افریقایی روابط نظامی دارد. اگر نوار غزه سقوط کند و حماس بحیث یک قوت نابود شود، شرق میانه بدون دیوار می‌شود. یگانه قوه‌ای که می‌تواند دروازه شرق میانه را حمایت و حفظ کند، قوای اسلامی و در رأس آن حماس است.

¹. اصل سکه را می‌توانید در سایت اسرائیل مشاهده کنید. همچنین دیده شود:

MASHREGHNEWS. IR . AND DIDARNEWS. IR / کوشش کردم کاپی نقشه را در این تحقیق بیاورم، اما نتوانستم.

برای تطبیق برنامه‌های جدید و تقسیم کشورهای اسلامی، نشر-بی نظامی، تقویت فکر افراط‌گرایی، قومی، نژادی و مذهبی بین مسلمانان است. اشغال عراق این روش را ثابت کرد. نظام دیکتاتوری صدام حسین سقوط کرد، اما دیکتاتوری مذهبی و نژادی جانشین آن شد که در مقایسه با عصر-صدام خطرناکتر است و عراق از دموکراسی سال‌ها عقب ماند. امریکا وسائیل متعددی برای مبارزه با دیکتاتوری و نشر-دموکراسی داشت اما از این وسائیل استفاده نشد.

اسرائیل و راست افراطی صهیونسم، امریکا را قناعت داد که شرق میانه جدید جز با استفاده از اسلحه و جنگ ممکن نیست، لذا جنگ برای مدت طولانی در شرق میانه ادامه خواهد داشت و آتش آن به افغانستان و کشورهای همسایه افغانستان می‌رسد.

سیاست رئیس‌جمهور ترامپ نسبت به شرق میانه و افغانستان در دوران اول ریاست امریکا، شامل کاهش حضور نظامی ایالات متحده در افغانستان و به طور کل در شرق میانه بود. او پلان اخراج قوای امریکایی را در سال 2021 اعلان کرد و این برنامه و پلان در دوران ریاست بایدن اجرا شد.

حوادث جدید و نقش امریکا در شرق میانه و اشغال نظامی نوار غزه، ادامه جنگ بین فلسطینی‌ها و اسرائیل و مهاجرت اجباری مردم نوار غزه و همچنین اخراج فلسطینی‌های کناره غرب نهر اردن به اردن تشنج و بی‌ثباتی را در شرق میانه بیشتر ساخته است.

اسرائیل سعی دارد امریکا را قناعت دهد تا یکجا با اسرائیل بر ایران حمله نظامی کند. در حمله بر ایران کشورهای خلیج عربی مخالفت ندارند. اگر حمله بر ایران انجام شود، امنیت افغانستان نیز تحت تأثیر قرار می‌گیرد.

در صورت حمله بر ایران، استفاده احتمالی از فضای افغانستان و از خاک

افغانستان برای عملیات نظامی هست، طالبان ممکن است واکنش نشان دهند و این کشور را بیشتر درگیر جنگ کند. به طور کلی، هر گونه تنش نظامی و جنگ در منطقه می‌تواند افغانستان را با چالش‌های جدی امنیتی، اقتصادی و انسانی رو به رو کند، خصوصاً که افغانستان در شرایط کنونی با مشکلات زیادی مواجه می‌باشد. برخی گروه‌های طرفدار ایران در افغانستان خصوصاً لشکر فاطمی بی تفاوت نمی‌مانند. همچنان رقابت‌های منطقه‌ای تشدید می‌شود که هیچکدام به نفع افغانستان نیست.

ایران به عنوان یکی از بازیگران مهم شرق میانه، روابط خوب با امارات اسلامی دارد، همچنان تأیید و همکاری شیعیان و لشکر فاطمی را دارد. اگر حملات زمینی بر ایران صورت گیرد افغانستان مرکز این حملات خواهد بود. با روابط خوب ایران با امارت اسلامی، ایران در موقف طالبان نسبت به خود شک دارد. در کنفرانس تهران و ملاقات با مسئولین وزارت خارجه و آقای «ابو الفضل ظهروند» مسئول دسک افغانستان در دوره اول امارت اسلامی، فهمیدم که حکومت ایران، حرکت طالبان را قوای سنی و متحد امریکا علیه ایران می‌داند و جای شک نیست که ایران تا هنوز به همین فکر خواهد بود. آقای ظهروند به صراحت در هوتل حیات ریجنسی که به نام هوتل آزادی بزرگ یاد می‌شود برایم گفت که حرکت طالبان، یک حرکت سنی و همکار امریکا علیه ایران است. همین برداشت از امارات اسلامی در آن زمان سیاست خارجی ایران را می‌ساخت.¹

اگر امریکا سیاست دشمنانه را علیه گروه‌ها و احزاب اسلامی، افراطی و معتدل در شرق میانه پیش گیرد، امارت اسلامی ممکن است با فشارهای

¹ . آقای ظهروند سفیر ایران در ایتالیا و افغانستان، و مشاور رئیس جمهور در امور افغانستان بود. زمانیکه بحيث سفیر برای افغانستان تعیین شد، در یک برنامه زنده در تلویزیون آریانا (آقای مسکینیار) گفتم که اگر من رئیس افغانستان می بودم با تعیین او مخالفت میکردم .

اقتصادی و سیاسی بیشتری مواجه شود و مخالفین طالبان و گروه‌های شمال بیشتر در خدمت امریکا قرار گیرند. این امر می‌تواند باعث تشدید بحران اقتصادی و سیاسی در افغانستان شود، و افغانستان به قدرت‌هایی مانند چین، روسیه، ایران و هند نزدیکتر شود.

روابط امریکا با پاکستان در یک حالت قرار ندارد، پاکستان نقش کلیدی را در تحولات افغانستان دارد. اگر واشنگتن سیاست فشار بر اسلام‌آباد را پیش گیرد، احتمالاً پاکستان روابط خود را با امارت اسلامی و کشورهای منطقه بیشتر تقویت کند. این روش بر ثبات افغانستان تأثیر وارد می‌کند.

تحولات جدید در شرق میانه و سیاست امریکا برای منطقه و نقشه جدید برای شرق میانه، موجب تغییر موازنه یا توازن قدرت در افغانستان می‌شود. سیاست‌های شدید رئیس ترامپ علیه ایران و روابط غیر حسنه با چین و اخراج فلسطینی‌ها از خاک شان و احتمال تغییر در نظام‌های بعضی کشورهای عربی و در حال تمرکز امریکا بر منافع خودش می‌تواند افغانستان را در معاملات منطقه‌ای بیشتر وابسته به قدرت‌های دیگر سازد، خصوصاً ایران، چین و هندوستان. وابسته شدن به قدرت‌های منطوقی به نفع افغانستان نیست و افغانستان بحدیث یک کشور فقیر قدرت مقاومت و بازی‌های بزرگ سیاسی را ندارد.

افغانستان احتیاج به حکومت سالم، قانون اساسی مبتنی بر شریعت اسلامی، بیطرفی در قضایای منطوقی و بین‌المللی، حفظ ثبات داخلی، تساوی حقوق و قبول شهروندی دارد.

روابط متوازن با کشورهای همسایه خصوصاً هند و پاکستان و ایران و کشورهای آسیا میانه به نفع افغانستان است. جلوگیری از مداخلات خارجی می‌تواند افغانستان را از میدان و ساحه جنگ‌های نیابتی حفظ کند. جلوگیری از مداخلات خارجی مستلزم وحدت ملی می‌باشد. عدم وحدت ملی

و عدم تحمل مسئولیت مشترک، افغانستان را به میدان جنگ‌های نیابتی تبدیل می‌کند و ما این تجربه را قبلاً تکرار نمودیم.

افغانستان برای هندوستان و پاکستان مهم است و هر دو کشور توجه به افغانستان دارند. افغانستان عمق استراتژی پاکستان می‌باشد. اگر بین هند و پاکستان تصادم نظامی صورت گیرد، ممکن است اسلام آباد سقوط کند و پاکستان برای عقب نشینی به غیر از افغانستان جای دیگری ندارد. هندوستان از افغانستان می‌خواهد که جانب او را بگیرد و از پاکستان فاصله داشته باشد. سیاست بی طرفی ممکن در عین وقت باعث ایجاد تنش‌های دیپلوماتیک بین افغانستان و همسایه‌ها شود.

اما در شرایط کنونی بی طرفی بهترین گزینه برای افغانستان است. به دلیل اینکه افغانستان هنوز در حالت بازسازی و ثبات داخلی است. جنگ بین دو همسایه هسته‌ای می‌تواند عواقب نا مطلوب داشته باشد. افغانستان با موقف بی طرفی سالم می‌تواند میانجی‌گر خوب بین پاکستان و هندوستان باشد.

بعضی احزاب سیاسی دوران جمهوریت و تعدادی از احزاب جهادی که در خارج افغانستان اقامت اختیار کرده‌اند به این عقیده و باور می‌باشند که حکومت جدید امریکا موقف شدید علیه امارت اسلامی می‌گیرد و ممکن نظام امارت اسلامی را مانند گذشته سقوط دهد و در این صورت به همکاری مخالفان طالبان مثل گذشته ضرورت خواهد داشت.

امریکا واقعیت‌های نظامی افغانستان و روابط غیر رسمی کشورهای مختلف را با امارت اسلامی بهتر از سیاسیون و احزاب سیاسی افغانستان می‌داند. سیاسیون خارج از کشور متأسفانه واقعیت‌های عینی افغانستان را یا صحیح درک نکرده‌اند و یا این که نمی‌خواهند درک کنند. ملت افغانستان تجربه‌های ناکام احزاب سیاسی و احزاب جهادی را فراموش نکرده‌اند.

امریکا با همکاری ائتلاف بین‌المللی، در سال 2001 به افغانستان حمله کرد و در نتیجه آن، حکومت امارت اسلامی سقوط کرد. سپس در دسامبر 2001 کنفرانس بن (جرمنی) برگزار شد و بن حکومتی را تشکیل داد که امریکا می‌خواست.¹

امریکا افغانستان را به طور امانت به گروه‌های شمال و شخصیت‌های با اطمینان خود تسلیم کرد. مدت بیست سال جمهوری اسلامی را حمایت و تجربه نمود. بعد از بیست سال زمامداران افغانستان امانت را طوری که تسلیم شده بودند دوباره تسلیم کردند و از افغانستان خارج شدند.

امارت اسلامی دور دوم در مقایسه با دور اول کاملاً متفاوت است و عوامل متعدد و مؤثری، امارت اسلامی دوم را نسبت به مرحله اول قوت بیشتر داده است که می‌توان عوامل را به نقاط ذیل خلاصه کرد:

اول) تجربه نظامی و تسلیحاتی، طالبان بعد از خروج امریکا بیشتر شده و طالبان سلاح‌های پیشرفته و توانایی دفاعی بیشتر را دارند. رئیس ترامپ اعلام داشت که اسلحه‌های امریکایی را از افغانستان به زور و یا با پرداخت پول به دست می‌آورد. اجرای این کار یعنی گرفتن اسلحه از امارت اسلامی عملی نیست.

دوم) احزاب جهادی و اتحاد شمال در حال حاضر قوت و نفوذ زیاد در داخل افغانستان قسمی که در دوران جهاد و اشغال امریکا داشتند ندارند تا بتوانند با طالبان به صورت مستقل داخل جنگ و برنده شوند. از جانب دیگر موقف زعمای جهادی و سیاسی نسبت به گذشته بین مردم بسیار ضعیف

¹ . هر قدر کوشش نمودم تا شورای قبرص در کنفرانس بن اشتراک نکند، موفق نشدم، آقای ظهورند با همکاری جریر نماینده ای حزب اسلامی، با عده در کنفرانس بن به نمایندگی شورای قبرص اشتراک کردند. من احتجاجاً اشتراک نکردم. بعداً در کنفرانس لندن که علیه جنگ و حمله بود اشتراک نمودم و داکتر صاحب قیوم کوچی از امریکا نیز اشتراک داشت.

گردیده و ضمناً اتحاد نظر بین زعمای سیاسی وجود ندارد و وفات بعضی رهبران جهادی و کبر سن یک تعداد دیگر سبب ضعف و ناتوانی مخالفین طالبان شده است.

سوم) امارت اسلامی حمایت منطقه‌ای را دارد و به طور غیر مستقیم از جهات مختلف کمک و حمایت نظامی و سیاسی و اقتصادی می‌شود.

چهارم) اگر امریکا تصمیم به حمله داشته باشد، احتمالاً از حملات هوایی استفاده خواهد کرد. حملات هوایی می‌تواند چالش بزرگ برای امارت اسلامی افغانستان باشد، اما از نظر و منطق عسکری حملات هوایی بدون اینکه عسکر در زمین باشد نتیجه مثبت ندارد. امریکا در وقت حاضر در شرق میانه و چین مشغول است و فرصت و امکانات ارسال نظامیان را به افغانستان ندارد.

اگر امریکا حمله محدود هوایی انجام دهد، طالبان ممکن است بتوانند مقاومت کنند. اما اگر حملات گسترده باشد، در این حالت امارت اسلامی در دراز مدت با مشکلات جدی مواجه خواهد شد، اما سقوط نمی‌کند و نیروهای جهادی طالبان به جنگ‌های چریکی ادامه می‌دهند و امریکا بعد از چند دهه بدون نتیجه از افغانستان خارج می‌شود. افغانستان مرکز مخالفین امریکا می‌شود. در هر حالت اتحادیه شمال به جز خرابی و مهاجرت بیشتر هموطنان کدام مفادی به دست نمی‌آورد.

این حالات از سیاسیون و طبقه تعلیم یافته و روشنفکران افغانستان می‌خواهد بیشتر متوجه کشور باشند و در خدمت استعمار معاصر قرار نگیرند. متأسفانه حرکت طالبان (امارت اسلامی) درایت کامل از تغییرات جدید که در جهان جریان دارد را ندارد و با سیاست تشدد و مخالفت با تعلیم زنان، عدم تدوین قانون اساسی و قبول مشارکت، ساحه را بیشتر آماده مشکلات و تصادمات نظامی و مداخلات خارجی می‌سازد.

مناسب‌ترین روش سیاسی برای افغانستان، حفظ تعاملات سیاسی و اقتصادی با آمریکا و غرب و عدم مداخله در امور کشورهای همسایه است. این سیاست زمانی به نتیجه می‌رسد که حکومت افغانستان حمایت داخلی و بین‌المللی را کسب کند.

از جانب دیگر رسیدن راست افراطی یهودی در فلسطین اشغالی و اروپا زنگ خطر برای جهان سوم به طور عموم و کشورهای خلیج عربی و اسلامی می‌باشد و افغانستان از این خطر نمی‌تواند دور ماند.

افغانستان در بین کشورهایی که توسط نظام‌های استبدادی و دیکتاتوری اداره می‌شوند موقعیت دارد. این وضعیت همیشه افغانستان را تهدید می‌کند. کشورهای شمال افغانستان از نظام قوی اسلامی در کابل خوف دارند، و ترس ایشان از قیام مردم شان علیه نظام‌های استبدادی می‌باشد. اگر حکومت افغانستان اراده کند می‌تواند نظام‌های سیاسی و استبدادی کشورهای شمال افغانستان و پاکستان را تهدید مستقیم کند.

جای شک نیست که پاکستان و همسایه‌های افغانستان مصلحت و منافع سیاسی‌شان را را بالاتر از تمام اعتبارات دیگر می‌دانند و در ساحه سیاسی زعمای هر کشور منافع سیاسی و مصلحت نظام را بالاتر از منافع و مصلحت کشور دیگر و حتی باشندگان کشور شان می‌دانند. زعمای سیاسی و حکام کشورهای همجوار افغانستان کشورهای شان را برای منافع شخصی و خانوادگی و افسران عالی‌رتبه به کار گرفته‌اند.

افغانستان برای پاکستان عمق استرتیجیک است، در حالت بروز جنگ با هندوستان، پاکستان برای عقب نشینی جز افغانستان جای دیگری ندارد. همچنان پاکستان عمق استراتیژیک افغانستان به حساب می‌آید و تجربه دوران جهاد این حقیقت را ثابت کرد.

روابط سیاسی بین پاکستان و هندوستان همیشه در حالت تشنج است و احتمال جنگ اتمی بین دو کشور می‌رود. هند بحیث نیروی بزرگ اقتصادی و نظامی در هر وقت می‌تواند امنیت پاکستان را مختل و اراضی پاکستان را اشغال کند. افغانستان به دلیل موقعیت استراتژیک و روابط پیچیده با کشورهای همسایه، می‌تواند به عنوان بازیگر مهمی در تحولات منطقه‌ای در صورت وقوع جنگ بین هند و پاکستان نقش داشته باشد.

در صورت جنگ، افغانستان با موقعیت جغرافیای خود، به عنوان محل عبور یا مانع از حملات نظامی مورد توجه قرار می‌گیرد. همچنین باتوجه به وضعیت سرحدات پرتنش افغانستان، درگیری‌ها ممکن است بر تحرکات گروه‌های افراطی و شورشی تأثیر بگذارد.

همچنان افغانستان در همکاری‌های منطقه‌ای، ممکن است به دنبال بهره‌برداری از روابط تاریخی و فرهنگی خود با پاکستان برای کاهش تنش‌ها یا افزایش همکاری‌ها با هند در زمینه‌های اقتصادی و امنیتی باشد.

پاکستان با سیاست امریکا در موضوع افغانستان اتفاق کامل دارد و سیاستمداران پاکستان خصوصاً قوای نظامی پاکستان کاری را نه در پاکستان و نه خارج از مرزهای پاکستان بدون همکاری امریکا انجام نمی‌دهند.

رسانه‌ها و وسائل جمعی مداخله پاکستان را مداخله خارجی در افغانستان می‌دانند و نظام امارت اسلامی را وابسته با نظام پاکستان می‌دانند درحالی‌که واقعیت افغانستان غیر از این است. اما از مداخلات نظامی و سیاسی و اشغال افغانستان و مداخلات سائر همسایه‌های افغانستان ذکر نمی‌شود و بدین ترتیب ملت متوجه همسایه شرقی شده و از بازی‌های بزرگ سیاسی و منطقوی بی‌معلومات می‌ماند. حکومت‌های فاسد و مستبد و تحت حمایت خارجی مردم را در هر زمان و مکان متوجه کشورهای خارجی می‌سازند تا در امور داخلی و ناکامی نظام توجه نداشته باشند و عموماً

نظام‌های فاسد مشکلات داخلی‌یی که خود سبب آن هستند را به همسایه‌ها ارتباط می‌دهند و هر جنبش آزادی‌خواه و عدالت‌خواه را متهم به افراط‌گرایی و تروریستی می‌نمایند. مشکل وقتی بیشتر و عمیقتر می‌شود که دانشمندان، تعلیم‌یافتگان و روشنفکران در خدمت نظام‌های استبدادی قرار می‌گیرند. این طبقه هر ناکامی را کامیابی معرفی می‌کنند و با قصائد و اشعار و شعرات کاذب مردم را فریب می‌دهند. متأسفانه این واقعیت را در اشغال دوم به چشم مشاهده کردیم.

افغانستان مانند اکثر کشورهای اسلامی و شرقی و افریقایی نمی‌تواند از تأثیرات خارجی و از تسلط نفوذ خارجی و اشغال نظامی و استعمار اقتصادی خارج باشد و از تقسیمات سیاسی بین کشورهای استعماری در امان ماند. پاکستان زیر تسلط نظام‌های استبداد نظامی با همکاری و تعاون با غرب و خصوصاً آمریکا زندگی دارد و همچنان از طرف هندوستان همیشه تهدید می‌شود. بعد از روی کار آمدن نظام امارات اسلامی در افغانستان و تسلط حرکت طالبان به صورت مطلق بر افغانستان، تشویش پاکستان و همسایه‌های شمال افغانستان بیشتر شده است. حرکت طالبان در هر وقت می‌تواند کشورهای شمال افغانستان و پاکستان را تهدید کند.

حالت سیاسی و اقتصادی پاکستان چندان از حالت افغانستان تفاوت ندارد و در حال حاضر افغانستان و پاکستان و مصر و عراق و عده‌ای از کشورهای خلیج عربی و کشورهای شمال و غرب افریقا تحت حمایت غیر رسمی آمریکا و غرب می‌باشند و آمریکا است که سیاست نظامی و سیاسی اکثر کشورهای اسلامی را مستقیماً و یا از طریق حکومت‌های دیگر رهبری می‌کند. افغانستان با تمام منابع طبیعی که دارد تا سال‌های متمادی احتیاج به کمک‌های اقتصادی و فنی دارد. استخراج و استفاده از منابع طبیعی ارتباط به تجربه‌های علمی و اقتصاد قوی دارد و متأسفانه افغانستان فاقد

تجربه‌های علمی و کدر علمی و اقتصاد قوی می‌باشد.

فضای افغانستان، عراق، سوریه، اردن و یمن مستقیماً زیر تسلط امریکا است. در حمله اسرائیل اواخر ماه اکتوبر 2024، بر ایران که در آن صد هواپیمای نظامی اسرائیل اشتراک داشت، از فضای عراق و اردن عبور و بر ایران حمله نمودند. حکومت عراق که در جمله‌ی همپیمانان ایران به حساب می‌آید و هر دو کشور توسط زمامداران شیعه اداره می‌شوند، با آنهم حکومت عراق مانع عبور طیارات جنگی اسرائیل شده نتوانست و در اعلامیه رسمی حکومت عراق آمده بود که فضای عراق زیر اداره امریکا است.

مشکلات جهان اسلام و افریقا و آسیا که افغانستان جزء کوچک آن را می‌سازد، نیاز به بررسی تاریخی دارد که متأسفانه دانشمندان افغانی و رسانه‌ها مردم افغانستان را از واقعیت‌های جهانی بی‌معلومات نگه می‌دارند. این روش غیر علمی و غیر اکادمی نه تنها مشکلات افغانستان را حل و فصل نخواهد کرد بلکه در آینده موجودیت افغانستان را به مخاطره می‌اندازد.

متأسفانه طبقه روشنفکر و تعلیم یافته افغانستان مانند کشورهای دیگر اسلامی عامل مشکلات می‌باشند. طبقه تعلیم یافته و روشنفکر افغانستان، سبب آتش اختلافات قومی، نژادی و مذهبی شده‌اند در حالی که عامه مردم افغانستان در پهلوی یکدیگر زندگی مشترک دارند.

افغانستان می‌تواند در تغییرات شرق میانه نقش مثبت ایفا کند، اما در صورت نبود سیاست‌های درست، و اقدامات پیشگیرانه، این کشور ممکن است از لحاظ امنیتی، اقتصادی و اجتماعی آسیب فراوان ببیند.

افغانستان ممکن است در صورت شدت گرفتن بحران‌ها و بی‌ثباتی‌های منطقه در تغییرات نقشه‌ی جدید شرق میانه بیشتر صدمه ببیند. صدماتی که افغانستان در نقشه جدید شرق میانه به آن مواجه خواهد شد را می‌توان

اینطور به صورت فشرده خلاصه کرد:

1. در صورت تغییرات سیاسی و اقتصادی در خاورمیانه و کشورهای همسایه، افغانستان از نظر اقتصادی صدمه بیشتر می‌بیند.

2. مداخلات خارجی: افغانستان همانطوری که می‌تواند در تغییرات شرق میانه نقش مثبت ایفا کند، در صورت نبود سیاست‌های درست در تقسیم خاورمیانه صدمه بزرگ را متحمل می‌شود. حوادث جدید شرق میانه ممکن است باعث افزایش مداخلات خارجی شود. و قوت‌های بزرگ می‌توانند تمامیت ارضی افغانستان را به خطر مواجه کنند. در نتیجه افغانستان یا به کشورهای کوچک تقسیم می‌شود و یا بین همسایه‌ها تقسیم خواهد شد.

برای حفظ امنیت و وحدت اراضی، دولت افغانستان زیر هر نام و نشان و بیرق که باشد باید به امور ذیل توجه عمیق و بیشتر داشته باشد. روشنفکران و زعمای دینی و قومی حکومت افغانستان را حمایت و همکاری کنند.

اول: تقویت نیروهای امنیتی ملی و غیر وابسته به نیروهای خارجی، و تکیه بر ظرفیت‌های داخلی با حمایت مردم.

دوم: اتحاد داخلی و حل اختلافات سیاسی: تشکیل حکومت فراگیر متشکل از متخصصین، استفاده از گفتگو برای حل اختلافات، تقویت هویت اسلامی و ملی و مبارزه با فکر تجزیه طلبی و مبارزه با افکار تعصبی و افراطی.

سوم: تقویۀ روابط متوازن با کشورهای همسایه و جهان. و ایجاد توافقات سرحدی محکم با کشورهای همسایه.

چهارم: تقویت و توسعه اقتصادی مانند معادن، زراعت، صنعت و جلب سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی به شکلی که منافع ملی حفظ شود. این سیاست فقر را کاهش و فرصت کاری را برای مردم بیشتر فراهم می‌سازد.

پنجم: توجه به تعلیم و ترویج وحدت ملی بر مبنی اصول اسلامی؛ زیرا اسلام نقطه وصل بین تمام افراد ملت می‌باشد. نظام و برنامه‌های جدید تعلیمی برای پسران و دختران با توجه به ضرورت‌های جامعه تدوین یابد.

امریکا سیاست و برنامه واحد برای شرق میانه ندارد، با هر کشور معامله خاص دارد. منافع اقتصادی، سیاسی و نظامی امریکا از یک منطقه تا منطقه دیگر و از یک زمان تا زمان دیگر متفاوت می‌باشد. در خلیج عربی و شرق عربی، سیاست امریکا حمایت اسرائیل و بزرگ شدن مساحت آن است و برای این هدف از حملات اسرائیل بر فلسطینی‌ها و اشغال سرزمین و ساختن شهرک‌ها حمایت می‌کند. و سعی دارد تا کشورهای عربی، اسرائیل را به رسمیت بشناسند و روابط سیاسی، اقتصادی و نظامی واحد را تشکیل دهند.

سیاست امریکا در قبال افغانستان به عوامل متعدد بستگی دارد. سیاست امریکا در قبال افغانستان را رقابت با چین، منافع امنیتی، مبارزه با جنبش‌های اسلامی معتدل و افراطی می‌سازد. برای امریکا مهم نیست که کدام قوه بر افغانستان حاکمیت دارد، مهم این است که حاکمیت افغانستان به ضرر منافع امریکا نباشد. در بعضی اوقات و در بعضی مناطق امریکا از نظام‌های استبدادی و در بعضی مناطق دیگر از نظام‌های اسلامی حمایت می‌کند.

امریکا برای محاصره چین در حالت جنگ، در افغانستان و کشورهای منطقه از حکومت‌های اسلامی حمایت شدید خواهد کرد. مطالعات استراتژیک بر این است که چین در یک وقت می‌تواند بیشتر از یک میلیون نظامی آماده کند، درحالی که امریکا امکانات کمتری را نسبت به چین دارد. حکومت‌های اسلامی قوی می‌توانند با شعار جهاد، حرکت چین را آهسته سازند.

امریکا به دنبال محدود کردن نفوذ چین در مناطق استراتژیک است.

خروج امریکا از افغانستان سال 2021 نقش مستقیم امریکا را در افغانستان محدود ساخت، امریکا از دور به صورت صحیح نمی‌تواند افغانستان را کنترل کند و نقش چین را در افغانستان که دروازه شرق میانه برای چین است به چالش کشد.

سیاست امریکا محاصره اقتصادی و سیاسی چین در شرق میانه و آفریقا می‌باشد. رئیس ترامپ تعرفه گمرکی بالا را بر صادرات چین وضع کرد تا صادرات چین را محدود سازد. امریکا نسبت به گسترش نفوذ اقتصادی و سیاسی چین حساس است، خصوصاً از طریق پروژه «کمربند و راه». نزدیکی افغانستان به چین می‌تواند نگرانی‌هایی را برای امریکا ایجاد کند.

امارات اسلامی نیاز به کمک‌های اقتصادی و همکاری برای ساختار جدید افغانستان و استفاده از منابع اقتصادی دارد. چین یکی از محدود کشورهای است که حاضر به تعامل اقتصادی با کابل است و در اکثر پروژه‌های زیر بنایی افغانستان سهم فعال دارد.

امریکا از احیای فعالیت‌های القاعده و داعش نگران است، برای مراقبت و کنترل فعالیت‌های افراطی به موضوعات امنیتی بیشتر به افغانستان متوجه می‌باشد، اگر تعامل چین با طالبان به ایجاد ثبات نسبی منجر شود، واشنگتن از آن در حال حاضر استقبال می‌کند.

در صورت عدم رضایت و تشویش، امریکا ممکن است به طور غیر مستقیم مانند تحریم‌های اقتصادی، تحذیرات اقتصادی، محدود ساختن معاملات بانکی تلاش کند تا از نزدیکی بیشتر کابل با چین جلوگیری کند و یا آن را محدود سازد. اما کنترل کامل برای این روند برای امریکا دشوار خواهد بود، و جز راه تعامل مثبت با امارت اسلامی راه دیگری ندارد.

حفظ تمامیت ارضی، استقلال سیاسی افغانستان مربوط به همکاری

تمام اقوام و احزاب سیاسی افغانستان است، متأسفانه اشغال اول و دوم وحدت ملی را در افغانستان بسیار صدمه زده است .

مرور سریع به سیاست‌های غرب و کشورهای بزرگ جهان از یک قرن به این طرف ما را به حقیقت نزدیکتر می‌سازد و در روشنی روش معاصر می‌توانیم مشکلات افغانستان و سائر کشورهای اسلامی را بهتر درک و برای حفظ تمامیت ارضی افغانستان در صورت تطبیق طرح جدید شرق میانه پلان مشترک ساخت و افغانستان را حفظ نمود.

جنگ جهانی دوم و نتایج آن

اروپا تا جنگ جهانی دوم تسلط و نفوذ بیشتر نسبت به امریکا و روسیه بر کشورهای اسلامی داشت. به عبارت دیگر تا جنگ جهانی دوم اروپا صاحب نفوذ قوی و صاحب امر و نهی در جهان بطور عموم و شرق میانه به صورت خاص بود. بررسی تاریخ سیاسی جهان از اواخر قرن نوزدهم و اوائل قرن بیستم نشان می‌دهد که جنگ جهانی اول (1914 - 1918) مبارزه سیاسی و نظامی را در شرق میانه و باقی کشورهای اسلامی در شمال افریقا به نفع اروپا خاتمه داد.¹

کشور های استعماری خصوصا (انگلستان و فرانسه) به اساس معاهده «سایکس پیکو» مناطق استراتژیک و دارای اهمیت اقتصادی را بعد از سقوط خلافت عثمانی بین خود تقسیم کردند و بعداً مناطق بحر اسود «بحیره سیاه» را به روسیه بخشیدند و خلافت عثمانی را به کشورهای کوچک و تحت

¹ . جنگ جهانی اول از 28 ژوئیه 1914 آغاز شد و در 11 نوامبر 1918 به پایان رسید. این جنگ بین متحدین (بریتانیا، فرانسه، روسیه و بعد ها ایالات متحده) و قدرت مرکزی شامل (المان، اتریش، مجارستان، امپراطوری عثمانی و بلغارستان) رخ داد.
جنگ جهانی اول با امضای پیمان ورسای و شکست قدرت های مرکزی به پایان رسید و تأسیسات عمیقی بر نقشه جغرافیایی و تحولات سیاسی جهان گذاشت.

حمایت تقسیم کردند، به این ترتیب نفوذ سیاسی و تسلط نظامی و اقتصادی اروپا خصوصاً فرانسه و انگلستان از آغاز جنگ جهانی اول تا ختم جنگ جهانی دوم در کشورهای اسلامی باقی ماند.¹

انگلیس‌ها برای سقوط خلافت عثمانی از اصطلاحات قومی، زبانی و نژادی استفاده کردند و کوشش کردند تا قومیت عربی را در مقابل قومیت ترک «تورانی» تقویت نمایند. سیاست تفرقه انداز و حکومت کن تا امروز برای تسلط بر کشورهای اسلامی و آفریقایی تطبیق می‌شود و ما در اشغال دوم دیدیم که آمریکا از اختلافات بین اقوام افغانستان به نفع خود استفاده کرد و ملت واحد را به ملیت‌های متعدد داخل جنگ تبدیل نمود و قبلاً روسیه از همین باب داخل افغانستان شد.

در تلگرامی که حکومت بریتانیا عنوانی شریف حسین فرستاد، آمده که امپراطوری بریتانیا همانطوری که از اسلام در لباس خلافت ترکی حمایت می‌کرد تصمیم گرفته تا از خلافت اسلامی در لباس خلیفه عربی حمایت کند.²

¹ . بحر اسود (دریای سیاه) در جنوب شرقی اروپا و غرب آسیا است که بین کشورهای اوکراین، روسیه، گرجستان، ترکیه، بلغارستان و رومانی قرار دارد. بحر اسود به دلیل موقعیت جغرافیایی خود نقش مهمی در تجارت، انرژی و مسائل نظامی دارد.

² متن تلگرام حکومت بریتانیا به شریف حسین به نام « مک ماهون — حسین » (1915-1916)، مجموعه ای از مکاتبات میان هنری مک ماهون نماینده بریتانیا در مصر و شریف حسین بن علی شریف مکه بود. این مکاتبات در دوران جنگ جهانی اول انجام شد و بریتانیا در تلاش بود تا حمایت اعراب را علیه امپراطوری عثمانی جلب کند.

در این مکاتبات، بریتانیا وعده داد که در صورت همکاری اعراب علیه عثمانی‌ها، پس از پایان جنگ جهانی، استقلال کشور های عربی را به رسمیت خواهد شناخت. در ماده چهارم نامه آمده بود که بریتانیا از شریف حسین به عنوان حاکم مناطق عربی حمایت خواهد کرد. همچنان تذکر رفته بود که بریتانیا شریف حسین را به عنوان خلیفه یا رهبر جهان اسلام می شناسد.

شریف حسین به امید تحقق این وعده ها قیام علیه دولت عثمانی را آغاز کرد که در تاریخ به نام شورش عربی شناخته می شود. اما پس از پایان جنگ، بریتانیا وعده های خود را نقض کرد. به جای حمایت

معاهده سایکس پیکو

معاهده سایکس پیکو The Sykes – Picot Agreement 1916 در سال 1916 میلادی بین بریتانیا و فرانسه امضا شد، یک توافق سری و محرمانه بود که با موافقت امپراطوری روسیه به منظور تقسیم سرزمین خلافت عثمانی پس از پایان جنگ جهانی اول تنظیم شد. این توافق نامه به نام دو دیپلومات اصلی آن، «مارک سایکس از بریتانیا و فرانسوا ژرز» از فرانسه، نام گذاری شده است.

این معاهده سرزمین‌های عربی تحت کنترل خلافت عثمانی را بر این اساس بین متحدین تقسیم کرد:

1. منطقه تحت نفوذ فرانسه، شامل سوریه و لبنان می‌شد.
2. منطقه تحت نفوذ بریتانیا، شامل عراق و بیت المقدس بود که تحت مدیریت بین المللی قرار می‌گرفت.
3. معاهده مصر- را شامل نشد، از دیدگاه بریتانیا مصر- خارج سرزمین‌های عربی به حساب می‌آمد و تحت حمایت انگلستان بود.

معاهده سایکس پیکو، یکی از عوامل اساسی شکل‌گیری سرحدات معاصر شرق میانه و مشکلات سیاسی و قومی این منطقه به حساب می‌آید. معاهده سایکس پیکو، سبب شد تا فلسطین را بریتانیا به یهودان اهدا کند و وعد بلفور به این منظور بود. بلفور وزیر خارجه بریتانیا برای زعمیم یهودان (ریچارد) وعده داد که فلسطین را برای ساختار کشور اسرائیل به یهودیان اهدا می‌کند. مواد معاهده «سایکس پیکو» برای مدت طولانی سری بود. رهبران قومی و نژادی در شرق میانه و جزیره العرب علیه خلافت عثمانی در جنگ جهانی

از خلافت عربی تحت رهبری شریف حسین، بریتانیا و فرانسه طبق توافق نامه سایکس — پیکو مناطق عربی را میان خود تقسیم کردند. امریکا و کشورهای استعماری در عصر- حاضر از همین سیاست برای اشغال و ضعیف کردن کشور های اسلامی استفاده می‌کنند.

اول با انگلستان و فرانسه همکاری و تعاون نمودند و خلافت عثمانی را سقوط دادند این گروه از نص و مواد معاهده اطلاع نداشتند و نمی‌دانستند که انگلستان و فرانسه سلطنت عثمانی را بین خود تقسیم می‌کنند. زمانی که قوای عربی داخل لبنان شد و امیر عبدالله پسر- شریف حسین «شریف مکه» بیرق انقلاب عرب را بر عمارت دولتی لبنان در بیروت بلند نمود انگلیس این اجازه را برای او به دلیل اینکه لبنان از حق فرانسه و تحت حمایت آن است نداد.

مهمترین و خطرناکترین مورد در معاهده سایکس پیکو فلسطین بود. در معاهده فلسطین تحت ادارهٔ مستقیم انگلیس قرار گرفت و انگلیس‌ها با استفاده از معاهده سایکس پیکو مهاجرت یهودان را به فلسطین آسان ساختند و عده‌ی زیادی از یهودان از اروپا و شرق میانه و افریقا در فلسطین سکونت اختیار نمودند و اسرائیل به شکل دانهٔ سرطان در قلب جهان اسلام تولد شد .

سازمان سری بین‌المللی یهودان در جنگ جهانی اول از متحدین حمایت مالی نمود و در مقابل این همکاری یهودان از متحدین وعده‌ای برای تأسیس دولت یهودی به اساس عقیده یهودیت در فلسطین به دست آوردند. پیمان «بلفور» که حکومت بریتانیا برای «ریچارد» زعیم یهودان داد در آن اشاره شده بود که امپراطوری بریتانیا فلسطین را برای یهودان می‌دهد و از یهودان در فلسطین دفاع می‌کند. دولت بریتانیا بدون هیچ حق قانونی خاک فلسطین را که ارتباط به جغرافیای انگلستان نداشت به یهودان اهدا کرد و از مهاجرت غیر قانونی یهودان به فلسطین حمایت نمود .

تأسیس دولت یهودی به اساس قومیت و دین، دانهٔ سرطانی که در قلب جهان اسلام نمو کرد و از آن تاریخ تا امروز جهان اسلام را به خود مشغول ساخت. تا زمانی که این دانه سرطانی حل نشود جهان اسلام در آتش

افراط‌گرایی می‌سوزد.¹ حوادث جاری در شرق میانه در وقت حاضر نتیجه وعد بلفور می‌باشد.

عده‌ای از دانشمندان افغان به این فکر و عقیده‌اند که قضیه فلسطین ارتباطی به افغانستان و مردم افغانستان ندارد، این گروه مقام و منزلت قدس شریف را نمی‌دانند و نمی‌دانند که میلیون‌ها مسلمان به شمول مسلمانان افغانستان حاضر اند برای حفظ هویت اسلامی فلسطین و آزادی قدس شریف، جان شریف خود را قربان نمایند. حمایت مطلق امریکا از دولت یهودی، مسلمانان را ضد سیاست امریکا ساخت و هر نظام سیاسی که توسط امریکا و به حمایت امریکا در جهان اسلام روی کار آید مردم علیه آن قیام می‌کنند و این حقیقت را نباید محققین جوان افغانستان فراموش کنند.

وضعیت سیاسی و اشغال نظامی و حمایت اروپا خصوصاً انگلستان و فرانسه از حکومت‌ها در کشورهای اسلامی تا ختم جنگ جهانی دوم ادامه یافت و اروپا صاحب امر و نهی در اکثر کشورهای اسلامی بود، اما بعد از جنگ جهانی دوم (1939 - 1945) میزان قوا تغییر کرد، با آنکه متحدین در جنگ پیروز شدند اما اروپا به صفت یک قوت بزرگ متضرر شد و امریکا بعد از جنگ جهانی دوم به صفت قوه جدید اقتصادی، سیاسی و نظامی ظهور کرد و میراث استعماری انگلستان و فرانسه را بدست آورد و نفوذ و تسلط انگلیس و فرانسه در شرق میانه به نفع امریکا ضعیف شد.

بعد از حمله به کانال سویس (مصر-) در سال 1956 که در تاریخ به نام حمله سه گانه «بریتانیا، فرانسه و اسرائیل» یاد می‌شود، مصر- خلیج عقبه و

¹ جهت معلومات بیشتر از قضیه فلسطین مراجعه شود به : دکتر عبدالستار سیرت «قضایای مهم سیاسی در جهان اسلام» فصل فلسطین و قدس و مسجد اقصی، نشرات فقه اسلامی، سپتمبر 2010 .

تنگه تیران را بروی کشتی‌های اسرائیل بست.¹

حمله بر کانال سویس بدون رضایت و مشوره امریکا و روسیه بود؛ لذا امریکا و روسیه انگلستان و فرانسه و اسرائیل را مجبور به عقب نشینی کردند و در مقابل دولت مصر - خلیج عقبه و خلیج تیران را باز نمود و قبول کرد تا این دو راه بحری زیر نظر و مراقبت قوای بین‌المللی باشد.²

حمله سال 1956 بر کانال سویس ختم نفوذ اروپا در شرق میانه و آغاز تسلط امریکا در شرق اسلامی است و با خارج شدن انگلیس و فرانسه از شرق میانه، شرق میانه منطقه نفوذ امریکا و روسیه شد.³ بحران 1956 نشان داد که دوران سلطه استعماری بریتانیا و فرانسه در شرق میانه به پایان رسیده و قدرت‌های جدیدی مانند امریکا و شوروی تعیین‌کننده سیاست جهانی هستند.

روسیه از این وضعیت استفاده و معاهدات نظامی را با مصر در سال 1955 به امضا رسانید و به اساس معاهده 1955 مصر - حق خریدن اسلحه را از چکوسلواکیا بدست آورد و بعد از امضای معاهده، مصر - از نظر نظامی و

¹ . مضیق تیران در میان دریای سرخ و خلیج عقبه قرار دارد. این تنگه شبه جزیره سینا در مصر - و جزیره تیران واقع شده است/ مضیق تیران نقش راهبردی مهمی دارد زیرا تنها گذرگاه دریایی به خلیج عقبه است که بنادر مهمی مانند ایلات (در اسرائیل) و عقبه (در اردن) را به دریای سرخ متصل می‌کند.

² . کانال سویس بعد از اینکه به مصر اعاده شد، در مورد عبور کشتی‌های جنگی اتفاقیه صورت گرفت تا کشورها قبل از عبور باید حکومت مصر را دو ماه قبل اطلاع دهند، اما ایالات متحده امریکا 48 سال قبل اطلاع دهد. این یک امتیاز بود که به ایالات متحده امریکا داده شد. بعد از 7 اکتوبر 2023 و آغاز مبارزات مسلحانه بین آزادی خواهان فلسطین و قوای اشغالی اسرائیل، کشتی‌های اسرائیل حق عبور را یافتند. در اوائل ماه نوفمبر 2024 کشتی عامل مواد منفجره که بطرف اسرائیل در حرکت بود، تمام کشورها بنادر خود را بروی آن مسدود کردند، و حکومت مصر اجازه داد تا در اسکندریه توقف کند و از آنجا به اسرائیل انتقال داده شود.

³ . حمله سه گانه بالای کانال سویس به بحران سویس یا جنگ 1956 اشاره دارد، که در اکتوبر ونوفمبر 1956 رخ داد. این حمله توسط بریتانیا، فرانسه و اسرائیل علیه مصر انجام شد، پس از آنکه جمال عبدالناصر کانال سویس را ملی کرد.

سیاسی ارتباط مستقیم با روسیه یافت و روسیه با همکاری عبدالناصر از حکومت‌های استبدادی زیر نام «اشتراکی، سوسیالستی» حمایت و با همکاری رهبران دیکتاتور در شرق میانه صاحب پایگاه‌های نظامی شد.

ظهور امریکا به عنوان ابر قدرت جهانی

بعد از جنگ جهانی دوم، انگلستان و فرانسه به این نتیجه رسیدند که میراث استعماری خود را به امریکا بسپارند. انگلستان با آنکه ساحه جغرافیوی را به امریکا تسلیم نمود لیکن اسرار منطقه را از امریکا پنهان نمود و امریکا بدون روشنی و معرفت کامل به منطقه داخل و مرتکب اشتباهات بزرگ گردید

در جریان درس تاریخ استعمار نو در شرق میانه، در فاکلته ادبیات، پوهنتون قاهره، پروفیسور روؤف عباس استاد تاریخ معاصر که من شرف شاگردی اش در مرحله لیسانس و ماستری را دارم توضیح داد که وزیر خارجه بریتانیا، سفیر امریکا را استقبال کرد و گفت که بریتانیا از شرق میانه خارج می‌شود. سفیر امریکا طی تلگرام به وزارت خارجه در واشنگتن نوشت که بریتانیا جای خود را برای امریکا می‌گذارد. بریتانیا شرق میانه را بدون اینکه کلید و اسرار آن را تسلیم امریکا کند به امریکا گذاشت و اسرار را برای خود حفظ کرد.¹

امریکا برای تقویت وجودش در شرق میانه در فکر تأسیس پیمان نظامی بغداد بود و این پیمان در اصل به هدف از بین برداشتن حکومت‌های نیمه ملی و برقراری حکومت‌های نظامی و دیکتاتوری در شرق میانه و حمایت

¹ . وزیر خارجه بریتانیا سلوین لوبد (Selwyn Lloyd) بود و سفیر امریکا در بریتانیا لوئیس‌دبلیو د وگلاس (Lewis W. Douglas) بود. گفته می‌شود که وزیر خارجه بریتانیا هنگام استقبال از سفیر امریکا، با تلخی اشاره کرد که بریتانیا دیگر نفوذ خود را در خاورمیانه از دست داده است.

حکومت‌های تابع سیاست امریکا بود. بعد از تأسیس پیمان بغداد انقلابات نظامی در شرق میانه صورت گرفت.

به طور مثال انقلاب جنرال ابراهیم عبود در سودان سال 1958، انقلاب عبدالله السلال در یمن سال 1962، انقلاب قذافی سال 1969 در لیبیا، انقلاب سوریه سال 1970 به قیادت حافظ اسد، استقلال الجزائر سال 1962 از فرانسه و رسیدن جبهه آزادی بخش ملی الجزائر به قدرت. قابل توجه است که اکثر حکومت‌های استبدادی و نظامی در شرق میانه و سایر کشورهای اسلامی رابطه قوی و استراتژیک با روسیه داشتند و مهمترین نتیجه انقلابات نظامی در شرق اسلامی و افریقا تثبیت نفوذ سیاسی و نظامی روسیه در مقابل نفوذ امریکا بود.

بعد از جنگ جهانی دوم فکر «ناسیونالیسم عرب» به رهبری جمال عبدالناصر در مصر ظهور کرد و نیم قرن جهان عرب را به خود مشغول ساخت. جمال عبدالناصر با همکاری روسیه و قسَمیکه «کوپلاند» مسئول «CIA» در شرق میانه و ایران در کتاب خود می‌نویسد که جمال عبدالناصر ضربه شدیدی به حرکت‌های ملی و اسلامی خصوصاً اخوان المسلمین وارد کرد و عالمان بزرگ اسلامی را به شهادت رسانید و کشورهای خلیج عربی خصوصاً عربستان سعودی را تهدید نظامی نمود. جمال عبدالناصر برای محاصره خلیج عربی به یمن قوای نظامی فرستاد اما در جنگ یمن به شکست مواجه شد. کوپلاند در کتاب خود می‌نویسد که جمال عبدالناصر ملت خود را نسبت به اسرائیل بیشتر شکنجه کرد، ما موجودیت او را در مصر- به نفع اسرائیل می‌دانستیم. من کتاب او را با ترجمه عربی مطالعه نموده‌ام و کتاب قابل استفاده می‌باشد.¹

مصر، سوریه و اردن در سه جنگ با اسرائیل شکست خوردند و در شرق

¹ . جان کوپلاند (John W. Kokal) یکی از افسران ارشد سیاه بود که در امور شرق میانه، به ویژه ایران و خلیج عربی، تخصص داشت. او در سال 2003 درگذشت.

میانۀ قوهٔ سیاسی و نظامی جدیدی به نام اسرائیل ظهور کرد و از سال 1967 تا حال تهدید بزرگی برای شرق اسلامی می‌باشد.

از سال 1973 توازن قوا در شرق میانۀ تغییر کرد. سال 1973 اسرائیل قوای مصر- و سوریه را با آنکه در روزهای اول جنگ موفق بودند محاصره نمود. در جنگ 1973 دولت اردن اشتراک نداشت، انور السادات و حافظ اسد نمی‌خواستند تا شاه اردن از ساعت آغاز حمله اطلاع داشته باشد تا نشود با امریکا تاریخ و ساعت را شریک کند. در نتیجۀ محاصره محمد انور السادات رئیس‌جمهور مصر- اعلان کرد که 99% اوراق صلح و جنگ در شرق میانۀ به دست امریکا است. محمد انور السادات واقعیت را درک کرده بود و این یک حقیقت است که امریکا با اسرائیل رهبری سیاسی و قدرت نظامی شرق میانۀ را بعد از اخراج روسیه از منطقه به دست گرفت. از سال 1973 نقش امریکا در شرق اسلامی بیشتر شد و مرکز سیاسی و نظامی روسیه بعد از امضای معاهده صلح بین مصر و اسرائیل (کمپ دیوید / Camp David) به رعایت رئیس‌کارتب در شرق اسلامی ضعیف گردید و میراث روسیه را امریکا بدست آورد. با آنکه مصر- بزرگترین دولت عربی از دائره نفوذ روسیه خارج و داخل دائره امریکا گردید اما برخی از کشورهای عربی مانند سوریه، عراق، لیبیا، یمن و الجزائر روابط سیاسی و نظامی خود را با روسیه حفظ کردند.¹

¹ . معاهده کمپ دیوید (The Camp David)، بین مصر و اسرائیل به میانجی گری ایالات متحده در کمپ دیوید، محل اقامت رئیس‌جمهور امریکا امضاء شد. این توافقات با هدف پایان دادن جنگ های مکرر میان این دو کشور و برقرار کردن صلح در منطقه شرق میانۀ بود. کشور های عربی با معاهده مخالفت کردند و با مصر- قطع رابطه نمودند. در مقابل انور السادات عمارت بزرگ جامعه دول عربی را به دفتر افغانستان تبدیل کرد. شهید محمد هارون المجددی، رئیس جامعه ملل اسلامی و عربی دفتر افغانستان را نیز رهبریت میکرد. گروه های جهادی افغانستان مانند حزب اسلامی، جمعیت اسلامی، اتحاد اسلامی دعوت السادات را برای اشتراک در کنفرانس قاهره رد کردند. دلیل عدم اشتراک را معاهده کامپ دیوید گفتند. من ضمن هئیت افغانستان در این کنفرانس حضور داشتیم.

سال‌های هشتاد قوای نظامی سوریه که بزرگترین و منظم‌ترین قوه بعد از عراق در شرق میانه و در جوار اسرائیل بود مشغول درگیری نظامی در لبنان شد و عراق در جنگ با ایران مشغول گردید. عده‌ای از کشورهای غربی خصوصاً فرانسه و ایالات متحده آمریکا از صدام حسین حمایت کردند. هر دو کشور اسلامی در یک جنگ بی نتیجه ضعیف شدند و زمینه مداخلات خارجی نه تنها در عراق مساعد شد بلکه اکثر کشورهای خلیج عربی بیشتر وابسته به آمریکا شدند.¹

اشغال کویت در سال 1990 توسط صدام حسین با موافقه غیر علنی غرب چانس و فرصت طلائی برای آمریکا بود. آمریکا بعضی کشورهای عربی را با خود یکجا و جنگ علیه عراق را به نام «عاصفة الصحراء» که در ظاهر آزاد ساختن کویت و در حقیقت ضعیف کردن قدرت نظامی عراق بود به راه انداخت و در 1991 عراق بعد از پرداخت خساره بزرگ اقتصادی و نظامی از کویت خارج شد.²

دسامبر 1991 اتحاد جماهیر شوروی سقوط کرد و به سقوط اتحاد جماهیر شوروی نفوذ سیاسی و اقتصادی و نظامی روسیه در شرق اسلامی ضعیف شد و تا یک مدت روسیه نظر به مشکلات داخلی از شرق اسلامی و افریقا فاصله گرفت و آمریکا به حیث قوه بزرگ جهانی ظهور و تسلط کامل را در منطقه بدست گرفت. آمریکا سیاست حمایت از حکومت‌های استبدادی را در شرق اسلامی در پیش گرفت و از استبداد سیاسی و نظام‌های فاسد نظامی حمایت کرد و از هر نظام سیاسی که بر اساس دموکراسی و انتخابات آزاد در جهان اسلام روی کار آمد به دلیل اینکه منفعت آمریکا در خطر می‌افتد

¹ . العربي الجديد، 12 مارچ 2017.

² . عاصفة الصحراء (طوفان صحراء Operation Desert Storm) در این جنگ بیش از 30 کشور در ائتلاف به رهبری ایالات متحده شرکت داشتند. این عملیات در 17 جنون 1991 آغاز و با شکست نیروهای عراقی به پایان رسید.

حمایت نکرد.

بعد از حادثه 11 سپتامبر 2001 و حمله تروریستی بر امریکا که در آن القاعده متهم است، نقشه سیاسی جهان اسلام تغییر می کند و امریکا برای انتقام، جنگ را علیه طالبان اعلان و با همکاری مستقیم پاکستان و ایران و احزاب افغانی ضد طالبان، افغانستان را اشغال و حکومت تحت حمایت در بن جرمنی، را به ریاست حامد کرزی تشکیل و با حکومت تحت حمایت خود به ریاست دکتور اشرف غنی احمدزی پیمان استراتژیک را به امضا رسانید و لویه جرگه ای تقلبی آن را تصدیق و به موجب آن امریکا صاحب پایگاه نظامی به شکل قانونی در افغانستان شد.

نویسنده معروف سوری آقای «میشیل کیلو» که از مسیحیان سوریه است در مورد سیاست استراتژیک امریکا در شرق میانه که افغانستان را نیز در بر می گیرد تحقیق مهم خود را در روزنامه «العربی الجدید» به تاریخ 12 مارچ 2017 به نشر سپرد. این تحقیق جدید و علمی که با اسناد می باشد مطالعه آن برای محققین افغانستان بسیار مفید است. در این تحقیق خلاصه آن ذکر می شود.

میشیل کیلو می نویسد: ممکن نیست دولت بزرگ و قوه جهانی یعنی امریکا موقعیت استراتژیک سوریه و منطقه را درک نکند. امریکا در عهد حکومتداری آقای «اوباما و ترامپ» میدانست که تسلط بر سوریه و عراق و منطقه یعنی تسلط بر جهان اسلام و شرق میانه به گونه کامل آن است و سیاستمداران امریکا می دانند که سوریه و عراق مرکز شرق میانه است و تاریخ نشان می دهد که مبارزات قوای بزرگ در شرق همیشه برای دست یافتن به شرق میانه و خصوصا عراق بود که مرکز مهم استراتژیک است.

آقای «برینسکی» مشاور امنیت ملی رئیس جمهور امریکا «کارتر» در سال 1973 برای دولت امریکا مشوره داد که تا امریکا عراق را

اشغال نکنند نفوذ امریکا در منطقه استقرار نخواهد یافت. از نظر آقای بریجنسکی عراق قلعه استراتژی یک جهان است. مشوره آقای بریجنسکی بعد از سی سال و در 2003 تحقق و حقیقت پیدا می کند و عراق توسط قوای امریکائی اشغال شد. بعد از 2003 قوای نظامی امریکا در عراق باقی ماند و برای مدت بسیار کم نفوذ نظامی امریکا در عراق کاهش یافت تا اینکه بعد از ظهور «دولت خلافت اسلامی»، داعش، نفوذ و تسلط امریکا در سوریه و عراق افزایش یافت و امریکا توجه بیشتر به منطقه نمود.¹

سیاستمداران و اعضای مهم مجلس سنای امریکا مانند سناتور «جان مکین» که یک زمان از طرفداران سقوط نظام استبدادی بشار اسد و در جمله حمایت کنندگان حرکت یا جنبش آزادی خواهان و نهضت دموکراسی در سوریه بود و همچنان جنرال های امریکایی می گویند که بعد از شکست داعش در «الموصل» امریکا به صفت دائم در عراق و سوریه باقی می ماند.

برای تحقق این اهداف امریکا سه میدان هوائی و پایگاه نظامی مهم را در شمال و غرب عراق تأسیس و پایگاه و میدان هوائی نظامی مهم دیگر را در شمال سوریه نیز تأسیس نمود .

در مقابل فعالیت های نظامی و سیاسی امریکا در شرق میانه و به خصوص عراق و سوریه، روس ها در حمایت نظام بشار اسد داخل

¹ . یکی از بهترین تحقیق در مورد مقاومت عراق در مقابل اشغال نظامی امریکا و ظهور داعش، کتاب دکتر یورجن تودیهنوفر (Dr. JURGEN TODENHOFER) که در اصل بزبان المانی میباشد و به اکثر زبانها بشمول عربی بنام « لماذا تقتل یا زید؟» ترجمه شده است . داکتر یورجن عضو پارلمان المان بود. او مدت طولانی را در سوریه و عراق با جنگجویان داعش و مقاومت عراق سپری کرد. این کتاب قسه حقیقی از مقاومت عراق میباشد و نقش استعمار غربی را در کشورهای عربی و شمال افریقا به بحث می گیرد.

سوریه شدند. وضعیت ضعیف روسیه در سوریه و به طور عموم در شرق عربی در حالتی قرار دارد که امریکا از عراق و سوریه تا افغانستان تسلط کامل دارد و بر ترکیه و ایران می‌تواند حاکمیت داشته باشد و شرق اسلامی را قسمی که بریجنسکی و سیاستمداران و نظامیان امریکا سی سال قبل پلان گذاری کرده بودند، تحت تصرف خود بیاورد و با عملی شدن این پلان امریکا اولین قوه بزرگ در تاریخ جهان معاصر خواهد بود که به صورت مطلق بر شرق اسلامی تسلط پیدا می‌کند.

روسیه و شرق میانه

روس‌ها راه نظامی را برای حل قضیه سوریه در پیش گرفتند و برای حل نظامی، مملکت اردن هاشمی را که در جبهه جنوبی قرار داشت بیطرف ساختند و برای ترکیه موقع دادند تا در یک قسمت از خاک سوریه زیر نام مبارزه با داعش و حرکت‌های کردی تسلط داشته باشد. بعد از سقوط شهر (حلب) که تحت اداره مجاهدین و آزادی خواهان سوریه بود، روسیه پلان مذاکره را با دولت بشار اسد پیش کرد و تشکیل حکومت وحدت ملی مانند افغانستان را تحت ریاست بشار اسد پیشنهاد کرد. روس‌ها جهت تقویت نظامی در سوریه از ملیشه‌هایی که از شیعه عراقی، ایرانی، افغانی، مناطق کرد نشین و پاکستان تشکیل شده بود برای حمایت قوای خود استفاده کردند. می‌توان اهداف روسیه را در سوریه و شرق میانه به نقاط ذیل خلاصه کرد:

1. تمرینات نظامی و تجربه اسلحه‌های جدید.
2. به نمایش گذاشتن اسلحه‌های جدید و بازاریابی برای فروش اسلحه.
3. حمایت منابع پترول در سوریه به هدف استفاده آن در جنگ.

4. انتخاب سوریه جهت توسعه در شرق میانه، خصوصاً که روسیه در انتظار عقب‌نشینی امریکا از منطقه بود.
5. تأسیس پایگاه بحری در سوریه به هدف تسلط بر بحر متوسط.
6. تحکم بر خط انتقال گاز از سوریه به خارج آن.

روس‌ها برای تحقق اهداف فوق، با آزادی خواهان سوریه داخل جنگ شدند، موقف سلبی امریکا از آزادی خواهان سوریه و حمایت غیر مستقیم از نظام بشار اسد و تشکیل ملیشه‌های کردی که در تصادم با مصالح ترکیه بود. بی تفاوتی امریکا در مقابل نظام و تقویت ملیشه‌ها سبب نفوذ و تقویت بیشتر روسیه در سوریه شد.

عدم موفقیت سریع آزادی خواهان سوریه، و اتحاد بین روسیه و ایران و بی‌طرفی و ناتوانی کشورهای عربی در موضوع سوریه سبب شد تا نفوذ ایران و روسیه در سوریه بیشتر شود. از نظر کشورهای خلیج عربی و مصر، آزادی خواهان سوریه، ادامه بهار عرب اند که از فکر اخوان المسلمین پیروی می‌کنند. زعمای خلیج عربی و نظامیان مصری، موفقیت جنبش آزادی‌خواه سوریه را علیه منافع سیاسی و سقوط خود می‌دیدند.

هفته‌های اخیر سال 2016، نقطه تحول بزرگ در جنگ سوریه می‌باشد، روسیه و ترکیه با یکدیگر در توقف جنگ به نتیجه رسیدند و آتش بس بین مبارزان سوریه و دولت بشار اسد را پیشنهاد کردند. برای حفظ و حمایت صلح، ترکیه و روسیه ضمانت آتش بس را دادند و اکثر کشورهای عربی از آتش بس حمایت نمودند. رئیس‌جمهور اردوگان سعی نمود تا با بشار اسد به توافق برسد، اما بشار اسد به دعوت اردوگان توجه نکرد.

دوازده حرکت مقاومت سوریه در وثیقه‌ای امضا نمودند و قبول کردند که در کنفرانس «کازاخستان» به تاریخ 23 جنوری 2017 اشتراک می‌نمایند. اشتراک کنندگان اعلام داشتند که قطعنامه 2254 ملل متحد و فیصله 2912

جنیف را تأیید می‌نمایند.¹

اما آقای «انس العبد» رئیس ائتلاف سوریه و «ریاض حجاب» رئیس گروه مذاکره‌کننده اعلان کردند که مقاومت سوریه هیچ نوع همکاری را با نظام بشار اسد و ایران نمی‌پذیرد. حکومت ائتلافی به ریاست بشار اسد از نظر مبارزین، پیشنهاد صحیح برای حل مشکل سوریه نبود.

روسیه در نهایت مجبور شد از منطقه به نفع امریکا خارج شود و امریکا استراتژی محکم را در شرق اسلامی زیر نام عدم مداخله در امور داخلی سوریه و عراق و گذاشتن روسیه در بحری از مشکلات برنامه‌سازی کرد و با آن که آقای «پوتین» در آغاز مداخله‌اش در سوریه اعلان کرده بود که سه تا هفت ماه در سوریه باقی می‌ماند لیکن با برنامه‌های استراتژیک امریکا مدت‌ها و با پرداخت قیمت گزاف باقی ماند تا بالاخره وضعیت جنگی و سیاسی در سوریه تغییر یافت و مجاهدین قدرت را به دست گرفتند.

روس‌ها با مخالفت شدید مسلمانان سنی در سوریه و عراق و شرق میانه مواجه اند. مبارزین مسلمان در سوریه، روسیه را حمایت‌کننده بشار اسد و نظام او می‌دانند. سیاستمداران روسیه تا هنوز از روش قدیم و کلاسیک در سیاست خارجی پیروی می‌کنند در حالی که امریکا از روش جدید و معاصر و

¹ . قطعنامه 2254 شورای امنیت سازمان ملل متحد، که در تاریخ 18 سپتامبر 2015 تصویب شد، یک قطعنامه سیاسی و دیپلماتیک است که به طور ویژه برای حل و فصل بحران سوریه طراحی شده است. محتوای اصلی قطعنامه عبارت بود از:

1. آغاز مذاکرات صلح بین دولت سوریه و گروه‌های مخالف برای یافتن راه سیاسی مورد قبول همه اطراف.
2. آتش بس سراسری در تمام نقاط سوریه به جز مناطق تحت کنترل گروه‌های تروریستی مانند داعش و جبهه النصره.
3. روند قانون اساسی: تدوین قانون اساسی جدید، برگزاری انتخابات آزاد، تشکیل حکومت انتقالی فراگیر، مبارزه با تروریسم، حمایت از مردم سوریه.

وسائل پیشرفته برای تثبیت امپراطوری جدید خود استفاده می‌نماید.¹

حضور روسیه در سوریه جدید نیست، از سال 2011 حضور نظامی روسیه به هدف حمایت نظام بشار اسد و مبارزه با آزادی‌خواهان شروع می‌شود. 30 دسامبر 2015 قوای نظامی روسیه در پهلوی نظامیان سوری مستقیماً داخل جنگ شدند. اشتراک قوای نظامی روسیه در جنگ داخلی سوریه اولین مشارکت نظامی روسیه خارج سرحدات روسیه بعد از ختم جنگ سرد و شکست در افغانستان می‌باشد. اشتراک نظامی روسیه در جنگ سوریه به هدف نشان دادن اهمیت نظریه استراتژی روسیه در منطقه شرق میانه و جهان می‌باشد.

روسیه در درگیری‌ها و کشمکش‌های بین‌المللی حاضر، به هدف رسیدن به آب‌های گرم در «البحر الأبيض المتوسط» داخل سوریه شد و چند پایگاه نظامی را در لیبیا نیز اعمار کرد.

روس‌ها با استفاده از بی‌نظمی و نزاع داخلی سوریه حضورشان را تقویت بخشیدند و دو پایگاه یکی هوایی در جنوب شرق شهر لاذقیه، و دوم پایگاه نظامی بحری در شمال بندر بحری شهر طرطوس تأسیس نمودند.

روس‌ها برای تقویت تسلط خود در منطقه شرق میانه، در سال 1917 معاهده نظامی با نظام بشار اسد امضا کردند که به موجب آن قوای روسیه بدون پرداخت پول از بنادر بحری سوریه برای مدت 49 سال استفاده می‌کنند. همچنان معاهده برای روس‌ها اجازه می‌داد تا ده کشتی نظامی که با نیروی اتمی کار می‌کنند در طرطوس داشته باشند، بندر بحری طرطوس نخستین بندر روسیه در خارج روسیه قبل از پایگاه بحری در لیبیا می‌باشد.

داخل شدن روس‌ها به صورت مستقیم در نزاع و کشمکش‌های شرق

¹. العربي الجديد 12 مارچ 2017. www.alaraby.com.uk/opinion/2017/3/12/1

میان، مبارزه جدید را برای دریافت منابع نیرو و انرژی در شرق میانه باز کرد. کشورهای اروپایی به این باور اند که روس‌ها در سوریه برای مدت طولانی باقی می‌مانند تا اینکه شکل مبارزه بین المللی وضاحت یابد.

طبق راپورهایی که به نشر رسیده، اروپا در کوشش است تا به منابع انرژی غیر از روسیه دسترسی پیدا کند، اروپایی‌ها به این باور اند که خط انتقال گاز روسیه که از قلمرو اوکراین عبور می‌کند ممکن است بعد از 31 دسامبر 2024 زمانی که معاهده انتقال گاز که مدت آن پنج سال است، خاتمه پیدا کند. موقف روس‌ها در برابر اروپا مثبت می‌باشد و روس‌ها اراده دارند تا معاهده انتقال گاز را تمدید کنند.¹

موجودیت روس‌ها در سوریه، ابعاد مبارزه بین المللی موجود را وضاحت بیشتر می‌دهد. روس‌ها استراتژی خاص به هدف فشار بر کشورهای غربی را دارند، و برای تحقق این موارد صدراعظم اسرائیل نتنیاها مشارکت روسیه را در شرق میانه می‌خواهد. هئیت عالی رتبه اسرائیل به ریاست وزیر امور استراتژی «رون درمر» در هفته اول ماه نومبر 2024 از مسکو دیدار کرد. وزیر اسرائیلی از مسکو خواست تا برای آتش بس بین اسرائیل و سوریه عمل کند و اجازه ندهد که اسلحه‌های ایران از طریق عراق و سوریه به حزب الله برسد.

بعد از اتفاق بین اسرائیل و روسیه، نظامیان روس از «تل الحارة» عقب نشینی کردند و ارتفاعات جولان را به خاطر امنیت اسرائیل خالی گذاشتند و سوریه را در مبارزه با اسرائیل تنها گذاشتند. اسرائیل هر روز خاک سوریه را بمباران می‌کند، در حملات هوایی اسرائیل بر دمشق که قوای نظامی روسیه در آنجا موجود است لیکن قوای روسیه سکوت می‌کنند و طبق مواد معاهده از

¹ . هل تنسحب روسيا من سوريا؟ الجزيرة نت 2024/11/18، همچنان وکالت تاس روسی .

اگر اداره ترامپ با روسیه در مسأله اوکراین به اتفاق برسد، در این صورت نقش روسیه در اروپا و روابط اقتصادی بین روسیه و اروپا کاملاً تغییر میکند.

خاک سوریه دفاع نمی کنند. هدف مشترک بین اسرائیل و روسیه در تقسیم منابع اقتصادی و پایگاه های نظامی در سوریه مانع دفاع نظامیان روسی از خاک سوریه در مقابل حملات هوایی اسرائیل می شود. راکت های S 300 و S400 روسی که پیشرفته ترین اسلحه دفاع هوایی است و حکومت بشار تعداد از آن را داشت، لیکن حکومت بشار اجازه استفاده از آنها را نداشت.

اسرائیل در نقشه جدید شرق میانه روسیه را با امریکا شریک می داند و روس ها در سوریه در صورتی که تغییرات سیاسی و نظامی رخ ندهد مدت طولانی باقی می ماند.

استاد مروان قبلان، نویسنده و محقق سوری نقش امریکا را در سوریه و شرق میانه زیر عنوان: «بماذا تفکر جنرالات امریکا؟ / جنرال های امریکا به چه فکر میکنند؟» به بحث گرفته می نویسد:

رئیس جمهور اوباما 500 سرباز به سوریه فرستاد و رئیس جدید امریکا 400 سرباز دیگر را به سوریه فرستاد تا با کردها مشترکاً علیه جنگجویان داعش جنگ نمایند. تعداد عساکر امریکا در شمال شرق سوریه و شمال غرب عراق بین 9 تا 10 هزار می رسد و این تعداد به مرور زمان بیشتر شد. دولت امریکا برای قوای نظامی اش پایگاه های منظم در امتداد خط «الرمیلان - عین العرب - تا منبج» غرب نهر فرات تأسیس کرد و در این پایگاه ها نظامیان امریکائی با اسلحه ثقیله جابجا شدند. پایگاه های امریکا در سوریه و شمال عراق و غرب آن موازی به سرحدات سوریه در امتداد سرحدات ترکیه و ایران به 12 پایگاه می رسد و این پایگاه ها اهمیت فوق العاده را در سطح جهانی دارند.

قوای نظامی امریکا، روسیه، ترکیه، ایران و اسرائیل در منطقه بعد از جنگ جهانی دوم بزرگترین تجمع عسکری به حساب می آیند. رئیس ترامپ تصمیم دارد تا رابطه بین پایگاه ها شرق عربی را با افغانستان مستحکم سازد. دیده شود که رئیس جمهور ترامپ در سال 2025 چه نوع سیاست را در قبال شرق

میانہ خصوصاً عراق و سوریه و افغانستان در پیش خواهد گرفت.

تا آنجا که معلوم است، رئیس ترامپ با آوردن فشار سیاسی و اقتصادی بر کشورهای عربی، می خواهد عربستان سعودی را با اسرائیل در یک پیمانہ سیاسی و امنیتی متحد کند و سرزمین های اشغالی فلسطین را به دلیل این که اسرائیل به مساحت بیشتر ضرورت دارد به دولت نام نهاد اسرائیل ببخشد. بر امارت اسلامی (طالبان) و دولت ایران فشار اقتصادی بیشتر خواهد شد. رئیس ترامپ تصمیم قاطع دارد تا ایران را از خاورمیانه خارج کند.

در مورد فلسطین، محو حرکت حماس به طور کل و تشکیل قوای نظامی از کشورهای عربی و اسرائیل برای اداره غزه. فشار بر حزب الله تا این که تمام اسلحه های خود را به قوای نظامی لبنان تحویل دهد سیاست رئیس ترامپ را می سازد.

جنرال جوزف ووتل (Joseph Votel) قوماندان عمومی قوای امریکا که از سرحدات چین تا سواحل بحر اطلس در غرب را زیر اداره خود داشت (CENTCOM) تأکید به ادامه حضور نیروهای امریکایی در مناطق استراتژییک می نماید. نامبرده در مارچ 2017 در جلسہ کمیته نظامی سنا گفت: قوای امریکا در سوریه بعد از شکست داعش برای مدت طولانی باقی می ماند تا از بازگشت داعش جلوگیری شود. جنرال ووتل اضافه کرد که تصادم بین عرب ها و کردها در سوریه حتمی است و برای حفظ امنیت، موجودیت قوای امریکا برای مدت طولانی ضرورت است. او اضافه نمود که سعی و کوشش می کند تا معاهده «صوفا» که امریکا با عراق به امضا رسانیده بود تجدید شود تا امریکا بتواند قوای بیشتری را در عراق داشته باشد.¹

¹ . معاهده ای که بین عراق و امریکا در سال 2008 منعقد شد، به نام توافق نامه وضعیت نیروها یا (SOFA " Status of Forces Agreement) شناخته میشود. این توافق نامه نوعی قرار داد امنیتی و

بهار عرب اولین تجربهٔ سیاسی برای ملت های عرب بود. بهار عرب نهضت های معتدل اسلامی را به قدرت رسانید و اگر قدرت های بزرگ و اسرائیل می گذاشتند تا این تجربه سیاسی کامیاب شود و نهضت های معتدل اسلامی داخل میدان سیاسی شوند نا ممکن بود که حرکت های افراطی مثل القاعده و داعش و غیره در بین جوانان مسلمان نفوذ پیدا کنند. حرکت های افراطی در غیاب حرکت های معتدل و خصوصاً اخوان المسلمین صاحب قدرت بیشتر شدند و جنگ هایی که بین قوای غربی و داعش در عراق و شام صورت گرفت و تا هنوز ادامه دارد میلیاردها دالر خساره مالی و صدها هزار انسان قربانی داشت و مبارزه امریکا با افراط گرائی تا هنوز بی نتیجه است و سال های بعدی قضیه را روشن تر خواهد ساخت. متأسفانه مبارزه علیه داعش و القاعده به مرور زمان به مبارزه علیه اسلام تبدیل شد.

امریکا و اسرائیل با همکاری و تعاون با نظامیان مصری اولین حکومت آزاد و انتخاب شده از طرف مردم مصر را سقوط دادند و از قتل هزارها انسان که اکثراً دانشمندان مصری بودند چشم پوشی شد. زندانی شدن بیش از 60 هزار مصری زیر عنوان مبارزه با تروریسم و مهاجرت نزدیک به یک میلیون دانشمند مصری، ساحهٔ سیاسی مصر را برای افراط گرایان باز ساخت و جزیره سینا به مرکز مبارزات علیه نظام عسکری مصر، اسرائیل و امریکا تبدیل شد

نظامی است که شرایط حضور نیروهای امریکایی در عراق و همکاری های امنیتی دو کشور را تعریف می کند.

هدف اصلی این معاهده تنظیم شرایط و قوانین حاکم بر حضور نظامیان امریکایی در عراق و تعیین مدت زمان باقی ماندن آن ها در این کشور بود. ای معاهده شامل چند بخش بود. تعریف شرایط حضور، مدت حضور، همکاری امنیتی و آموزشی .

همچنان دیده شود: العربی الجدید 14 مارچ 2017.

جنرال ووتل بغیر از مبارزه با داعش، نگرانی را در باره نفوذ ایران در عراق مطرح کرد و هوشدار داد که سپاه قدس ایران و گروه های شبه نظامی تحت حمایت ایران ممکن است تهدیدی برای ثبات عراق باشند اظهارات جنرال جوزف ووتل در این جلسه نشان دهنده نگرانی های امریکا در باره آینده عراق و پیچیدگی های سیاسی، نظامی و فرقه ای آن بود.

در مبارزه علیه نهضت‌های دموکراسی و سرنگون ساختن نهضت‌های معتدل اسلامی در شرق اسلامی کشورهای خلیج عربی با اسرائیل و امریکا همکاری مشترک داشتند. عربستان سعودی، بحرین و امارات عربی بلیون‌ها دالر جهت سقوط نظام دموکراسی در مصر مصرف نمودند و از نظام دیکتاتوری نظامی به قیادت جنرال السیسی مرد اول اسرائیل حمایت کردند. عربستان سعودی، مصر، بحرین و امارات متحده عربی نهضت اخوان المسلمین را که یک حرکت سیاسی، تعلیمی، تربیتی و دعوتی رسمی بود در لست سیاه و تروریسم قرار دادند و کوشش دارند تا امریکا و اروپا نهضت‌های معتدل اسلامی را به صفت حرکت‌های تروریستی در امریکا و اروپا نیز بشناسانند. مجلس سنای امریکا تا هنوز اخوان المسلمین را در لست سیاه قرار نداده است، اگر قرار داده شود انجمن‌های اسلامی و اکثر مساجد در سراسر امریکا مسدود خواهد شد.

فعالیت‌های دیپلوماسی و نظامی غرب و امریکا و روسیه در شرق اسلامی محدود نیست و این نوع فعالیت‌ها شامل کشورهای اسلامی در افریقا و آسیای مرکزی نیز می‌شود.

امریکا و انگلستان و فرانسه و ایتالیا عملیات نظامی را در افریقا به راه انداختند و در سقوط نظام قذافی با مخالفین‌اش همکاری نمودند و اما بعد از سقوط نظام قذافی لیبیا را به حالت غیر عادی گذاشتند و با نظام جدید به

¹ . نظامیان مصری به حمایت امریکا و اعتراف بین المللی ضرورت داشتند. رئیس السیسی از اسرائیل کمک خواست تا میان نظامیان و رئیس اوپاما میانجی‌گیری کند. صدراعظم اسرائیل نتنیاهاو شخصاً در واشنگتن با رئیس اوپاما ملاقات کرد و او را قناعت داد که انقلاب مصر علیه داکتر مرسی به نفع اسرائیل و امریکا است. . رئیس اوپاما به مشوره اسرائیل حکومت نظامی مصر را برسمیت شناخت و وعده کمک‌های اقتصادی بیشتر به مصر داد. این معلومات را یکی از ارکان دولت مصر به تلویزیون مکملین ارائه کرد.

زعامت احزاب اسلامی در لیبیا همکاری نکردند و برعکس جنرال «حفتر» یکی از جنرال‌های نظام قذافی را تقویت مادی و نظامی کردند و جنرال حفتر فعلاً ربع مساحت لیبیا را در کنترل خود دارد.

ایتالیا و روسیه از بی‌نظمی سیاسی لیبیا بیشترین سود را بردند، روسیه صاحب پایگاه هوایی و بحری در لیبیا شد، ایتالیا که زمانی لیبیا را اشغال نظامی کرده بود بار دوم به لیبیا آمد. ترکیه از دولت انتخاب شده لیبیا به زعامت اخوان المسلمین حمایت نمود در مقابل مصر، ایتالیا و روسیه از مخالفین دولت لیبیا حمایت نظامی کردند و کوشش کردند تا پای فرانسه را نیز به لیبیا بکشانند. لیبیا بعد از سقوط دولت القذافی آرامش نیافت. امریکا در سیاست‌های خود نسبت به لیبیا اشتباهات زیاد نمود، خواست از نظام دموکراسی لیبیا به زعامت اخوان المسلمین حمایت کند، سیاست اشتباه آمیز امریکا سبب شد تا روسیه به صورت دائمی در لیبیا مستقر شود.

کوشش کشورهای غربی و خلیج عربی برای سقوط نظام دموکراسی در تونس و حزب «نهضت» که شاخه‌ای از اخوان است سبب شد تا نظام دیکتاتوری جدید در تونس روی کار و نهضت دموکراسی تونس سرکوب و زعمای آن زندانی شوند.

بعد از سقوط بهار عرب و سقوط بن علی رئیس تونس و معمر القذافی در لیبیا و دکتور مرسی در مصر- کشورهای غربی کوشش کردند تا پای روسیه را به کشورهای اسلامی در افریقا بکشند و در جنگ‌های داخلی روس را شریک سازند. بی‌بی‌سی به تاریخ 15 مارچ گزارش داد که قوای خاص روسی در یکی از پایگاه‌های نظامی مصر- قریب لیبیا جاگزین شدند تا در جنگ‌های داخلی لیبیا به طرفداری جنرال حفتر در خاک لیبیا داخل شوند. مداخله نظامی و سیاسی روسیه در افریقا و همکاری نظامی و سیاسی بین روسیه و مصر- بدون موافقه امریکا ناممکن است؛ به دلیل اینکه مصر- دومین کشور در

جهان است که بعد از اسرائیل از کمک‌های امریکا خصوصا در ساحة نظامی استفاده می‌کند و نظام سیاسی مصر- بدون حمایت اسرائیل و امریکا قدرت ادامه دادن را ندارد. سیاست غرب در قبال روسیه این است که روسیه را در مشکلات شرق میانه و شمال و غرب افریقا شامل سازد و بدین ترتیب قوای سیاسی و نظامی و اقتصادی روسیه را زیر فشار داشته باشد. سیاستمداران روسی از مداخله نظامی روسیه در سوریه ناراضی هستند و راه خروج را جستجو می‌کنند و از کنفرانس کزاخستان و جنیف برای حل مشکلات سوریه حمایت می‌کنند و با دولت ترکیه برای حل مشکلات سوریه همکاری نزدیک دارند. مداخله روسیه در افغانستان و همکاری با طالبان نیز ضمن همین سیاست است .

امریکا کامیاب شد تا ایران را در عراق و سوریه و یمن مشغول سازد و ممکن نیست ایران از این قبرستان به سلامت بیرون شود. به همین ترتیب پای روسیه را به سوریه کشانید و روسیه امروز نمی‌تواند به سلامت از شرق اسلامی خارج شود. عربستان سعودی را مشغول یمن ساخت و یمن ویتنام جدید برای عربستان سعودی است و سعودی برای اولین بار از بانک جهانی قرضه دریافت کرد. حملات نظامی مشترک امریکا، عربستان سعودی، امارات متحده عربی با همکاری (حوثی)ها، سقوط نظام دیموکراسی یمن را به زعامت (حرکت اصلاح اجتماعی) شاخه‌ای از اخوان المسلمین آماده کرد. این سه کشور کمک‌های نظامی و مالی برای حرکت حوثی کردند. اما بعد از سقوط حکومت انتخابی یمن با حوثی‌ها درگیر شدند. عربستان سعودی در سقوط حکومت به زعامت حرکت اصلاح اجتماعی موفق شد، و اما یمن را به خاک و خون کشانید و پای ایران را در یمن داخل کرد و امروز ایران صاحب امر و نهی در یمن است.

اختلاف بین ایران و عربستان سعودی از اختلاف سیاسی و نفوذ در شرق

میانه به اختلافات مذهبی تبدیل شد، عربستان سعودی و امارات متحده عربی و بحرین جهت مبارزه با نفوذ ایران در یمن و سوریه و لبنان بیشتر به امریکا و اسرائیل نزدیک شدند. آقای ترامپ در ریاست‌اولش کوشش داشت تا عربستان سعودی، اسرائیل را به رسمیت بشناسد و اعتراف کند که قدس پایتخت اسرائیل است. اگر جنگ در نوارغزه واقع نمی‌شد، عربستان سعودی به وجود اسرائیل اعتراف رسمی می‌کرد.

اسرائیل کوشش دارد تا کناره غرب نهر اردن را ضمن خاک اسرائیل اعلان کند و انتظار دارد تا آقای ترامپ در این مرحله کناره غربی را جزء خاک اسرائیل بشناسد. قبلاً آقای ترامپ اعلام داشته بود که اسرائیل بزرگ شده و به خاک بیشتر ضرورت دارد¹.

روزنامه معاریف می‌نویسد که اولویت امریکا اعتراف عربستان به دولت اسرائیل است نه اعتراف بر اینکه کناره غرب نهر اردن جزء قلمرو اسرائیل باشد. امریکا در کوشش است تا پیمان نظامی جدید که بنام « ناتو عربی » یاد می‌شود به زودی تشکیل یابد و عربستان سعودی، امارات متحده، اسرائیل، مصر و امریکا اعضای آن باشند. هدف از ایجاد پیمان جدید همکاری و تعاون دفاعی مشترک بین سعودی و اسرائیل در مقابل ایران است.

روزنامه می‌نویسد که هدف صدر اعظم اسرائیل نتنیاهاو از اعلان کناره غربی نهر اردن فشار بر سعودی است تا اسرائیل را به رسمیت بشناسد. اتفاق بین اسرائیل و عربستان، از اسرائیل می‌خواهد تا بعضی تنازلات «گذشت‌ها» را قبول کند خصوصاً آنچه متعلق به قضیه فلسطین است. اگر نتنیاهاو خواهد با سعودی معاهده امنیتی امضا کند و سعودی به موجب آن اسرائیل را برسمیت بشناسد، در این صورت باید اسرائیل از بسا قضایا تنازل نماید.

¹ کرانه باختری و قدس شرقی از رود اردن در شرق تا خط سبز (مرز پیش از 1967 با اسرائیل) دز غزب امتداد دارد.

خصوصاً پلان گرفتن کناره غربی نهر اردن.¹

سیاست امریکا در کشورهای اسلامی از بین بردن تمام اسلحه‌های روسی بود، به عبارت دیگر قطع هر نوع رابطه بین نظامیان کشورهای اسلامی و دولت روسیه. برای تحقق این امر جنگ‌های داخلی افغانستان بهترین وسیله برای تخریب وسائل نظامی روسی در افغانستان بود و در عراق آقای «پول بریمر / Paul Bremer» حاکم امریکا برای عراق نظام عسکری عراق را از بین برد و صاحب منصبان عراقی که آشنائی به اسلحه روسی داشتند ایشان را به تقاعد سوق داد. امریکا در افغانستان پلان 300 هزار عسکر به پول امریکا و اسلحه امریکا و تحت حمایت و امر امریکا ساخت و همین سیاست را در عراق نیز عملی کرد و در آینده نزدیک امریکا خواهان تشکیل نظامی به اسلحه امریکایی در سوریه می‌باشد. اما نظام جدید سوریه نزدیک به امریکا نیست.

جهت ادامه حضور نظامی امریکا در عراق، امریکا مردم عراق را به اساس مذاهب و نژاد تقسیم کرد و کردها را آزادی داخلی بیشتر داد و همین سیاست را در افغانستان نیز عملی کرد و ادامه مقاومت را بهترین وسیله برای بقاء خود در افغانستان دانست و در عراق شیعه را در مقابل سنی تقویت کرد و در مقابل شیعه حرکت داعش را ساخت و از آن حمایت کرد و پای ایران را به عراق و سوریه کشانید تا جنگ بین شیعه و سنی برای مدت‌ها ادامه داشته باشد. به همین ترتیب ملت واحد افغانستان را به اقوام و مذاهب تقسیم نمودند و برای جلب دوستی اقوام مختلف را در دولت بدون در نظر داشت لیاقت و صداقت و امانت شریک ساختند و سران اقوام و مذاهب را با دادن پول و رتبه‌های نظامی در خدمت خود قرار دادند. این تجربه در افغانستان به دلیل عدم اخلاص زعمای جهادی و قومی و مقاومت طالبان به ناکامی انجامید.

¹. معاریف، 2024/11/16 / ترجمه آن در روزنامه الجزیره نت به همان تاریخ.

امریکا در افغانستان اشتباهات بسیاری را مرتکب شد، اولین اشتباه امریکا همکاری و تقویت فساد و مفسدین و کسانی بود که مردم افغانستان ایشان را به تاریخ سپرده بودند. امریکا در مبارزه با طالبان گروه‌هایی را تقویت نمود که مردم افغانستان آنها را دشمنان خود می‌دانستند. موقف امریکا سبب شد تا طالبان دوباره روی کار آیند و تا حدی حمایت مردم را داشته باشند و جنگ امریکا علیه طالبان متأسفانه به جنگ علیه اسلام تبدیل شد و گروه طالبان از اشتباهات امریکا و فساد دولت تحت حمایت و سکوت علماء استفاده خوب کرد.

سقوط بهار عرب و اعاده نظام‌های استبدادی و نظامی به کمک امریکا در جهان اسلام از یک جانب و حمایت امریکا از نظام‌های فاسد و مفسدین زیر نام حکومت‌های دموکراسی و ساختن پایگاه‌های نظامی در جهان اسلام، امت اسلامی به طور عموم و حرکت‌های دموکراسی و اسلام معتدل همه ضد سیاست امریکا شدند و برای نابودی نفوذ سیاسی و نظامی امریکا در منطقه متحداً همکاری می‌نمایند.

سقوط حکومت‌های دموکراسی و قیام نظام‌های استبدادی و فاسد در جهان اسلام، اشغال عراق و افغانستان به صورت مستقیم و حرکت‌های مسلحانه ضد امریکا در منطقه سبب شد تا روسیه و چین و هندوستان صاحب قدرت و نفوذ بیشتر شوند و رابطه مستقیم با مخالفین امریکا سرأ و علناً قائم نمایند.

افغانستان در بین مبارزات جهانی قربانی سیاست امریکا شد. حکومت تحت حمایت افغانستان مثل تمام حکومت‌های استبدادی و ناکام کوشش داشت تا ناکامی‌های خود و اشغال نظامی افغانستان را به دیگران نسبت دهد. سقوط پاکستان یکی از پلان‌های بزرگ جهانی است و سقوط پاکستان موجودیت افغانستان را به مخاطره می‌اندازد و مهاجرت میلیون‌ها پاکستانی به

افغانستان مناطق پشتون نشین افغانستان را تهدید می کند. مردم افغانستان درک داشته باشند که افغانستان عمق استراتژی برای پاکستان و پاکستان عمق استراتژی برای افغانستان است و اگر طرفین عمق استراتژی یکدیگر را صحیح درک نکنند و به مصلحت مشترک احترام نکنند موجودیت هر دو کشور به خطر خواهد افتاد.

نقش روسیه در شرق اسلامی و افریقا

روسیه در اواخر قرن بیستم و اوائل قرن بیست و یکم مجدداً به حیث یک قوه فعال و قابل ملاحظه نظامی و اقتصادی در ساحة سیاسی جهان عرض اندام نمود و از مشکلات سیاسی و اقتصادی جهان معاصر و ضعف سیاست امریکا در شرق میانه و افریقا و افغانستان استفاده سیاسی کرد و به زودی با همکاری دوستان و هم‌پیمانان سابق صاحب پایگاه‌های نظامی شد و با تعدادی از کشورهای اسلامی معاهدات همکاری را به امضا رسانید.

ایران، عراق، سوریه، شرق لیبیا و سودان روسیه را همکاری سیاسی و نظامی نمودند و دولت ایران پایگاه‌های هوایی خود را در اختیار روسیه قرار داد. هدف از همکاری ایران با روسیه حمایت اقلیت شیعه در سوریه و شرق میانه بود.

روسیه برنامه‌های اقتصادی، سیاسی و استراتژیکی خاص را در شرق میانه و افغانستان دارد و در مبارزه با افراطیت و نهضت‌های اسلامی معتدل با سیاست امریکا متفق‌النظر است.

آقای «ولادیمیر فرولوف / Vladimir Frolov» دیپلمات سابق روسی و متخصص در امور بین الملل اهداف روسیه را در شرق اسلامی و افریقا به بررسی گرفته این طور خلاصه می کند:

روسیه از جنگ سوریه و فرستادن قوای نظامی به خاک مصر در سرحدات

لیبیا و آمادگی به حمله مشابه سوریه در لیبیا به حمایت از جنرال متقاعد لیبی سه هدف دارد:

- روسیه به دنبال افزایش نفوذ خود در این مناطق است تا به عنوان یک بازیگر مهم در صحنه بین المللی شناخته شود و بتواند در تصمیم گیری های جهانی تأثیر گذار باشد.
 - بازگشت به شرق میانه و اشتراک در حل مشکلات بزرگ معاصر و محدود ساختن نفوذ امریکا در منطقه.
 - حمایت نظام های استبدادی در برابر قیام مردم در شرق. روسیه این مداخله را زیر نام مبارزه با افراطیت و تروریسم انجام می دهد.
 - شعار حمایت از نظام های منطقه و سهم داشتن برای بازسازی سوریه و لیبیا که در نتیجه مداخلات خارجی ویران شده است.
- 1
- بازاریابی برای فروش اسلحه روسی و همکاری نظامی و تأسیس پایگاه های نظامی در منطقه به هدف مبارزه با افراطیت و تروریسم و همچنان اشتراک در منابع گاز و پترول و حمایت راه انتقال آن.

بعد از نشر- خبر ارسال قوای نظامی روسی به مصر- و آمادگی گرفتن برای حمله به لیبیا، رئیس کمیته دفاع و امنیت در پارلمان روسیه آقای «ویکتور اوزیروف» گفت: حمله به لیبیا بدون فیصله مجلس امنیت ملل متحد و دعوت حکومت لیبیا صورت نمی گیرد.

آقای «سیرگی بالماسوف» متخصص در امور شرق میانه در پارلمان روسیه

¹ . فلادیمیر فروولوف دیپلمات روسی و سابق معاون سفیر روسیه در واشنگتن بود و حالا بحیث تحلیل گر سیاسی در وسائل مطبوعات روسیه در مسائل روابط روسیه با خارج و روابط بین المللی کار می کند. او اهداف روسیه را در مصاحبه با « اسوشیتد پرس » بیان کرد.

هدف از مداخله روسیه را در لیبیا اینطور تفسیر و بررسی کرده می‌نویسد:

اهداف روسیه در لیبیا نسبت به سوریه تفاوت می‌کند. در لیبیا روسیه می‌خواهد معاهداتی که قبلا با رهبر لیبیا معمر القذافی امضا شده بود احیاء گردد خصوصا معاهده ساخت خط ریل بین «سرت و بنغازی» به قیمت 2.2 میلیارد دالر امریکائی. او اضافه می‌کند که روسیه می‌خواهد پول‌هایی که در لیبیا سرمایه‌گذاری نموده بود به دست بیاورد و برای تحقق این اهداف مسکو از جنرال متقاعد لیبی «حفتر» حمایت می‌نماید و او را برای گرفتن قدرت در لیبیا همکاری می‌کند.

روزنامه «نیزاویسیمیا گازیتا / Nezavisimqya Gazeta»¹ مقاله تحت عنوان «جنرال حفتر» می‌نویسد که جنرال حمایت روسیه را دارد. لیبیا برای روسیه نسبت به سوریه اهمیت بیشتر دارد به دلیل منابع نفت. و برای رسیدن به این اهداف روسیه با اطراف داخل جنگ در لیبیا بدون رضایت غرب دست به کار شده است.²

به همین ترتیب روسیه با پاکستان با آنکه پاکستان با امریکا و چین پیمان استراتژیک دارد و همچنان با ایران روابط خوب و نزدیک قائم نمود. روسیه برنامه‌های سیاسی و اقتصادی و استراتژیک را جهت عملی کردن در افغانستان دارد و کوشش دارد تا با مخالفین مسلح حکومت کابل زیر نام مبارزه با داعش همکاری داشته باشد و برای این هدف با رهبران حرکت طالبان نیز داخل مذاکره است. از طرف دیگر روسیه همکاری اقتصادی و سیاسی و نظامی را با نظام کابل در نظام جمهوری به امضا رسانید و رابطه

¹ . یک روزنامه مستقل روسی است که از سال 1990 منتشر می‌شود. این روزنامه به پوشش اخبار سیاسی، اقتصادی و فرهنگی روسیه و جهان می‌پردازد.

² . العربی الجدید 17 مارچ 2017

کابل با مسکو هر روز بهتر می شود. سیاست روسیه در قبال امارت اسلامی، ثابت نیست، یک زمان از امارت اسلامی دفاع و در وقت دیگر امارت اسلامی را شدیداً نقد می نماید. دیده شود که بعد از اتفاق بین امریکا و روسیه در مورد اوکراین و شرق میانه، مسکو چه نوع سیاست را در قبال افغانستان بازی خواهد کرد.

مسکو از نفوذ اسلام گرایان در آسیای میانه ترس دارد. جنبش اسلامی تاجیکستان، ازبکستان، ترکمنستان سبب تشویش روسیه شده است. روسیه می داند که نهضت های اسلامی که علیه حکومت های استبدادی در آسیا مرکزی می جنگند از پیروزی نهضت طالبان الهام می گیرند.

Changes in the Middle East
&
Their Implication for Afganistan

Dr.Fazl Ghani All Mogaddedi